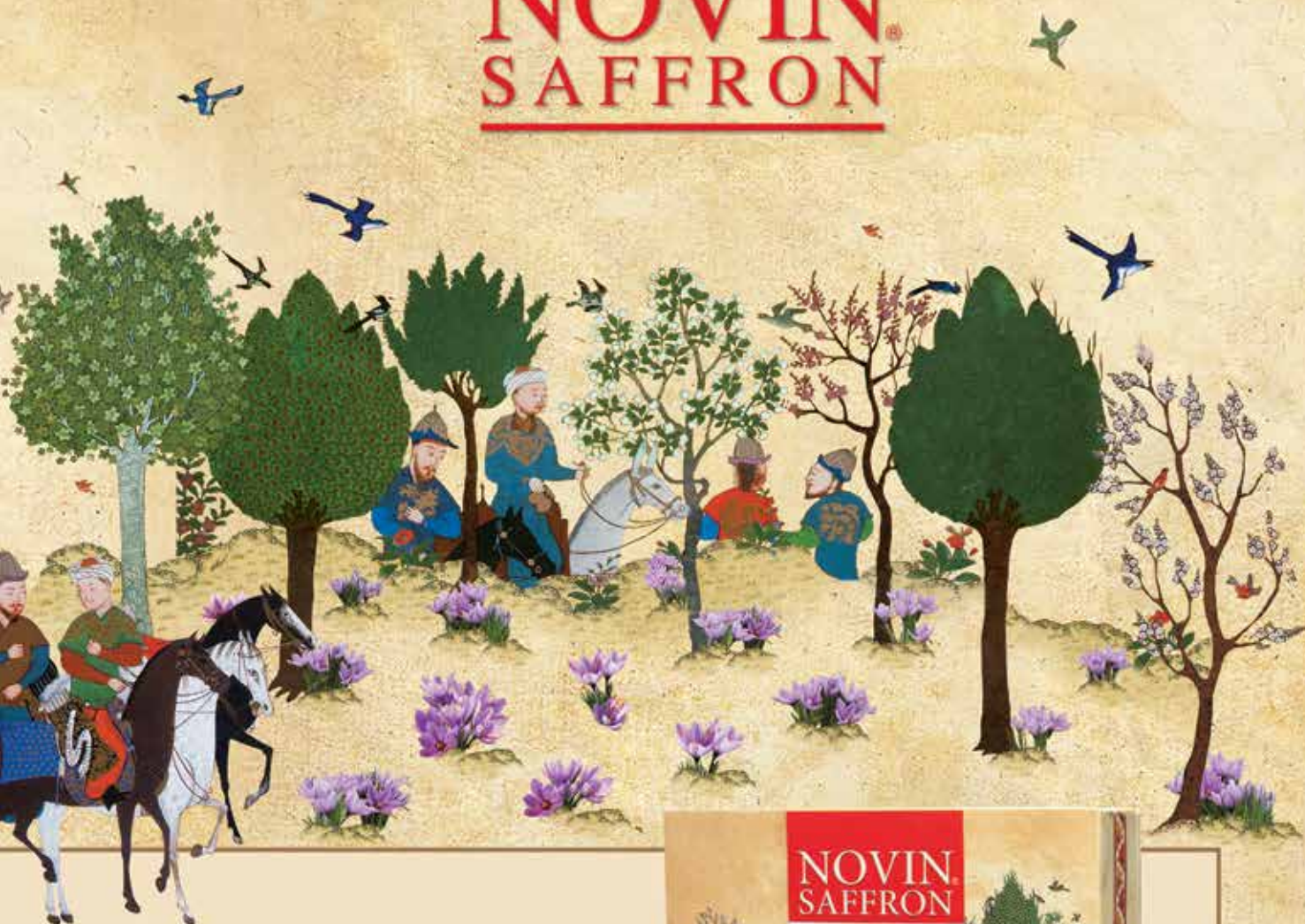


ارزهای دیجیتال امکان جدید دور زدن تحریم



- ◀ تفاوت کسب و کار الکترونیک با تجارت الکترونیک
- ◀ گردشگری، صنعتی که در سیاست های اقتصادی ایرانی جایی ندارد
- ◀ نگاهی به دیپلماسی اقتصادی و تجاری ایران و پاکستان
- ◀ تحریم ایران، از مصدق تا روحانی
- ◀ سهم کلی سفر و گردشگری در تولید ناخالص داخلی کشور
- ◀ ده اقدام اساسی برای نجات اقتصاد

NOVIN SAFFRON



saffron@novinsaffron.com
[novinsaffron](https://www.instagram.com/novinsaffron)
[09123317790](https://www.facebook.com/novinsaffron)
[novinsaffron](https://www.linkedin.com/company/novinsaffron)

کارخانه: مشهد، شهرک صنعتی توس، نیش اندیشه ۶، پردیس نوین زعفران

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۵۳۱۴۷ فکس: ۰۵۱-۳۲۲۵۵۲۲۶

دفتر خدمات مشتریان تهران: اتوبان شهید چمران، پارک وی، خیابان جوانان، ابتدای خیابان ب پلاک ۱، طبقه سوم، واحد ۷

تلفن: ۲۲۰۱۵۸۰۰-۲۲۰۱۱۷۰۰-۲۲۰۱۱۸۰۰



- یادداشت / آیدار سال جاری مناسبات اقتصادی با تاجیکستان فزونی خواهد گرفت؟ ۲
- سی ویزگی جامعه ای که در آن رقابت کمیاب است ۳
- ارزهای دیجیتال امکان جدید دور زدن تحریم ۴
- تفاوت کسب و کار الکترونیک با تجارت الکترونیک ۶
- تحریم ایران، از مصدق تارو حانی ۸
- سیگنال غلط به قیمت مسکن ۱۲
- گردشگری، صنعتی که در سیاست های اقتصادی ایرانی جایی ندارد ۱۵
- نگاهی به دیپلماسی اقتصادی و تجاری ایران و پاکستان ۱۶
- عالی نسب، مصدق و داستان وطن پرستی یک صنعتگر بزرگ ۲۰
- دستگاه های اجرایی چطور از قانون فرار می کنند؟ ۲۴
- تنه انواع مالیات که کارایی را کاهش نمی دهد، چیست؟ ۲۷
- صندوق بین المللی پول و چشم انداز اقتصادی ایران ۲۸
- موقعیت اتحادیه اوراسیا در گروه تقویت تغییر جهت در مقاصد صادراتی ۳۰
- سهم کلی سفر و گردشگری در تولید ناخالص داخلی کشور ۳۴
- اقتصاد ۸۰ تریلیون دلاری جهانی در یک نگاه ۳۷
- قدرت داخلی پول های دنیا چقدر است؟ ۳۸
- ده اقدام اساسی برای نجات اقتصاد ۴۰

صاحب امتیاز و مدیر مسوول:
مهندس حمیدرضا شوشتریان

زیر نظر شورای نویسندگان

طراحی و صفحه آرایی:
هدی امیر
گروه ترجمه:
زهرا پزشکی

ویراستار:
احمد حسین زاده

عکس:
حسین نظامی

واحد بازرگانی:
جلیل فروتن - الهه ارجمند
تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۲۰۱۱۱

روابط عمومی:
محبوبه احمدپور
پایگاه اینترنتی:
فرشاد عباسی

نشانی:
تهران - شریعتی - خیابان دستگردی
پلاک ۷۴
طبقه دوم - واحد ۳
تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۲۰۹۶۱
دورنگار: ۰۲۱-۲۲۲۶۹۰۳۲
مشهد - خیابان راهنمایی - برج سلمان
طبقه ۸ - واحد ۲
تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۲۰۱۱۱

www.eghtesadasia.com
eghtesadeasia@gmail.com

چاپ: ثامن

آیا در سال جاری مناسبات اقتصادی با تاجیکستان

فزونی خواهد گرفت ؟

"طرح مثلث توسعه اقتصادی فرهنگی" که به ابتکار استاندار خراسان رضوی و مبتنی بر مشارکت و سرمایه گذاری مردم و نهادهای مردمی به اجرا درآمده است به ظاهر فراتر از طرحهایی است که بر مبنای مدل های علمی و دانشگاهی اجرا می شوند.

این طرح حاصل تجربه موفق مهندس رزم حسینی است که در زمان استانداری کرمان در قلعه گنج کرمان اجرا شده و اکنون در حال پیاده شدن در خراسان رضوی است.

طرح مثلث توسعه اقتصادی، فرهنگی شامل سه ضلع کارگزاران حکومتی، سرمایه گذران و کارآفرینان و نمایندگان مجلس شورای اسلامی است و ائمه جمعه نیز به عنوان ناظران عالی در درون این مثلث جای دارند. مهمترین ضلع این مثلث، معین های اقتصادی هستند که تاکنون بالغ بر ۱۰۰ معین شناسایی شده و با آنها تفاهم نامه امضا شده است. حوزه اجرایی طرح در سه حوزه ایجاد، تکمیلی و عمدتاً در روستاها و نقاط محروم و روستایی است.

بر این اساس تاکنون با هدف رفع مشکلات اقتصادی به ویژه در روستاها و مناطق کمتر توسعه یافته خراسان رضوی ۶۰۹ طرح با سرمایه گذاری ۲۷۰ هزار میلیارد ریال و ۷۰۰ میلیون یورو تعریف شده است. در همین ارتباط، نهادی نیز با عنوان "نهاد مردمی اقتصاد مقاومتی" توسط استاندار خراسان رضوی تشکیل و فعال شده که وظایف آن فراهم کردن زمینه انتقال تجارب معین های اقتصادی، کنترل و نظارت بر طرح ها و عملکرد معین ها و پیگیری امور اداری و مشکلات معین های اقتصادی با نظارت مستقیم فرمانداران است.

بر اساس آخرین سرشماری، این استان سه هزار و ۲۸۱ روستا با جمعیت یک میلیون و ۷۳۰ هزار و ۴۶۷ نفر در قالب ۵۱۵ هزار و ۹۱۹ خانوار دارد که این جمعیت ۲۷ درصد از کل جمعیت خراسان رضوی را شامل می شود.

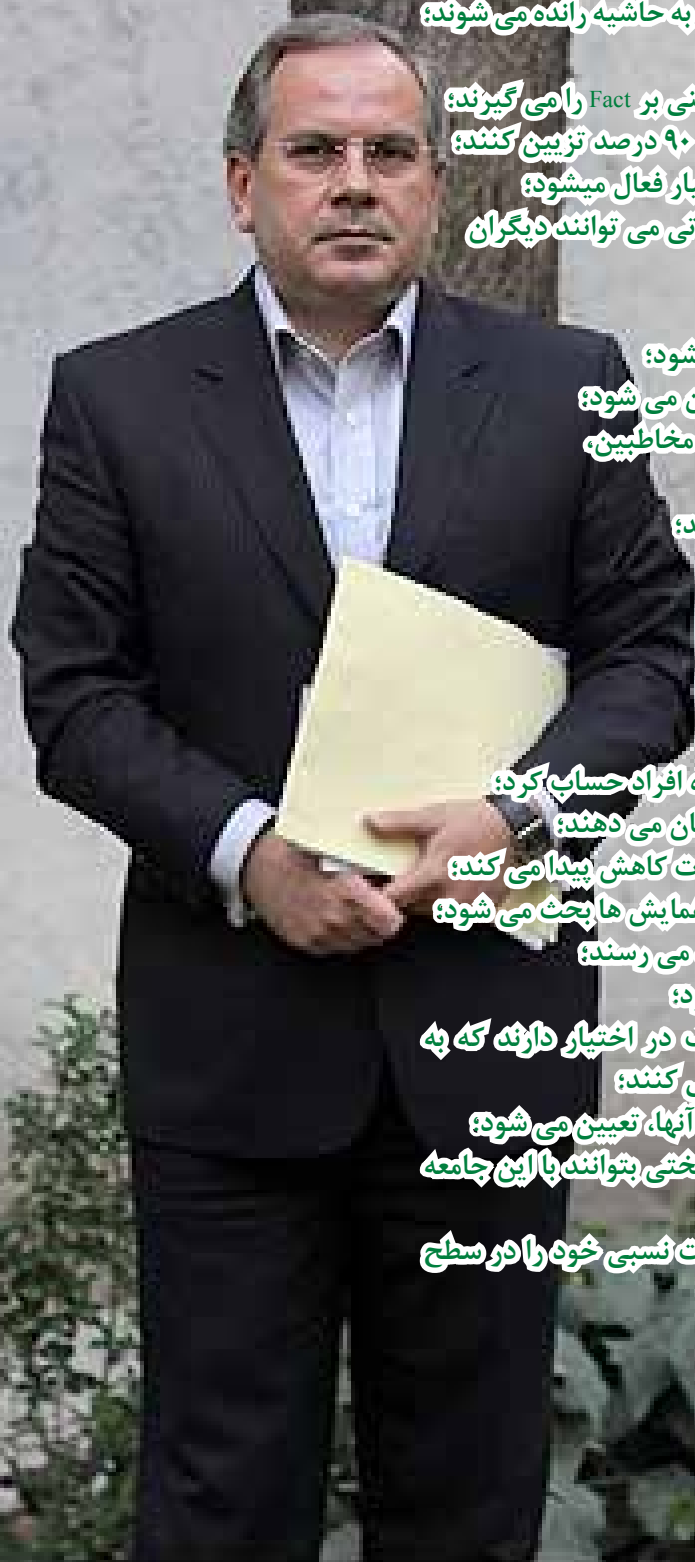
مقایسه بین سرشماری سال ۱۳۹۰ با سرشماری سال ۱۳۹۵ نشان می دهد که تعداد آبادی های خراسان رضوی ۱۶ درصد کاهش داشته اما جمعیت روستایی استان در این مدت از یک میلیون و ۶۸۱ هزار و ۳۱۹ نفر در سال ۹۰ به یک میلیون و ۷۳۰ هزار و ۴۶۷ نفر در سال ۹۵ رسیده و این آمار گویای افزایش جمعیت روستایی در این مدت و مهاجرت معکوس از شهر به روستاست. و این امر نشان دهنده ظرفیت روستاها در توسعه اقتصادی است.

بی تردید این طرح در فرایند اجرایی به دلیل عدم مطالعه کامل دچار نقصان است اما وجود معین های موفق بخش خصوصی در کنار مجریان به عنوان ایفای نقش مسوولیت اجتماعی می تواند ضعف ها را کاهش داده و در مجموع روند اجرا را موفقیت آمیز نماید. ویژگی دیگر طرح سرعت عمل و هم افزایی دستگاه های اجرایی و نهادهای مالی استان است که تحت نظر استاندار عزمی جزم برای نمایش سرعت و سهولت در تصمیم گیری پیدا کرده اند. امری که می تواند در کاهش بروکراسی رایج کمک شایانی نماید. بدیهی شرط بقای طرح مثلث توسعه اقتصادی فرهنگی در خراسان رضوی از یکسو واگذاری تمامی اختیارات این حوزه به استاندار است و از سوی دیگر برقراری سیستمی روان برای پایش و نظارت است. در تحقق صحیح این بخش باید از اساتید دانشگاه بعنوان مطالعات تطبیقی با اهداف برنامه توسعه کشور و تجارب جهانی و از رسانه ها به عنوان نظارت افکار عمومی بهره مند شد.

مروج الشریعه ادامه داد: این طرح بر مبنای یک مدل علمی دانشگاهی مبتنی بر محورهای دهگانه توسعه در ۳۱ شهرستان کمتر توسعه یافته هم اینک در مناطق مختلف کشور در حال اجرا است.

سی ویژگی جامعه ای که در آن رقابت کمیاب است

دکتر سریع القلم



- ۱- افراد اول دیگران را تمجید میکنند، بعد شاید تحلیل کنند؛
- ۲- صنعت تملق ناخواسته تسری پیدا میکند؛
- ۳- مناسبات فردی بر سیستم سازی اولویت پیدا میکند؛
- ۴- افراد واژه هایی را استفاده میکنند که صاحبان سِمَت خوششان بیاید؛
- ۵- حفظ سِمَت بر کیفیت عملکرد مدیران اولویت پیدا میکند؛
- ۶- در ناخود آگاه افراد، راستگو نبودن حالت عادی پیدا میکند؛
- ۷- کسانی که توانایی، تخصص و شخصیت دارند به حاشیه رانده می شوند؛
- ۸- دستیابی به سِمَت بسیار سهل میشود؛
- ۹- رؤیا پردازی و تخیلات جای تحلیل های مبتنی بر Fact را می گیرند؛
- ۱۰- افراد می آموزند ۱۰ درصد حقیقت را بگویند، ۹۰ درصد تزیین کنند؛
- ۱۱- حيله گری برای رسیدن به پول و سِمَت بسیار فعال میشود؛
- ۱۲- افراد می آموزند با واژه ها، حداقل برای مدتی می توانند دیگران را فریب دهند؛
- ۱۳- دسترسی به رانت بسیار راحت می شود؛
- ۱۴- فی البداهه بودن (Arbitrariness) قاعده می شود؛
- ۱۵- پیشبینی رفتار و افکار واقعی افراد، ناممکن می شود؛
- ۱۶- افراد در طول یک روز بنا به ضرورت و نوع مخاطبین، چند بار جهان بینی عوض می کنند؛
- ۱۷- وفای به عهد، معنای خود را از دست میدهد؛
- ۱۸- افراد، شخصیت واقعی خود را در لایه های تودرتو پنهان می کنند؛
- ۱۹- افراد در توجیه طرح هایی که کار آمدی ندارند، حرفه ای می شوند؛
- ۲۰- برنامه ریزی با موانع جدی روبرو می شود؛
- ۲۱- به سختی میشود روی قول، سخن و دیدگاه افراد حساب کرد؛
- ۲۲- عمده نوآوری ها در حفظ سِمَت خود را نشان می دهند؛
- ۲۳- مسئولیت و اعتبار اظهار نظر کردن به شدت کاهش پیدا می کند؛
- ۲۴- موضوع کار آمدی صرفاً در سخنرانی ها و همایش ها بحث می شود؛
- ۲۵- اهمیت ثانیه، دقیقه و زمان به حداقل خود می رسند؛
- ۲۶- کار جدی و دراز مدت، بسیار سخت می شود؛
- ۲۷- افراد خورچینی از شخصیت های مختلف در اختیار دارند که به تناسب شرایط، از شخصیت مناسب استفاده می کنند؛
- ۲۸- ارتقاء افراد عمدتاً با سنجش میزان ارادت آنها، تعیین می شود؛
- ۲۹- کشورهای دیگر و پنگاه های خارجی به سختی بتوانند با این جامعه به توافق پایدار برسند؛
- ۳۰- جامعه و کشور به تدریج، اثرگذاری و مزیت نسبی خود را در سطح بین المللی از دست می دهند.

ارزهای دیجیتال امکان جدید دور زدن تحریم‌ها



زیادی هستند، اما دسته دوم دارای ثبات نرخ هستند که به آنها «استیبل کوین» می‌گویند.

این کارشناس بازار مالی با هشدار به بازرگانان اظهار داشت: برخی از فعالان اقتصادی که می‌خواستند به طرف خارجی خود ارز دیجیتال پرداخت کنند از برخی از ارزهای دارای نوسان استفاده کردند که آنها را دچار مشکلاتی کرده است.

وی ادامه داد: به عنوان مثال آنها اقدام به ارسال مقدار مشخصی بیت کوین به فروشنده کردند اما به یکباره ارزش بیت کوین در فاصله چند ساعت، ۱۰ یا حتی ۲۰ درصد افت کرده که باعث شده مبلغی که به پذیرنده رسیده پایین تر از مبلغ مورد توافق شده باشد که این موضوع باعث بروز اختلافاتی شده است.

حق وردی ادامه داد: برای حل این مشکل توصیه می‌شود که از ارزهای دیجیتال با ثبات که بر پایه نرخ دلار ارزش گذاری می‌شوند استفاده شود تا با چنین مشکلاتی مواجه نشوند.

کارمزد پایین، علت استقبال فعالان اقتصادی از ارزهای دیجیتال

«معین غفاری» کارشناس ارزهای دیجیتال نیز گفت: آشنایی مردم با ارزهای دیجیتال در حال افزایش است که این موضوع را در استقبال مردم از خرید این ارزها می‌توان مشاهده کرد.

وی با بیان اینکه ارزهای دیجیتال می‌تواند کمک زیادی به نقل و انتقال پول برای مبادلات اقتصادی کند، اظهار داشت: برخی شرکت‌ها برای این هدف به سراغ استفاده از ارزهای مجازی رفته‌اند.

این کارشناس ارزهای دیجیتال یادآور شد: از

ایرنا نوشت: استفاده از روش های خلاقانه برای دور زدن تحریم های ظالمانه آمریکا در مبادلات بین المللی توسط فعالان اقتصادی مورد توجه قرار گرفته که یکی از آنها بهره گیری از ارزهای دیجیتال است، اما هنوز موانع زیادی پیش روی گسترش این مبادلات وجود دارد.

ارز دیجیتال با «بیت کوین» در سال ۲۰۰۸ میلادی متولد شد و به سرعت گسترش یافت؛ در شرایط کنونی، مزیت این ارز این است که تابع قوانین و استانداردهای بانک مرکزی هیچ کشوری نبوده و به همین دلیل بطور کامل قابل رصد کردن نیستند.

به طور کلی ارزهای دیجیتال بر بستر شبکه جهانی اینترنت بین اشخاص مبادله می‌شود و هیچ بانک یا دولتی بر آن نظارت نمی‌کند؛ از آنجا که حساب‌ها شفاف و تراکنش‌ها قابل مشاهده و تایید دیگران است، امکان تقلب ندارد اما معامله گران ارز دیجیتال ناشناس باقی می‌مانند.

قابل رصد نبودن ارزهای دیجیتال باعث شده است که استفاده از این نوع ارزها در شرایطی مانند تحریم کارساز باشد.

برخی کارشناسان در هفته های اخیر و به ویژه تشدید تحریم های آمریکا پیشنهاد داده اند که استفاده از این نوع ارزها برای مبادلات خارجی بیشتر مورد توجه قرار گیرد تا بدین وسیله تحریم ها دور زده شود، اما گروهی دیگر معتقد هستند که این نوع ارزها برای دور زدن تحریم ها چندان کارساز نیستند و استفاده از آنها محدودیت هایی دارد.

افزایش ۲۰ درصدی تقاضا برای ارزهای دیجیتال به علت تحریم ها

«محمد حق وردی» کارشناس بازار مالی در کشور درباره رشد تقاضا برای ارزهای دیجیتال در کشور اظهار داشت: بر اساس تخمین‌هایی توان گفت حدود ۲۰ درصد از افزایش تقاضا برای ارزهای دیجیتال در هفته‌های اخیر ناشی از تشدید تحریم‌ها بوده که جذابیت این ارزها را برای برخی فعالان اقتصادی افزایش داده است، اما علت اصلی بالا رفتن جذابیت ارزهای دیجیتال رشد قیمت این نوع ارزها در بازارهای جهانی و نیز رشد قیمت دلار است.

این فعال صنعت ارزهای دیجیتال ادامه داد: معمولاً در شرایط بی ثباتی اقتصادی و نوسان نرخ ارز افراد بیشتری به سراغ کالاهایی می‌روند که بتوانند ارزش پول خود را حفظ کنند که ارز دیجیتال از جمله آنهاست.

وی درباره استفاده صادرکنندگان و واردکنندگان و فعالان اقتصادی از ارزهای دیجیتال برای نقل و انتقال پول گفت: به تازگی برخی از شرکت‌های فعال به سراغ ما و سایر فعالان صنعت ارز دیجیتال رفته و برای نقل و انتقال پول‌های خود از طریق این نوع ارزها درخواست داشته‌اند.

توصیه به بازرگانان برای استفاده از ارزهای دیجیتال با ثبات نرخ

این فعال صنعت ارزهای دیجیتال با توصیه به فعالان اقتصادی گفت: بازرگانان باید توجه داشته باشند که دو نوع ارز دیجیتال وجود دارد که دسته نخست مانند ارز بیت کوین دارای نوسان بسیار



جمله مزایای نقل و انتقال پول از طریق ارزهای دیجیتال این است که کارمزد انتقال بسیار پایین است در حالی که کارمزد نقل و انتقال اسکناس و پول های رسمی بالاست.

غفاری به استقبال خارجی ها برای سرمایه گذاری در صنعت ارز دیجیتال ایران اشاره کرد و گفت: درخواست های زیادی به ویژه توسط چینی ها بدین منظور به طرف های ایرانی ارایه شده است.

قوانین گمرکی اجازه استفاده از ارزهای مجازی را نمی دهد

با وجود تاکید فعالان ارزهای دیجیتال بر مزایای استفاده از این نوع ارزها، مدیر گروه بانکداری الکترونیک پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی نظر دیگری دارد و می گوید: این نوع ارزها نمی تواند در زمان تحریم پاسخگوی نیازبازرگانان باشد.

«نیما امیرشکاری» مدیر گروه بانکداری الکترونیک پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی هم درباره استقبال صادرکنندگان و واردکنندگان از ارزهای دیجیتال برای نقل و انتقال پول در زمان تحریم گفت: ارزش مبادلات خارجی ایران سالانه ۷۰ تا ۱۰۰ میلیارد دلار است در حالی که بازار ارزهای دیجیتال در جهان حدود ۳۰۰ میلیون دلار ارزش مبادلاتی دارد که حجم کمی از آن متعلق به ایران است.

وی ادامه داد: به همین دلیل مشخص می شود که سهم بازار ارزهای دیجیتال در مقایسه با بازار مبادلات خارجی ایران بسیار پایین است به همین دلیل نمی تواند سهم چشمگیری در مبادلات خارجی ایران داشته باشد.

امیرشکاری ادامه داد: مشکل دیگری که در استفاده از ارزهای دیجیتال برای صادرات و واردات وجود دارد این است که براساس قانون، واردکنندگان و صادرکنندگان باید اظهارنامه خود را به گمرک و نهادهای ذیربط ارائه دهند و اسناد مرتبط را ارایه کنند که چه مقدار دلار یا ارز خارجی را برای خرید و اریز کردند، اما چنین امکانی در بیت کوین و سایر ارزهای دیجیتال وجود ندارد.

مدیر گروه بانکداری الکترونیک پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی یادآور شد: اکنون پذیرفتنی نیست که یک واردکننده به گمرک اظهار کند که پول خرید محصول را به بیت کوین پرداخت کرده است؛ گمرک به هیچ وجه آن را نمی پذیرد.

امیرشکاری با بیان اینکه شاید واردات و صادرات به صورت خرد و کوچک و قاچاق از

طریق بیت کوین امکان پذیر باشد، ادامه داد: صادرکنندگان و واردکنندگان کوچکی که مثلاً پول مربوط به خرید و فروش خود را با چمدان جابجایی کنند می توانند از طریق بیت کوین، نقل و انتقال پول مورد نیاز خود را انجام دهند که همان طور که اشاره شد مربوط به مبادلات کوچک است.

مدیر گروه بانکداری الکترونیک پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی گفت: اکنون قانون اجازه نمی دهد که کالایی را وارد کنیم که سند گمرکی آن بر اساس پرداخت بیت کوین صادر شده باشد. وی اظهار داشت: مشکل دیگری که اکنون در استفاده از بیت کوین و سایر ارزهای دیجیتال به عنوان اطلاعات تجاری وجود دارد این است که نهادهای رگولاتوری بین المللی و از جمله اروپایی بسیار نسبت به مبادلات از طریق ارزهای دیجیتال حساس شده اند.

امیرشکاری یادآور شد: شاید در دوره قبلی تحریم های سالهای ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۵ امکان پذیر بود که به راحتی از ارزهای دیجیتال استفاده کنند، زیرا نهادهای اروپایی و بین المللی واکنشی نسبت به آن نداشتند، اما اکنون شرایط تغییر کرده است.

مدیر گروه بانکداری الکترونیک پژوهشکده پولی و بانکی بانک مرکزی گفت: به عنوان مثال اکنون شماری از کشورها برخی از کیف های پول های ارزهای دیجیتال را بلوکه کرده اند و حتی شماری از کشورها استفاده از برخی از این ارزها را ممنوع کردند به همین دلیل استفاده از آنها برای دور زدن تحریم ها شاید چندان کارساز نباشد.

امیرشکاری اظهار داشت: نکته دیگری که باید بدان توجه داشت این است که ارزهای دیجیتال صرفاً یک ابزار انتقال پول و پرداخت هستند، اما تحریم های جدید آمریکا، فروش کالا به ایران را نیز ممنوع کرده اند، یعنی اینکه اصلاً شرکت خارجی نمی تواند کالا و محصول را به ایران بفروشد و بحث انتقال پول آن، موضوع دیگری است.

ارزهای دیجیتال، ابزاری برای مقابله با تحریم بانکی

ارز دیجیتال پدیده ای رو به گسترش در بازارهای مالی به شمار می رود که با گذشت زمان به کاربردهای آن افزوده شده است؛ به نظر کارشناسان، در صورت ساماندهی و قانونمند شدن استفاده از ارزهای دیجیتال، فرصت های بسیاری در تعامل با بازارهای مالی و تجاری بین المللی برای کشور فراهم خواهد شد.

در صورت ساماندهی و فراهم کردن بسترهای استخراج و معاملات آن، امکان کاهش تخلفات در این بخش وجود دارد و بازرگانان خواهند توانست از بسترهای فراهم شده بهترین استفاده را برای دور زدن تحریم ها کنند.

برخی کارشناسان بر این باورند با توجه به مشکلات تبادلات مالی با بانک های خارجی، می توان از مزایای تجارت الکترونیک و ارزهای دیجیتال برای مقابله با تحریم ها بهره گرفت، اما باید بانک مرکزی و سایر نهادهای ذیربط همراهی بیشتری کرده و اقدام به بستر سازی کنند.

گرچه استفاده از ارزهای دیجیتال ریسک های زیادی دارد اما با توجه به مشکلات پیش رو، استفاده از ارزهای دیجیتال از مهمترین ابزارها برای غیر قابل شناسایی کردن مسیر نقل و انتقال مالی با خارج از کشور است.

مشکل عمده ای که تاکنون در مسیر استفاده از ارزهای دیجیتال در کشور وجود داشته مربوط به مخالفت بانک مرکزی است که البته گفته می شود بزودی درباره این ممنوعیت، بازنگری انجام خواهد شد.



تفاوت کسب و کار الکترونیک با تجارت الکترونیک

راحتی فروشگاههای آنلاین پیدا کنید. این فروشگاهها همه نوع محصولی می فروشند؛ از کتاب و لوازم برقی گرفته تا لباس و انواع آلات موسیقی. مردم اغلب خرید آنلاین را بیشتر دوست دارند چرا که قیمت پایینتری دارد و کار خرید را آسان می کند.

مصرف کننده به مصرف کننده (B2C)

این نوع از تجارت الکترونیک، تمامی تراکنشهایی که بین دو مشتری اتفاق می افتد را شامل می شود. از این روش معمولا در فروشگاههایی مثل eBay استفاده می شود.

مصرف کننده به کسب و کار (C2B)

این مدل کسب و کار عموما در جاهایی اتفاق می افتد که مشتری نهایی محصولی را تولید می کند که کسب و کار از آن برای به دست آوردن مزیت رقابتی و یا تکمیل کردن محصول نهایی استفاده می کند. برای مثال سایتهایی که افراد به صورت آزاد در آن لوگو طراحی می کنند را در نظر بگیرید.

کسب و کار به مدیریت (B2A)

این مدل کسب و کار همه تراکنشهایی که بین کسب و کار و یک نهاد دولتی که اینترنت را به عنوان واسطه می شناسند اتفاق می افتد را تحت پوشش قرار می دهد. موارد بسیار زیادی در

در چند سال گذشته خرید آنلاین توانسته جایگاه خوبی در بین مشتریان کسب کند. امروزه برای خرید یک محصول لازم نیست حتما به مغازه بروید، فقط با داشتن یک تلفن هوشمند و اینترنت می توانید از هر جای جهان که می خواهید خرید کنید. این دستاورد باید از دو شبکه جهانی به نامهای تجارت الکترونیک E-Commerce و کسب و کار الکترونیک متشکر باشد.

اکثر مردم اعتقاد دارند این دو معانی یکسانی دارند اما در حقیقت این دو به یک مفهوم اتلاق نمی شوند اما به یکدیگر بسیار نزدیک و وابسته هستند.

تجارت الکترونیک چیست؟

تجارت الکترونیک به فرآیند خرید و فروش توسط وب و اینترنت گفته می شود. بلعکس فروشگاههای حقیقی، در تجارت الکترونیک نیازی نیست خریدار و فروشنده یکدیگر را ملاقات کنند و فرآیند خرید را انجام دهند.

تجارت الکترونیک انواع مختلفی دارد:

کسب و کار به کسب و کار (B2B)

در این نوع از تجارت الکترونیک تمام تراکنشهایی که برای خرید محصول یا خدمات انجام می شود بین دو کسب و کار اتفاق می افتد.

کسب و کار به مصرف کننده (B2C)

این نوع تجارت الکترونیک تمامی روابط آنلاین بین کسب و کار و مشتری نهایی را در بر می گیرد. B2C رایجترین نوع تجارت الکترونیک است.

با وجود پیشرفت و توسعه اینترنت، B2C نیز پیشرفت بسیار زیادی کرده است و استفاده از آن بسیار ساده شده است. امروزه می توانید به





این دسته جای می‌گیرد؛ مواردی مثل امنیت اجتماعی، خزانه‌داری، اسناد قانونی، استخدام و ...

مصرف‌کننده به مدیریت (C2A)

C2A شامل تمام تراکنش‌هایی می‌شود که بین مصرف‌کننده و دولت اتفاق می‌افتد. برای مثال می‌توان تحصیل، مالیات، امنیت اجتماعی و سلامتی را بیان کرد. بررسی تفاوت‌ها و مزایای کسب و کار الکترونیک و تجارت الکترونیک

کسب و کار الکترونیک چیست؟

کسب و کار الکترونیک به مفهومی گفته می‌شود که از اینترنت، اکسترانت، وب و اینترنت برای تمام تراکنش‌ها استفاده کند. دو مفهوم کسب و کار الکترونیک و تجارت الکترونیک بسیار به هم شبیه هستند با این تفاوت که کسب و کار الکترونیک چیزی بیش از خرید و فروش محصول و خدمات به صورت آنلاین است.

این مفهوم بازه فرآیندهای گسترده‌تری را دربر می‌گیرد؛ فرآیند سفارش الکترونیک، مدیریت تأمین زنجیره‌ای و مدیریت روابط مشتری از این دست فرآیندها هستند. بنابراین تجارت الکترونیک بخشی از کسب و کار الکترونیک محسوب می‌شود.

کسب و کار الکترونیک دو نوع دارد: Pure Play

این اصطلاح به کسب و کارهایی گفته می‌شود که فقط روی یک محصول و خدمت تمرکز دارند.

Brick and Click

این اصطلاح برای شرکت‌هایی است که کسب و کارشان را هم به صورت آنلاین و هم به صورت آفلاین اداره می‌کنند. به این معنا که علاوه بر داشتن یک وبسایت که از طریق آن محصولات خود را به فروش می‌رسانند، در یک مغازه به صورت فیزیکی نیز محصولاتشان را هم می‌فروشند.

تفاوت تجارت الکترونیک و کسب و کار الکترونیک

به خرید و فروش از طریق اینترنت تجارت الکترونیک می‌گویند. در مقابل، کسب و کار الکترونیک فقط به خرید و فروش محدود

نمی‌شود بلکه تمام فعالیت‌های اقتصادی که یک کسب و کار از طریق اینترنت انجام می‌دهد را کسب و کار الکترونیک می‌گویند. برای مثال، اطلاعات و تکنولوژی‌هایی که برای گسترش دانش استفاده می‌شوند.

تجارت الکترونیک یکی از اصلی‌ترین بخش‌های یک کسب و کار الکترونیک است. بسیاری از مردم اعتقاد دارند زمانی که یک کسب و کار به طور کامل اینترنت را به عنوان واسطه قرار دهد و از آن استفاده کند، می‌تواند به عنوان کسب و کار الکترونیک شناخته شود. هیچ نیازی نیست که یک کسب و کار الکترونیک وجود فیزیکی نیز داشته باشد. تجارت الکترونیک فقط به تراکنش‌های مالی وابسته است ولی کسب و کار الکترونیک بخش‌های دیگر را نیز شامل می‌شود.

تجارت الکترونیک برای اتصال به باقی دنیا نیاز به اینترنت دارد اما کسب و کار الکترونیک می‌تواند از چیزی بیشتر از اینترنت نیز استفاده کند؛ اینترنت و اکسترانت دو مورد از این راه‌های اتصال هستند.

مزایای تجارت الکترونیک و کسب و کار الکترونیک

این دو مفهوم روش خرید کردن را به طور کلی تغییر داده‌اند. به عنوان یک مشتری احتمالاً بعضی از مزایایی که این دو مفهوم دارند را دیده‌اید. اما آیا می‌دانید به عنوان یک صاحب کسب و کار چه مزایایی برای شما دارند؟

کاهش زمان و هزینه مصرفی

داشتن یک مغازه به معنای این است که باید هزینه‌های زیادی مثل اجاره، قبض برق و تلفن و از این دست چیزها را پرداخت کنید.

با تبدیل کسب و کار خود به یک کسب و کار الکترونیک می‌توانید این هزینه‌ها را کاهش دهید و یا حتی آن‌ها را قطع کنید. این کار حتی می‌تواند وظایف شما را ساده‌تر کند. برای مثال ارسال مجموعه‌ای از ایمیل‌های پیشنهاد ویژه بسیار ساده‌تر از چاپ و پخش ۱۰۰ بروشور کاغذی است.

ساعت کاری منعطف

اینترنت ۲۴ ساعته در دسترس است. یک کسب و کار اینترنتی می‌تواند حتی در نیمه شب هم درآمد داشته باشد.

از بین بردن محدودیت مکانی

اینترنت نه تنها به زمان محدود نیست بلکه موقعیت مکانی مشخصی نیز ندارد و در سرتاسر جهان قابل دسترسی است. با داشتن یک مغازه مشتریان شما محدود به منطقه‌ای در اطراف مغازه می‌شوند و زمان حضور شما در مغازه نیز آن‌ها را محدودتر می‌کند.

اما با وجود تجارت الکترونیک، فروشگاه شما از یک تلفن هوشمند نیز قابل دسترسی است. و این به معنای آن است که کسب و کار شما یک کسب و کار لحظه‌ای خواهد بود.



در کنار تحریم مبادله تجاری با ایران و حضور کشتی‌های نظامی بریتانیایی در خلیج فارس، یک شوک ارزی به ایران وارد کرد. دولت مصدق شروع به چاپ اوراق قرضه کرد و شکلی از اقتصاد دولتی را با توزیع کوپن در پیش گرفت. با این همه، تحولات بعدی و تسری شوک به سایر بخش‌های اقتصاد ایران، خیلی زود مابه‌ازای خود را در عالم سیاست و در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نشان داد و شد آنچه شد.

تحریم‌های پساانقلابی: توقیف اموال

تحریم‌های اقتصادی علیه اقتصاد ایران با وقوع انقلاب اسلامی دوباره بازگشتند. «فرمان اجرایی برقراری وضعیت اضطراری ملی در مورد ایران» (موسوم به Executive Order ۱۲۱۷۰)، تنها ۱۰ روز پس از ماجرای تسخیر سفارت آمریکا در سال ۱۳۵۸ توسط دولت جیمی کارتر اعمال شد؛ تحریمی که اساس تمام تحریم‌های بعدی علیه اقتصاد ایران را تشکیل می‌داد. بر اساس این فرمان اجرایی، رییس‌جمهور ایالات متحده آمریکا قادر بود اموال ایران را در آمریکا توقیف کند و این اتفاق البته رخ داد. بسیاری از دارایی‌های «بنیاد پهلوی» و حتی برخی از پیش‌پرداخت‌های ایران برای خرید تسلیحات آمریکایی در این زمان و به استناد این فرمان اجرایی توقیف شدند.



تاریخ تحریم اقتصادی در جهان قدمتی به اندازه تاریخ تمدن دارد. بستن مسیر تامین آب به روی دشمنان احتمالا یکی از نخستین اشکال تحریم اقتصادی بوده که اکنون به قالب‌هایی کاملاً نوین درآمده است. تحریم اما هر چه باشد، یا منتهی به جنگ است و یا منتج به جنگ. در این نوشتار می‌کوشیم هر آنچه در مورد تحریم اقتصادی ایران نمی‌دانستید اما می‌ترسیدید پرسید را به شما بگوییم.

مصدق و تجربه تحریم در ایران مدرن

برای یادآوری کارکرد تحریم به عنوان یک اهرم اقتصادی علیه اقتصاد ایران، دست کم باید به زمان نخست‌وزیری محمد مصدق برگردیم. درگیری مصدق و جبهه ملی ایران برای به کرسی نشاندن طرح ملی شدن صنعت نفت در انتهای دهه ۱۳۲۰، رابطه میان ایران و بریتانیا را شکر آب کرد و شاید اگر مناسبات دوران جنگ سرد در کار نبود، بریتانیا رهیافت عملیات نظامی را هم علیه ایران امتحان می‌کرد.

حمله نظامی به کشوری در همسایگی شوروی سوسیالیستی و به هم ریختن نظم ژئوپلیتیکی در آن تاریخ می‌توانست بازی با آتش باشد و شاید به همین دلیل، بریتانیایی‌ها تحریم را انتخاب کردند.

درآمد اصلی دولت مصدق هم مانند امروز از محل نفت تامین می‌شد و قطع این درآمد،



دردسرهایی «ایسا» برای ایران

آغاز دوره ریاست‌جمهوری بیل کلینتون دموکرات در سال ۱۹۹۳ امیدها برای مصالحه میان ایران و آمریکا را تقویت کرد.

باین‌همه شدیدترین تحریم‌ها علیه اقتصاد ایران در سال ۱۹۹۵ و در دولت کلینتون اعمال شد، تحریم‌هایی که در سال ۲۰۱۶ میلادی برای ۱۰ سال دیگر هم تمدید شدند. «لایحه تحریم ایران و لیبی» (Iran and Libya Sanctions Act) موسوم به «ایلسا»، تحریم‌های بسیار شدیدی علیه بخش عمده تجارت کشورها با ایران و لیبی اعمال می‌کرد و البته عمده هدف آن جلوگیری از سرمایه‌گذاری در بخش نفت و انرژی ایران بود.

این لایحه تحریمی اما در ایران، بیشتر به نام «آلفونسو داماتو»، سناتور جمهوری خواهی که آن را پیشنهاد کرده بود، به نام «قانون داماتو» شناخته می‌شود.

پس از پایان جنگ ایران و عراق، بسیاری از کشورهای واقع در شرق آسیا و نیز اروپا، به سمت عادی‌سازی روابط خود با ایران رفتند و سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران، یکی از جذاب‌ترین حوزه‌های این همکاری بود. «ایلسا» که کمی بعد با رفع تحریم لیبی به «ایسا» تغییر نام داد، همین بخش را هدف گرفته بود.

در زمان گفت‌وگوهای منتج به برجام، ایران و آمریکا برای لغو تحریم‌های موسوم به «ایسا» به توافق رسیدند اما این تحریم‌ها پس از پایان دوره ریاست‌جمهوری اوباما مجدداً تمدید شدند.

باین‌همه، حتی به لحاظ حقوق بین‌الملل هم در مورد اینکه تمدید این تحریم‌ها ناقض برجام هست یا نه اتفاق نظری وجود ندارد.

تحریم‌های اعمال شده در دوره اوباما اما در نوع خود کم‌نظیر و بلکه بی‌نظیر بوده‌اند. تحریم فروش نفت در کنار تحریم بانک مرکزی در این دوره، عملاً فرصت نفس کشیدن را از اقتصاد ایران گرفت. اثرگذاری بالای این تحریم‌ها هم به هم‌زمانی تحریم از سوی آمریکا، اتحادیه اروپا و نیز سازمان ملل متحد بود.

«کاتسا»: در زیر این آفتاب، هیچ چیز تازه نیست

«قانون مقابله با دشمنان آمریکا از طریق تحریم‌ها» (Countering America's Adversaries Through Sanctions Act) که به اختصار «کاتسا» (CAATSA) هم نامیده می‌شود، تازه‌ترین تحریم‌های جامعی است که علیه اقتصاد ایران و البته روسیه و کره شمالی اعمال شده است. این قانون در تابستان سال ۲۰۱۷ میلادی در کنگره و سنای آمریکا رای آورد و به‌طور عمده، تحریم‌هایی علیه فعالیت‌های موشکی و تسلیحاتی ایران اعمال کرد. تحریم سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نیز اولین بار در این قانون مورد اشاره قرار گرفته بود.

در اقدامی دیگر، ایالات‌متحده در آغاز سال ۱۳۹۸، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست گروه‌های خارجی حامی تروریسم (Foreign Terrorist Organization) موسوم به «FTO» قرار داد، فهرستی که آمریکایی‌ها از سال ۱۹۶۵ در پی تکمیل آن هستند و گروه‌هایی را که به‌زعم آن‌ها تروریستی هستند، مشمول پایش قرار می‌دهند.

باین‌همه، برخی معتقدند قرار دادن نام سپاه پاسداران در این فهرست، چیزی فراتر از تحریم‌های «کاتسا» ندارد.

محمد صادق‌الحسینی، تحلیل‌گر اقتصادی، در مورد تاثیر این اقدام بر نرخ برابری ریال در برابر دلار، در فضای مجازی این‌طور نوشته است:

اگرچه همه تلاش‌ها بر آن است که افزایش نرخ برابری ریال در برابر دلار به وجوه اقتصادی تروریستی اعلام شدن سپاه پاسداران اسناد شود، ولی واقعا و در صحنه عمل، این اقدام هیچ اثر اقتصادی‌ای بیش از تحریم «کاتسا» ندارد.

او ادامه می‌دهد: در واقع منطق مخرب اشاعه تحریم «کاتسا»، انتهای توان تحریمی‌ای بود که خزانه‌داری آمریکا می‌توانست به نمایش بگذارد. اینکه یک تحریم قبلی در قالب وضعیتی جدید بازتعریف می‌شود و وحشت آن مجدداً به افکار عمومی ایران فروخته می‌شود، نشانه ضعف ما در توضیح این موارد (اگرچه واضح و بدیهی) به افکار عمومی است.

جهانی‌سازی «قانون جنگل»



مهم‌ترین موضوع در مورد تحریم‌هایی که علیه اقتصاد ایران وضع می‌شوند، میزان اثرگذاری آن‌ها است.

بر این اساس، تحریم‌هایی که از ابتدای پیروزی انقلاب بر ایران تحمیل شدند، به هیچ‌وجه اثرگذاری تحریم‌های وضع شده در فاصله سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۱ را نداشتند و دلیل این موضوع هم «چندجانبه بودن» تحریم‌های دهه ۱۳۹۰ بود.

در تحریم‌های چندجانبه، ائتلافی از کشورهای داوطلب شکل می‌گیرد. (به‌عنوان مثال، در زمان حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، عنوان این ائتلاف، Coalition of the willing نام داشت) حال هر چه تعداد کشورها بیشتر باشد، اثرگذاری تحریم‌ها هم بیشتر خواهد بود.

دور پیشین تحریم‌های هسته‌ای ایران، بنا بر برخی اظهارنظرهای کارشناسی، سنگین‌ترین تحریم‌های اقتصادی تاریخ علیه یک کشور بوده‌اند، چرا که هم‌زمان از سوی آمریکا، سایر اعضای شورای امنیت سازمان ملل متحد و نیز اتحادیه اروپا اعمال می‌شدند.

در واقع، تحریم‌هایی که در دولت ترامپ کلید خوردند، هرگز به‌اندازه تحریم‌های قبلی قدرتمند نیستند.

تحریم‌های کنونی که دولت ترامپ علیه اقتصاد ایران اعمال کرده، تحریم‌هایی یک‌جانبه هستند و بنابراین، مهم‌ترین پرسش در این رابطه این است که چرا ایران باید نگران این تحریم‌ها باشد؟

واقعیت این است که نگرانی ایران در مورد تحریم‌های کنونی کمتر از تحریم‌هایی است که تا پیش از برجام بر اقتصاد ایران تحمیل شده بودند.

با این همه، ابعاد اقتصاد آمریکا و نفوذ این کشور در نهادهای بین‌المللی، توانایی این کشور برای تحمیل خواسته‌های غیرقانونی آن بر اقتصادهای دیگر را افزایش می‌دهد.

«دو-ژور» و «دو-فاکتو»

اما اساساً چرا تحریم یک‌جانبه آمریکا به امری فراگیر در جهان بدل می‌شود؟

برای اینکه ببینیم چطور این اتفاق رخ می‌دهد، باید ابتدا با دو مفهوم «دو-ژور» (de jure) و «دو-فاکتو» (de facto) آشنا شویم که در واقع مفاهیمی هستند که از حقوق و روابط بین‌الملل وام گرفته شده‌اند.

یک رویداد «دو-ژور» است اگر که مبتنی بر قانون و یا اسناد پذیرفته‌شده باشد. بر این

اساس، تنها نهادی در جهان که می‌تواند مجوز حمله نظامی مشروع به کشورها را صادر کند، شورای امنیت سازمان ملل متحد است.

با این همه، بسیاری از کشورها مانند آمریکا یا عربستان سعودی و حتی روسیه، به‌دلخواه خود حملات نظامی انجام می‌دهند.

در اینجا می‌گوییم به‌صورت «دو-فاکتو»، کشورها برای انجام عملیات نظامی نیازی به مجوز شورای امنیت ندارد و سرخود عمل می‌کنند.

به عبارت ساده‌تر، هرچند «از نظر قانونی» (دو-ژور) این شورای امنیت است که مرجع امنیت جهانی است، «در عمل» (دو-فاکتو)، هرکس می‌تواند کار خودش را بکند.

کشورهای مختلف جهان هم «از نظر قانونی» الزامی به تبعیت از قوانین داخلی آمریکا برای تحریم ایران ندارند، اما «در عمل»، اقتصاد آمریکا به قدری برای آن‌ها اهمیت دارد که به راحتی به کارزار علیه اقتصاد ایران می‌پیوندند.

این موضوع البته مورد اعتراض کشورها هم قرار گرفته و به‌عنوان مثال، چین اعلام کرده که آمریکا حق ندارد قوانین داخلی خود را به جهان تحمیل کند.

اما اتفاقی که «در عمل» افتاد این بود که شرکت فرانسوی «رنو» با وجود سرمایه‌گذاری کم سابقه ۶۵۰ میلیون یورویی در صنعت خودروی ایران، با شروع تحریم‌ها به سرعت از آن‌ها تبعیت کرد.

میر غضب تجارت: آمریکا با ناقضان تحریم ایران چه می‌کند؟

به موازات تنگ‌تر شدن حلقه تحریم‌ها، آمریکا هم مجازات حقوقی خود در مقابل ناقضان تحریم‌های ایران را سخت‌تر و سخت‌تر کرده است. مطابق قانون «یسا» تنها اتباع آمریکایی ساکن آمریکا که این قانون را نقض می‌کردند، مشمول تعقیب قضایی بودند.

پس از اعمال تحریم‌های هسته‌ای ایران در دولت اوباما، مجازات نقض تحریم‌ها به خارج از خاک آمریکا هم تسری یافت و شرکت‌های طرف قرارداد با افراد حقیقی و حقوقی در آمریکا که با ایران تجارت می‌کردند، مشمول مجازات مالی شدند.

نخستین مورد، بانک «کردیت سوئیس» (Credit Suisse) بود که در سال ۲۰۰۹ میلادی حدود ۵۰۰ میلیون دلار جریمه شد.

بانک‌های بسیار بزرگی مانند «BNP» و «HSBC» هم بعدها مجبور به پرداخت جریمه‌هایی در ابعاد میلیارد دلار برای نقض تحریم‌های ایران شدند.

دستگیری یکی از مدیران ارشد شرکت مخابراتی چینی «هوآوی» در کانادا در ارتباط با تحریم‌های ایران در پاییز سال ۱۳۹۷ اما ماجرا را وارد ابعاد تازه‌ای کرد.

دقت کنید: مدیر ارشد یک شرکت چینی در کانادا، به استناد قوانین داخلی آمریکا دستگیر می‌شود و کل این فرآیند غیرقانونی (همان‌طور که دولت چین هم به آن اشاره کرد) نشان‌دهنده ابعاد تحریم‌ها است.

به این ترتیب، حالا نه فقط تجارت با ایران مشمول مجازات مالی است که آمریکا با تغییر جهتی

اساسی، مجازات زندان را هم برای اشخاص حقیقی نقض کننده این تحریم‌ها به فهرست خود اضافه کرده است. اما آیا ایران واقعا راهی برای دور زدن این تحریم‌ها ندارد؟

مانیفست تحریم و ضد تحریم

احتمالا هیچ کشوری به اندازه ایران راه‌های مختلف دور زدن تحریم‌ها و در عین حال تداوم حضوری نیم‌بند در اقتصاد جهانی را تجربه نکرده باشد.

ایران برای دور زدن شدیدترین تحریم‌ها هم راه‌هایی پیدا کرده که مدت‌ها از پایش نهادهای تحریم کننده در آمریکا هم دور بوده است. در ادامه به بعضی از این راه‌ها اشاره می‌کنیم.

تحریم‌های نفتی

تحریم مطلق صنعت نفت ایران حتی بر روی کاغذ هم مضحک به نظر می‌رسد. بازار جهانی نفت آن قدر شکننده است که هر تغییر جزئی در آن می‌تواند قیمت‌ها را در سایر بازارها تحت تاثیر قرار دهد.

وابستگی پالایشگاه‌های نفتی در کشورهای خریدار نفت ایران به عدد «لوکتان» نفت ایران هم موجب می‌شود که آن‌ها نتوانند مثلا با خرید نفت از روسیه، به تحریم‌ها پایبند باشند. علاوه بر این، ایران روش‌هایی مثل فروش نفت با پرچم کشورهای دیگر را هم امتحان کرده است.

متضرر اصلی قطع مطلق صادرات نفت ایران هم کشورهایمانند چین، هند و کره جنوبی خواهند بود که همگی در بُعد اقتصادی، رقابتی آمریکا هستند. در مقابل، روسیه احتمالا از تحریم مطلق نفت ایران خوشحال خواهد شد، چرا که با افزایش قیمت نفت ناشی از این ماجرا، روسیه هم پول بیشتری به جیب می‌زند.

بنابراین دلایل، به نظر می‌رسد تمديد دست‌کم بخشی از معافیت‌های نفتی در سیر تحریم‌های ایران بدیهی باشد، چرا که دود قمار بر سر بازار نفت، فقط در چشم ایران نمی‌رود.

تحریم نفت کش‌ها

آمریکا نفت کش‌های حامل محصولات نفتی و گازی ایران را هم تحریم کرده ولی ایران یکی از ۱۰ کشور دارای بزرگ‌ترین ناوگان نفت کش دنیا است و به همین دلیل نیازی به اجاره نفت کش از سایر کشورها ندارد.



تحریم بیمه‌ای

آمریکا شرکت‌های بیمه کننده نفت کش‌ها ایرانی را هم تحریم کرده اما ایران اعلام کرده که با کنسرسیومی متشکل از سرمایه‌های داخلی، خودش بیمه نفت کش‌هایش را تامین می‌کند.

تحریم بانک مرکزی و تحریم‌های مرتبط با نقل و انتقالات مالی

تحریم بانک مرکزی ایران به دنبال انعقاد برجام لغو شد و تحریم انتقال پول به ایران هم تنها به شکل یک‌جانبه و از سوی آمریکا اعمال می‌شود و هدف از آن این است که حتی در صورت فروش نفت، ایران به منابع مالی خود دسترسی نداشته باشد.

باین‌همه، ایران راه‌هایی برای عبور از این تحریم هم در آستین دارد. دادوستد پایاپای یا تهاتر (barter) یکی از این راه‌ها است. بر این اساس، درآمد حاصل از نفت ایران در هند، در قالب روپیه در بانک‌های این کشور منجمد می‌شود و ایران در مقابل، می‌تواند از هند کالا دریافت کند. علاوه بر این، ایران با خرید حجم زیادی از فلزات قیمتی نظیر طلا، بخشی از مطالبات خود از خریداران نفتی را نیز وصول می‌کند و علاوه بر این، راه‌هایی برای تجارت بر مبنای به‌غیراز دلار هم پیدا کرده که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

تحریم شکنی ۱۴۵۸ کیلومتری

یکی از مهم‌ترین کریدورهای ضد تحریم ایران در سفر حسن روحانی به عراق در اسفندماه سال ۱۳۹۷ محقق شد.

بسیاری از تحلیل‌گران معتقد بودند در نتیجه این سفر، ایران می‌تواند به جریانی نسبتا با ثبات از دلارهای حاصل از صادرات دسترسی داشته باشد و به دلیل مرز مشترک، به شکلی تقریبا بدون زحمت آن‌ها را به ایران انتقال دهد. این موضوع اما واقعا چقدر اهمیت دارد؟

قطع دسترسی ایران به دلارهای نفتی در دور پیشین تحریم‌های جهانی علیه اقتصاد ایران، در ابتدای دهه ۱۳۹۰ رخ داده بود. «جامعه جهانی ارتباطات مالی بین‌بانکی» موسوم به «سوئیفت» نیز دسترسی ایران به خدمات خود را قطع کرد و به‌این‌ترتیب، ایران نه‌فقط از مبادلات مالی جهان کنار گذاشته شد که قادر به دسترسی به دلارهای نفتی بلوکه‌شده خود در بانک‌های کشورهایمانند چین، هند و ژاپن هم نبود.

از طرفی حتی همین حالا که تحریم‌ها تنها به‌صورت یک‌جانبه از سوی آمریکا اعمال می‌شوند، مبادلات بانکی و مالی ایران با شرکای تجاری‌اش متوقف شده‌است. ارتباط اقتصادی ایران با همسایه‌هایش این‌جا معنا پیدا می‌کند.



سیگنال غلط به قیمت مسکن

مسکن را در عصر جهش متوقف کرده است. بررسی‌های «دنیای اقتصاد» از آخرین وضعیت داده‌های درج شده مربوط به جزئیات معاملات خرید و فروش مسکن در سامانه اطلاعات بازار املاک ایران که به صورت مستقیم تحت مدیریت وزارت راه و شهرسازی به عنوان متولی مسکن در دولت قرار دارد، حاکی است عدم به روزرسانی اطلاعات این سامانه هم‌اکنون منجر به ارائه سیگنال غلط به خریداران و فروشندگان مسکن شده است.

اطلاعات موجود در این سامانه که به خصوص در ماه‌های اخیر به محل رجوع و استناد حجم قابل توجهی از خریداران و فروشندگان مسکن برای تعیین و مقایسه قیمت‌های پیشنهادی با قیمت‌های قطعی و به روز واحدهای مسکونی تبدیل شده است از ابتدای تیرماه امسال به روزرسانی نشده است؛ یعنی در حالی که مطابق با متن آگهی‌های منتشر شده طی سه ماه گذشته در برخی از سامانه‌های مجازی فروش مسکن، از این سامانه به عنوان مرجع تعیین قیمت پیشنهادی یاد شده است اما دقیقاً اطلاعات این سامانه درست در همین بازه زمانی به روزرسانی نشده است؛ این موضوع باعث شده است در حالی که در همین سه ماه گذشته تورم ماهانه مسکن در شهر تهران روند نزولی داشته است اما کماکان قیمت‌های فروش مسکن در عصر جهش و اوج قیمت‌ها، مبنای تعیین قیمت پیشنهادی مسکن از سوی فروشندگان قرار بگیرد؛ همچنین به دلیل عدم دسترسی خریداران به تحولات روز قیمتی، ناشی از کهنگی اطلاعات درج شده در این سامانه، سمت تقاضای مسکن نیز از دسترسی به یک مرجع اطلاعاتی معتبر و موثق به منظور صحت‌سنجی ادعای قیمتی فروشندگان محروم شده است. سامانه اطلاعات بازار املاک ایران حدود ۸ سال قبل آغاز به کار کرد اما طی ۴ سال گذشته به دلیل مراجعه تعداد قابل توجهی از متقاضیان خرید و فروش مسکن به آن به منظور اطلاع از سطح قطعی و به روز قیمت واحدهای مسکونی، به ویرترین بازار مسکن تبدیل شد؛ در واقع داده‌های این سامانه به عنوان یک نشانگر مورد اعتماد میان سه سمت فعال بازار مسکن اعم از خریداران، فروشندگان و واسطه‌های معاملات واحدهای مسکونی مورد استفاده قرار دارد و سال به سال به تعداد کاربران این سامانه و مراجعان به آن افزوده می‌شود. برآوردها و تحقیقات میدانی نشان می‌دهد در تهران بیش از ۵۰ درصد از متقاضیان خرید و فروش واحدهای مسکونی به خصوص در ماه‌های اخیر برای اطلاع از نبض قیمتی بازار مسکن به این سامانه به عنوان ویرترین بازار مسکن پایتخت مراجعه کرده و داده‌های درج شده در آن را به عنوان مرجع قابل اعتماد قیمتی مورد استفاده قرار داده‌اند.

به ویژه فروشندگان واحدهای مسکونی در بسیاری از فایل‌های فروش مسکن به این سامانه استناد کرده و سطح قیمت‌های پیشنهادی خود را مطابق با قیمت‌های قطعی درج شده در این سامانه تعیین و به متقاضیان اعلام کرده‌اند. در حقیقت هم‌اکنون این سامانه به سامانه خط‌دهنده و جهت‌دهنده به تحولات قیمتی بازار مسکن تبدیل شده است. اطلاعات و داده‌های درج شده در این سامانه شامل جزئیات مبیعه‌نامه‌ها و اجاره‌نامه‌های منعقد شده و ثبت شده بین خریداران و فروشندگان و موجران و مستاجران در مناطق مختلف شهر تهران و چند شهر دیگر کشور است که مهم‌ترین بخش این سامانه را می‌توان مربوط به قسمتی

قیمت‌های پاییزی بازار مسکن تهران به طور میانگین حدود ۷ درصد نسبت به ماه‌های ابتدایی سال کاهش یافته است؛ اما «سامانه رسمی اطلاعات بازار املاک ایران» که این روزها به شاخص اصلی معاملات برای خریدار و فروشنده تبدیل شده، «علامت» قیمت بالاتر را به بازار ارسال می‌کند. داده‌های مربوط به قیمت آپارتمان‌های فروش رفته در سامانه اطلاعات بازار املاک ایران که تحت مدیریت و نظارت دولت قرار دارد، هم‌اکنون جزئیات مبیعه‌نامه‌های خرداد ۹۸ را برای بازدیدکنندگان سامانه نمایش می‌دهد. این در حالی است که به علت عبور بازار ملک از عصر جهش قیمتی، در حال حاضر «تاریخ مصرف» قیمت‌های ۴ ماه پیش بازار مسکن پایتخت منقضی شده است و استناد به آن قیمت‌ها با سیگنال غلط «سامانه» می‌تواند باعث انحراف پرمخاطره فعالان بازار ملک شود. با توقف عملیات ساده به روزرسانی اطلاعات در این سامانه، فعالان بازار مسکن تهران از دسترسی به نبض واقعی قیمت‌ها در محله‌های مختلف شهر محروم مانده‌اند. جاماندن سامانه رسمی در بازار مسکن از تغییر و تحولات قیمت‌ها، نوعی «غفلت» متولی بخش مسکن از ساده‌ترین اقدام - اعلام اطلاعات صحیح به بازار - محسوب می‌شود که دو آفت برای آینده این بازار در پی دارد؛ از جمله اعتماد کاربران به داده‌های قدیمی سامانه برای تعیین قیمت پیشنهادی، باعث ورود فایل‌های تقاضاگیز به بازار خواهد شد.

به روز نشدن اطلاعات مربوط به جزئیات واحدهای مسکونی فروش رفته در سامانه «اطلاعات بازار املاک ایران»، ویرترین بازار



تداوم کهنگی اطلاعات سامانه اطلاعات بازار املاک ایران هر چه باشد (غفلت یا کم کاری) حداقل دو اثر سوء بر بازار مسکن به همراه دارد؛ اولین اثر و پیامد سوء آن بر روند تعدیل قیمت مسکن و پایان یافتن پروسه رکود معاملاتی است؛ اطلاع فروشنده ها از کاهش قیمت مسکن و تاثیر این موضوع بر تعیین قیمت های پیشنهادی منجر به ادامه روند کاهش قیمت و بازگشت خریداران و در نتیجه کاستن از عمق رکود معاملاتی در بازار مسکن می شود. اثر سوء دوم ناشی از به روز نشدن اطلاعات این سامانه می تواند به طور مستقیم اعتماد عمومی در خصوص اعتبار آمارها و اطلاعات رسمی را نشانه گیری کند؛ در واقع کم کاری یا غفلت از به روز رسانی اطلاعات این سامانه می تواند در حکم یک پاس گل به تخریب اعتماد عمومی به داده های رسمی باشد.

دوره اوج جهش قیمت مسکن را نشان می دهد؛ در حالیکه دقیقا در همین بازه زمانی که داده ها و اطلاعات این سامانه به روز رسانی نشده است - در سه ماه اخیر بازار مسکن تحول قیمتی مهمی را تجربه کرده است؛ در سه ماه گذشته بازار معاملات مسکن از دوره جهش عبور کرده و با پیشروی در دوره رکود و عمیق تر شدن رکود معاملاتی، میانگین قیمت مسکن شهر تهران نیز در هر کدام از ماه های گذشته در مقایسه با ماه قبل از آن کاهشی بوده است؛ به عبارت دیگر قیمت های روز و فعلی فروش واحدهای مسکونی که به رغم در دسترس بودن اطلاعات مربوط به جزئیات آن برای متولی بخش مسکن در سامانه اطلاعات بازار املاک ایران درج نشده است. در شرایط فعلی که بازار از دوره اوج جهش قیمت عبور کرده است به طور میانگین حدود ۷ درصد نسبت به خرداد ماه کاهش یافته است. قیمت های درج شده در این سامانه در حالی هم اکنون مورد استناد فروشنده ها برای تعیین قیمت های پیشنهادی قرار دارد که به طور میانگین قیمت های فعلی باید حدود ۷ درصد از آخرین قیمت های درج شده در این سامانه کمتر باشد. طبیعی است این میزان کاهش در مناطق مصرفی بیش از عدد میانگین کاهش قیمت در کل مناطق شهر تهران است؛ این وضعیت موجب شده است هم اکنون ویرین بازار مسکن در دوره جهش قیمتی متوقف شود و نمایشگر اطلاعات قیمتی بازار معاملات واحدهای مسکونی تحت تاثیر عدم به روز رسانی اطلاعات مندرج در این سامانه قیمت های جهش یافته را به بازار نشان می دهد؛ در حالی که بازار سه ماه است از دوره جهش عبور کرده و هم اکنون در مسیری متفاوت از مسیر سه ماه قبل قرار دارد.

اطلاعات قیمتی درج شده در ویرین قیمتی بازار مسکن - سامانه اطلاعات بازار املاک ایران - در حالی نرخ های مربوط به خرید و فروش و اجاره مسکن تا بازه زمانی پایان خرداد ۹۸ را نشان می دهد که میانگین قیمت هر مترمربع مسکن در شهر تهران در خرداد ماه به مرز ۱۴ میلیون تومان رسیده بود؛ این در حالی است که به دنبال بروز کاهش قیمت در بازار مسکن پس از پشت سر گذاشتن دوره جهش قیمتی، هم اکنون میانگین قیمت هر مترمربع مسکن در شهر تهران به کمتر از ۱۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان رسیده است؛ این میزان نشان دهنده میانگین قیمت هر مترمربع آپارتمان در شهر تهران در مقطع زمانی حاضر است؛ با این وجود

دانست که در آن ریز اطلاعات و جزئیات مربوط به قیمت های قطعی فروش مسکن در مناطق مختلف، درج شده است. این در حالی است که به رغم وجود اهمیت این سامانه و به روز بودن اطلاعات آن به عنوان مرجع فراگیر خریداران و فروشنده های مسکن در تعیین نرخ های پیشنهادی و اطلاع از قیمت های قطعی و بهای روز واحدهای مسکونی، کهنگی و به روز نشدن اطلاعات این سامانه طی چهار ماه گذشته - از ابتدای تیرماه تاکنون - موجب شده است در مقطع زمانی فعلی که رجوع و استناد به این سامانه به خصوص از سمت عرضه واحدهای مسکونی در مقایسه با گذشته به میزان چشمگیری افزایش یافته است، عملا از ویرین بازار، سیگنال غلط به خریداران و فروشنده ها و کل بازار، ارسال شود. این در حالی است که زیان اصلی ارسال این سیگنال اشتباه ناشی از به روز نشدن داده های سامانه ای که هم اکنون به مرجع آماری تعیین قیمت های پیشنهادی فروش واحدهای مسکونی تبدیل شده است عملا متوجه سمت تقاضا و خریداران مسکن است.

اطلاعات مربوط به جزئیات معاملات خرید و فروش و اجاره واحدهای مسکونی در حالی هم اکنون به عنوان ویرین بازار مسکن مورد استفاده و استناد متعاملین بازار مسکن قرار دارد که رکورد زمانی داده های باطل و تاریخ مصرف گذشته در این سامانه هم اکنون ۴ ماهه شده است؛ در حال حاضر اطلاعات قیمتی درج شده در این سامانه مربوط به بازه زمانی پایان خرداد ۹۸ است؛ یعنی آخرین قیمت های درج شده در این سامانه شرایط قیمتی و معاملاتی واحدهای مسکونی در



همواره کرده است که این موضوع ناشی از کهنگی اطلاعات درج شده در ویتترین بازار مسکن است.

نتیجه بروز چنین شرایطی آن است که هم‌اکنون در عمده فایل‌هایی که در تعیین قیمت پیشنهادی برای فروش، قیمت‌های درج شده در این سامانه را ملاک قرار داده‌اند، قیمت پیشنهادی، حداقل چند صد هزار تومان از قیمت روز بالاتر است؛ اگر چه ممکن است این قیمت‌های پیشنهادی مطابق با قیمت قطعی درج شده در فایل مشابه در سامانه اطلاعات بازار املاک ایران و یا حتی اندکی از آن کمتر باشد؛ با این حال به دلیل آنکه میانگین قیمت مسکن در شهر تهران در ماه‌های اخیر کاهش یافته است عمده فایل‌هایی که قیمت پیشنهادی آنها براساس قیمت‌های قطعی این سامانه تعیین شده است با شرایط قیمتی نامتعارف-بالاتر از عرف قیمتی روز-نرخ‌گذاری شده‌اند.

پیامد مهم این به‌روز نشدن و کهنگی اطلاعاتی ویتترین بازار مسکن در وهله اول می‌تواند منجر به کاهش سرعت نزول قیمت مسکن به سمت واقعی شدن شود؛ در واقع از آنجا که این سامانه به‌طور گسترده به محل رجوع و استناد خریداران و به خصوص فروشندگان برای تعیین قیمت پیشنهادی تبدیل شده است عدم به‌روزرسانی اطلاعات آن می‌تواند سهم مهمی در کاهش سرعت روند نزولی قیمت مسکن در مهرماه و در ماه‌های بعد از آن داشته باشد. در واقع این کهنگی اطلاعاتی را می‌توان به‌عنوان یک علت مهم اما ناشناخته توقف کاهش قیمت مسکن در کل شهر تهران در مهرماه معرفی کرد که در صورت ادامه این وضعیت می‌تواند در ماه‌های بعدی نیز در همین مسیر اثرگذار باشد.

اما علت عدم به‌روزرسانی اطلاعات کهنه ویتترین مسکن مشخص نیست؛ بررسی‌های «دنیای اقتصاد» نشان می‌دهد در حالی که اطلاعات مربوط به جزئیات خرید و فروش و اجاره واحدهای مسکونی در اختیار متولی بخش مسکن قرار دارد و وزارت راه و شهرسازی در هر ماه با استناد به همین اطلاعات اقدام به انتشار آمار رسمی معاملات مسکن شهر تهران می‌کند اما مشخص نیست علت عدم به‌روزرسانی اطلاعات معاملات املاک در این سامانه چیست؟ آیا علت کهنگی اطلاعات و عدم به‌روزرسانی ناشی از کم‌کاری است یا نشان‌دهنده غفلت از ضرورت به‌روزرسانی ویتترین بازار مسکن؟

آنچه مسلم است اینکه علت تداوم کهنگی اطلاعات سامانه اطلاعات بازار املاک ایران هر چه باشد (غفلت یا کم‌کاری) حداقل دو اثر سوء بر بازار مسکن به همراه دارد؛ اولین اثر و پیامد سوء آن بر روند تعدیل قیمت مسکن و پایان یافتن پروسه رکود معاملاتی است؛ اطلاع فروشندگان از کاهش قیمت مسکن و تاثیر این موضوع بر تعیین قیمت‌های پیشنهادی منجر به ادامه روند کاهش قیمت و بازگشت خریداران و در نتیجه کاستن از عمق رکود معاملاتی در بازار مسکن می‌شود. اثر سوء دوم ناشی از به‌روز نشدن اطلاعات این سامانه می‌تواند به‌طور مستقیم اعتماد عمومی در خصوص اعتبار آمارها و اطلاعات رسمی را نشانه‌گیری کند؛ در واقع کم‌کاری یا غفلت از به‌روزرسانی اطلاعات این سامانه می‌تواند در حکم یک پاس گل به تخریب اعتماد عمومی به داده‌های رسمی باشد.

به‌عنوان مثال در یک منطقه مصرفی و پرفروش در شهر تهران (منطقه ۵) میانگین قیمت مسکن در این بازه زمانی-مقطع زمانی حاضر در مقایسه با خردادماه ۹۸- به‌طور متوسط ۹ درصد کاهش یافته است؛ در حالی که اطلاعات درج شده در ویتترین بازار مسکن مربوط به قیمت فروش مسکن در این منطقه به‌طور میانگین سطح قیمت‌ها را حدود ۹ درصد گران‌تر از میانگین فعلی قیمت مسکن در این منطقه نشان می‌دهد. عدم به‌روزرسانی اطلاعات مربوط به معاملات مسکن شهر تهران در این سامانه در حالی منجر به ارسال سیگنال‌های غلط قیمتی به بازار املاک مسکونی شده است که به‌خصوص در ماه‌های گذشته که عمق رکود افزایش یافته است برخی از سامانه‌های تجاری عرضه‌کننده فایل فروش مسکن به بازار، برای جذب مشتری از تاکتیک اعلام قیمت براساس قیمت‌های درج شده در سامانه اطلاعات بازار املاک ایران استفاده می‌کنند؛ این سامانه‌ها دست‌کم در دو ماه گذشته که عمق رکود در بازار افزایش یافته و سطح معاملات خرید مسکن در شهر تهران به کمتر از ۳ هزار فقره در هر ماه کاهش یافته است به مقایسه قیمت‌های پیشنهادی تعیین شده برای فروش واحدهای مسکونی فایل شده با قیمت‌های قطعی فروش آپارتمان درج شده در این سامانه پرداخته‌اند؛ این اقدام برای نشان دادن مطابقت قیمت‌های پیشنهادی با قیمت‌های قطعی درج شده در سامانه‌ای با نظارت مستقیم و تحت مدیریت وزارت راه و شهرسازی به‌عنوان متولی مسکن در دولت از سوی این سامانه‌ها انجام می‌شود؛ اما آنچه در واقعیت و در پس شرایط قیمتی تعیین شده برای فروش این فایل‌ها و این واحدها وجود دارد آن است که سطح قیمت‌های فعلی به مراتب کمتر از سطح قیمت‌های فروش مسکن در آخرین داده‌های درج شده در سامانه اطلاعات بازار املاک ایران است؛ چرا که اطلاعات این سامانه مربوط به دوره جهش قیمتی است و پس از آن در دو ماه پیاپی قیمت مسکن در کل شهر تهران و در سه ماه متوالی در مناطق مصرفی پایتخت روند نزولی را طی کرده است. واقعیت آن است که استناد به داده‌های به‌روز نشده این سامانه هم‌اکنون مسیر گران‌فروشی سهوی فروشندگان مسکن در بازار معاملات املاک پایتخت را



گردشگری، صنعتی که در سیاست های اقتصادی ایران جایی ندارد

صندوق بین المللی پول در جدیدترین گزارش از «چشم انداز اقتصادی جهان» گذری نه چندان کوتاه و به نوعی بارویکردی خاص به اقتصاد ایران در امسال و آینده داشته که بخش عمده ای از آمارها و ارقام ارائه شده از سوی این نهاد با اظهار نظرهای ملی و دیگر اظهار نظرهای بین المللی مغایرت های فاحشی دارد.

و با وجود انعکاس نسبی خط مشی گذاری های توسعه گردشگری ایران در اسناد بالادستی، به دلیل اتخاذ سیاست ها و رویه های اجرایی نادرست و برخی تنگناهای اجتماعی و اقتصادی، تاکنون موجبات توسعه پایدار و مطلوب گردشگری فراهم نیامده است. ضعف زیر ساخت های عمومی و خاص گردشگری، محدود بودن تعداد اقامتگاه های گردشگری، وضعیت نامناسب جاده ها، پایین بودن کیفیت خودروهای داخلی، افزایش آمار تلفات رانندگی و احساس ناامنی و ترس از سفر از این طریق، سیستم ناکارآمد و بسیار محدود خطوط حمل و نقل به ویژه ریلی و هوایی و گران بودن سفر از این طریق، بالابودن هزینه اقامت در هتل ها و اقامتگاه های مربوط، پندارهای نادرست جامعه در مورد گردشگران، عدم تبلیغ مناسب در زمینه جاذبه های سیاحتی ایران، وضعیت نامناسب خدمات اولیه گردشگری (از جمله سرویس های بهداشتی و اسکان موقت) کیفیت ضعیف خدمات گردشگری به خصوص در سطح گردشگری بین المللی و آموزش ناکارآمد نیروی انسانی، عدم ثبات ساختاری و مدیریتی، تعدد دستگاه ها و تداخل وظایف و اختیارات در حوزه مذکور از جمله چالش ها و موانع رونق گردشگری در کشور هستند. به نظر می رسد عدم توفیق این صنعت، تا حد زیادی ناشی از نبود نگاه دقیق به گردشگر و پدیده گردشگری مبتنی بر اهداف و آرمان های کشور است.

به نظر می رسد صنعت گردشگری ایران، علیرغم غنای کشور از منظر ظرفیت ها و جاذبه های گردشگری فرهنگی تاریخی و طبیعی، در مقایسه با روند رو به رشد جهانی گردشگری و رقبا - منطقه ای خود، توسعه چندانی نداشته است. بهره وری و استفاده بهینه از ظرفیت های گردشگری کشور، سیاست گذاری و برنامه ریزی های راهبردی و کلان کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت را می طلبد. همچنین به اعتقاد کارشناسان گردشگری می تواند صنعتی باشد که جایگزین صنعت نفت شود آن هم در شرایطی که تحریم های اقتصادی همیشه مشکلات بسیاری را برای درآمدهای نفتی ایران ایجاد کرده است. علاوه بر این وابستگی شدید اقتصاد ایران به نفت، باعث شده تا استفاده از منابع سرشار محیطی و بهره گیری از پشتوانه تاریخی تمدنی و فرهنگی چند هزار ساله ایران مربوط به صنعت گردشگری مورد غفلت واقع شود. با توجه به اتکال بیش از حد اقتصاد ایران به صادرات نفت خام و آسیب پذیری فراوان آن در اثر تغییرات قیمت نفت و سایر شوک های اقتصادی، توسعه صنعت گردشگری با توجه به اهمیت اقتصادی این صنعت (که پیش از این مورد اشاره قرار گرفت) تا حد زیادی میتواند این آسیب پذیری را کاهش دهد. با توجه به ایجاد وزارت میراث فرهنگی و گردشگری کارشناسان امیدوارم نگاه جدیدی به صنعت گردشگری شکل بگیرد؛ نگاهی که البته باید مبتنی بر توسعه پایدار و حفظ محیط زیست و آثار به جای مانده از تاریخ، تمدن و زیست فرهنگی و مردم شناسانه ایران باشد.

به نظر می رسد صنعت گردشگری ایران، علیرغم غنای کشور از منظر ظرفیت ها و جاذبه های گردشگری فرهنگی تاریخی و طبیعی، در مقایسه با روند رو به رشد جهانی گردشگری و رقبا - منطقه ای خود، توسعه چندانی نداشته است.

سفر و گردشگری به عنوان یکی از بزرگترین بخش های اقتصادی جهان، موتور محرک توسعه (صادرات نامرئی) بوده و ضمن اشتغال زایی و توزیع ثروت، در تمام نقاط جهان رفاه و کامیابی را به ارمغان می آورد. براساس گزارش شورای جهانی سفر و گردشگری (۲۰۱۹) در سال ۲۰۱۸، این بخش، ۱۰/۴ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان و ۳۱۹ میلیون شغل، یا به عبارتی، ۱۰ درصد از کل اشتغال جهانی را رقم زده است. در همین سال، سفرهای تفریحی بخش عمده ای از بازار گردشگری، یعنی ۷۸/۵ درصد از کل سفرها را شکل داده اند و در مقابل، تنها ۲۱/۵ درصد از این بازار سهم سفرهای تجاری (کسب و کار) بوده است. به طور کلی، بخش گردشگری ۶/۵ درصد از کل صادرات جهانی و ۲۷/۲ درصد از صادرات جهانی خدمات را از آن خود کرده است. در این میان، گردشگری داخلی که ۷۱/۲ درصد از کل مخارج گردشگری در سال ۲۰۱۸ را شکل داده و قویترین رشد را در کشورهای در حال توسعه تجربه کرده است.

البته در کشور ما با وجود پتانسیل های بسیار بالا گردشگری هنوز به عنوان یکی از پیشران های اقتصادی شناخته نمی شود و از متون اسناد بالادستی به ویژه سیاست های کلی ابلاغی و احکام قانونی چنین برداشت می شود که دستگاه های ذیربط و ذینقش، آن طور که شایسته است، قائل به گردشگری به عنوان موتور محرک اقتصاد کشور نیستند

نگاهی به دیپلماسی اقتصادی – تجاری ایران و پاکستان

مقدمه

با توجه به اینکه موقعیت جغرافیایی کشور ما یک موقعیت منحصر به فرد بوده و برای صادرات کالا و خدمات بسیار موثر است؛ از این روی، تسریع در ورود سرمایه گذاری های خارجی و صادرات کالا، منافع متقابل را برای ایران و فعالان اقتصادی بین الملل به دنبال خواهد داشت. در همین راستا، توجه به بازار مصرف کشورهای همسایه را نباید از نظر دور داشت، نزدیکی های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی که تا حد زیادی همسان سازی و شباهت در تقاضای کالا و خدمات را به دنبال داشته و از سوی دیگر مجاورت جغرافیایی که ضمن کاهش هزینه های حمل و نقل، رقابت پذیری کالاها را افزایش می دهد از جمله محاسن تجارت با کشورهای همسایه است. ایران و پاکستان به عنوان دو کشور همسایه و تاثیر گذار در منطقه غرب آسیا، دارای مرزهای مشترک، اشتراکات دینی و مذهبی، اشتراکات فرهنگی و آداب و رسوم می باشند و به دلیل مرزهای مشترک و نزدیکی دو کشور به هم، هزینه های تجارت (صادرات و واردات) بین دو کشور نسبت به سایر کشورها بسیار پایین است و انتظار می رود که روابط تجاری دو کشور به ویژه با روی کار آمدن دولت جدید پاکستان گسترش یابد. در همین جهت، گسترش دیپلماسی اقتصادی با همسایگان به ویژه پاکستان، اقدامی موثر در راستای افزایش رشد صادرات و مقاوم کردن اقتصاد کشور با توجه به بازگشت دوباره تحریم ها است. بر این اساس در این نوشتار پس از بیان مفهوم دیپلماسی اقتصادی و تحلیل سطح صادرات ایران به پاکستان، سعی بر آن شده تا با ارائه راهکارهایی موثر در جهت تقویت صادرات کالا و خدمات به پاکستان، بر حمایت از تولید ملی جمهوری اسلامی ایران تاکید شود.

مفهوم دیپلماسی اقتصادی

یکی از سیاست های کارآمد و راهبردی برای پیشرفت اقتصادی و کسب امتیاز در صحنه رقابت اقتصاد جهانی، از تلاقی دو حوزه اقتصاد و سیاست خارجی با عنوان «دیپلماسی اقتصادی» حاصل می شود. برخی در تعریف دیپلماسی اقتصادی آورده اند؛ دیپلماسی اقتصادی به مفهوم کارکردی کردن دیپلماسی در عرصه اقتصاد و به کارگیری توانایی های بالقوه و بالفعل دیپلماسی برای تحقق اهداف اقتصادی کشورهاست [۱]. مهم ترین الویت ها و اهداف دیپلماسی اقتصادی به ویژه برای کشورهای در حال توسعه، تسهیل فضای کسب و کار تجاری، جذب سرمایه گذاری خارجی، توریسم، بهبود تصویر کشور، دستیابی به تکنولوژی و علم [۲]، دسترسی به بازارهای جهانی و در نهایت حفظ اقتصاد ملی و اقتدار بین المللی است. در حقیقت دیپلماسی اقتصادی، منافع اقتصادی دولت ها را در خارج از کشور و در اقتصاد جهانی گسترش می دهد و ضمن استفاده از ابزارهای مختلف در جهت دستیابی به منافع اقتصادی، پیوندی بین قدرت و رفاه ایجاد می کند [۳]. بنابراین صحنه روابط بین الملل نشان می دهد که در فرآیند جهانی شدن و منطقه گرایی، عنصر اقتصادی و تجاری به عاملی تعیین کننده در روابط بین الملل تبدیل گردیده و کشورها بیش از گذشته سیاست خارجی خود را اقتصادمحور کرده اند.

بررسی ظرفیت های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران

ایران در نقطه اتصال دو قاره آسیا و اروپا و در نزدیکی قاره آفریقا قرار گرفته است و مناطق آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه را به شبه قاره هند، جنوب آسیا، آسیای جنوب شرقی و کشورهای عربی جنوب خلیج فارس متصل می کند و با پانزده کشور همسایگی دارد [۴]. بنابراین در صورت شناخت ظرفیت های دیپلماسی اقتصادی کشور می توان امید داشت که کمک زیادی در راستای صادرات کالای تولید

داخل شود و توجه به صادرات غیر نفتی افزایش پیدا کند؛ در واقع، افزایش صادرات به تنهایی نمی تواند از آسیب پذیری کشور جلوگیری کند، بلکه در کنار افزایش صادرات، تنوع بخشی به صادرات و تنوع به مقاصد صادراتی نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در واقع، این تنوع بخشی به محصولات صادراتی، مقاصد صادراتی و مشتری ها برای کالاهای ایرانی به منظور کاهش آسیب پذیری در مقابل تحریم ها امری لازم و ضروری است. بنابراین یکی از وظایف دیپلماسی اقتصادی، ظرفیت سازی برای تجارت است که شامل استفاده از نفوذ و روابط سیاسی برای تحت تاثیر قرار دادن جریان تجارت و سرمایه گذاری بین المللی است. بر همین اساس توجه به بازاریابی بین الملل کالای ایرانی به یکی از اصلی ترین موضوعات مورد بحث در دیپلماسی اقتصادی تبدیل شده است.

بازاریابی کالای ایرانی و توجه به بازار همسایگان



هستیم - از این همسایگی استفاده کنیم، کالای ایرانی را صادر کنیم» [۷]. در حقیقت به دلایل ذیل، کشورهای همسایه در میان شرکای تجاری ایران دارای اهمیت راهبردی هستند و در هر برنامه‌ای برای توسعه تجارت خارجی و صادرات کالاهای ایرانی، باید در اولویت قرار گیرند:

وجود مرزهای زمینی و دریایی مشترک که باعث کاهش هزینه‌های حمل و نقل و فرصت پشتیبانی از کالاهای صادراتی می‌شود.

اشتراکات فرهنگی، مذهبی و زبانی که سبب کاهش هزینه‌های بازاریابی برای کالاهای تولیدی داخلی در این کشورها می‌شود.

امکان صادرات مجدد کالاهای تولید ملی به بازارهای فرامنطقه‌ای از طریق کشورهای همسایه (و در نتیجه کاهش آثار تحریم‌ها بر تجارت خارجی)

وجود مناسبات دیرینه سیاسی و اقتصادی که سبب می‌شود تا مراودات تجاری بین همسایگان کمترین تأثیر را از تنش‌های سیاسی یا بین‌المللی داشته باشد.

از همین روی، ضرورت جهت‌گیری دیپلماسی اقتصادی ایران به سوی بازار همسایگان، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند و پاکستان به عنوان یکی از بازارهای بزرگ اسلامی در مجاورت ایران بهترین فرصت برای حضور فعالان اقتصادی، تجاری و در نتیجه کالاهای ایرانی است.

شرایط ویژه پاکستان برای پذیرش کالا و خدمات ایرانی

پاکستان یکی از کشورهای بزرگ همسایه است که از اهمیت ویژه‌ای در مناسبات تجاری جمهوری اسلامی ایران برخوردار می‌باشد. تنوع کالاهای صادراتی به این کشور بسیار زیاد است؛ تاجایی که حجم مبادلات تجاری دو کشور در نه ماه گذشته سال ۱۳۹۷، ۱۸۸۹ هزار تن، معادل ۸۹۶ میلیون دلار بوده که نسبت به مدت مشابه سال ۹۶، ۴۵ درصد از نظر ارزشی و ۲۶ درصد از نظر وزنی افزایش یافته است [۸]. و از این نظر پاکستان یکی از بهترین مقاصد صادراتی کالاهای ایرانی به شمار می‌رود. به ویژه آنکه بازار ۲۰۰ میلیون نفری پاکستان به عنوان دومین کشور مسلمان بعد از اندونزی، یک بازار وارداتی است و نسبت تقریباً دو برابری واردات به صادرات در پاکستان زمینه حضور کالاهای خدمات ایرانی در بازار این کشور را به صورت بالقوه فراهم کرده است. این در حالی است که اقلام عمده صادراتی به اکثر شرکای تجاری ما مواد پتروشیمی است؛ اما حجم متنوعی از کالاهای قبیل انواع روغن‌های صنعتی، فرش ماشینی و کفش‌ها، مواد شوینده، کاشی و سرامیک، میوه و صیفی جات، حبوبات، پسته، خرما، مواد پلاستیکی، پوست خام و قیر به پاکستان صادر می‌شود [۹]. و باید با دیپلماسی اقتصادی و تجاری فعال، حجم ارزشی صادرات به این کشور تا سطح یک میلیارد دلار افزایش یابد. بازار پاکستان یکی از بازارهای مکمل ایران نیز به حساب می‌آید؛ یعنی علاوه بر اینکه کالاهای متعددی به این کشور صادر می‌شود، در مقابل برخی از کالاهای اساسی به ویژه در محصولات کشاورزی از پاکستان وارد می‌شود.

فرصت‌های گسترش صادرات به پاکستان

بازاریابی که به معنای تولید، ایجاد و مبادله محصولات و ارزش‌ها با دیگران، در جهت رضای نیازها و خواسته‌های مشتری است [۵]، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در تقویت تولید ملی و حمایت از کالای ایرانی دارد و اولین قدم در صادرات کالا به شمار می‌رود. شناخت بازارهای خارجی و راه‌های نفوذ به آن، شناخت فعالان اقتصادی و رقبا در کشور هدف از مهم‌ترین قسمت‌هایی است که نیازمند اتخاذ استراتژی‌های قدرتمند برای بازاریابی کالا و خدمات است [۶]. آنچنان که تجربه‌های جهانی به دست آمده از پیشرفت اقتصادی نشان می‌دهد، بازاریابی از مولفه‌های بسیار مهم در توسعه اقتصادی به شمار می‌رود، توسعه‌ای که پشتوانه و عقبه آن بر تولید ملی و بومی متکی است. به واقع در بازاریابی به عنوان یکی از ابزارهای دیپلماسی اقتصادی، پس از شناخت فراز و فرودهای داخلی (در عرصه تولیدی و اقتصادی) و به موازات آن نقاط قوت و ضعف بازار در بخش داخلی و خارجی، به بررسی نیاز جامعه هدف مبادرت ورزیده می‌شود و با انتقال صحیح و درست اطلاعات کالای داخلی به فعالان اقتصادی، به فروش و عرضه کالاهای محصولات، کمک شایانی می‌شود.

در همین راستار هبر معظم انقلاب در بیانات نوروزی ابتدای سال ۱۳۹۷ خود به مسئله بازاریابی و توجه به بازارهای منطقه‌ای پرداخته و فرمودند: «بازاریابی بیرون از کشور و صادرات هم یکی از انواع حمایت از کالای ایرانی است. بایستی ما که با پانزده کشور همسایه‌ایم - غیر از کشورهای دیگر دور دست که می‌توانند کالای ایرانی را مصرف نکنند، با پانزده کشور همسایه

منافع مشترک ایران و پاکستان

اهمیت سفر عمران خان نخست وزیر پاکستان به ایران

اقتصادی



- صادرات نفت، گاز، مواد پتروشیمی، مواد پلاستیکی، شوینده ها، فرش، سرامیک و...
- پروژه سه جانبه خط لوله انتقال گاز میان هند، پاکستان و ایران

- نیاز پاکستان به انرژی و خدمات فنی-مهندسی

بزرگترین مساله ای که این کشور در حال حاضر بعد از مسائل امنیتی با آن روبرو است، نیاز شدید به انرژی و برق و کمبود زیرساخت های لازم در این زمینه است. این در حالی است که ایران به عنوان یک کشور غنی از لحاظ انرژی و برق، می تواند با صدور خدمات فنی-مهندسی و تأمین برق و گاز این کشور و همچنین مشاوره های تخصصی به شرکت های پاکستانی، جایگاه خود را در بازار این کشور تثبیت و اقتصاد پاکستان را به خود وابسته کند [۱۰]. در همین جهت، اجرای خط لوله صلح یکی از طرح های راهبردی ایران و پاکستان است که به رغم عمر طولانی خود هنوز به ثمر ننشسته و دو کشور باید گام های پایانی را در این زمینه سریع تر بردارند [۱۱].

- تنش های هند و پاکستان

عادی شدن روابط هند و پاکستان با توجه به عمق اختلافات دو کشور بعید به نظر می رسد؛ اما این مسئله می تواند برای دیگر همسایگان پاکستان از جمله ایران حائز اهمیت باشد. به شرط آنکه با پیشنهادات جذاب تجاری و اقتصادی که منافع دو طرف را تأمین کند، به استقبال نخست وزیر جدید پاکستان که نگاه مثبتی به تقویت روابط با ایران دارد، برود. [۱۲]

موانع عمده صادرات به پاکستان

بازار پاکستان یک بازار کاملاً رقابتی است و اتاق های بازرگانی، اتحادیه ها و تشکلهای نقش بسیار پررنگی در اقتصاد این کشور دارند اما نقش دولت صرفاً قانون گذاری و سیاست گذاری است و دخالتی در بازار ندارد. همین موضوع یکی از عوامل پایین بودن نرخ تورم و بیکاری در این کشور است. بنابراین یکی از شروط ورود و ماندگاری در بازار پاکستان توجه به رقابت پذیری کالاها و خدمات است. از سوی دیگر سابقه بیش از ۲۰ ساله عضویت در سازمان تجارت جهانی و داشتن تجارت آزاد با کشورهای آسیایی مثل چین و مالزی، رقابت و ورود به بازار پاکستان را سخت تر از سایر کشورهای همسایه کرده است.

یکی دیگر از مشکلات اصلی تجارت با پاکستان قاچاق کالا است که به واسطه مرزهای طولانی و نسبتاً نامن به واسطه حضور گروه های تروریستی و عدم کنترل مرزهای مشترک به خصوص از طرف پاکستان این موضوع تشدید شده است.

خام فروشی کالا به ویژه پوست خام، خرما و حبوبات از دیگر مشکلات صادرات به پاکستان است که برای ایجاد ارزش افزوده و ارزآوری بیشتر باید صادرات کالای فرآوری شده را مدنظر قرار داد [۱۳]. بازگشت تحریم های ایالات متحده آمریکا پس از خروج از برجام، از دیگر موانع تجارت با پاکستان و گسترش همکاری های اقتصادی است که باعث ایجاد مشکلاتی در حوزه انتقال ارز و صادرات کالا می شود.

راهکارهای توسعه مبادلات تجاری و افزایش صادرات به پاکستان

- تقویت نقش سفارت خانه ها به عنوان یک منبع بالقوه تبلیغ ظرفیت های اقتصادی ایران در کشور پاکستان، با ایجاد زمینه سرمایه گذاری های خارجی برای کشور و برقراری روابط کارگزاری بانکی،

صدور ضمانت نامه بانکی برای پروژه های خدمات فنی و مهندسی، ایجاد خطوط اعتباری و تسهیل تبادل اسناد و رفع موانع غیر تعرفه ای.

- گسترش تعامل معاونت دیپلماسی اقتصادی وزارت امور خارجه و بخش های مرتبط در وزارتخانه های اقتصادی با دولت پاکستان در جهت تحکیم روابط اقتصادی.

- سرمایه گذاری مشترک به ویژه در حوزه های نساجی، چرم و صنعت بسته بندی با توجه به ظرفیت بالای پاکستان در این زمینه ها.

- تقویت اتاق مشترک بازرگانی دو کشور و تشکیل کنسرسیوم های صادراتی جهت حضور پایدار در بازار پاکستان.

- تقویت سرمایه گذاری مشترک در منطقه آزاد چابهار با ایجاد واحدهای مشترک برای صادرات کالا به پاکستان و هم صادرات مجدد کالا به کشورهای ثالث و همچنین تأمین نیاز بازار داخل در برخی از اقلام.

- شناسایی و معرفی نیازهای خدمات فنی-مهندسی مورد نیاز پاکستان و حضور به موقع شرکت های داخلی.

- ایجاد شبکه توزیع محصولات ایرانی در جهت معرفی مزیت های رقابتی کالا و خدمات ایران در بازار پاکستان.

- افزایش حضور فعال بخش خصوصی واقعی (کارآفرینان، صنعتگران و بازرگانان) در بازار پاکستان و اتصال بازرگانان ایرانی به تجار پاکستانی.

- برگزاری نمایشگاه های تخصصی-کالا های ایرانی در بخش های کشاورزی و مواد غذایی، شیمیایی، پتروشیمی و نساجی با هدف فروش و صادرات.

- اعطای نمایندگی فروش و پخش کالاهای ایران از سوی تولیدکنندگان ایرانی به بازرگانان پاکستان و ایجاد شبکه خدمات پس از فروش.

- توسعه پیمان پولی برای استفاده از پول های محلی در تجارت با پاکستان و کنار گذاشتن دلار از روند معاملات.

- جلوگیری از تغییرات مداوم قوانین صادراتی و نرخ ارز، کاهش خدمات بندری و تقویت حمل و نقل ریلی.

نتیجه گیری

دیپلماسی اقتصادی، ایران را وارد یک فضای جدید می کند که باید از مرزهای جغرافیایی گذر کند و اقتصاد مستحکم تری را نسبت به گذشته پایه گذاری نماید. در واقع نبود دیپلماسی فعال اقتصادی و تراز منفی تجاری، در عمل به واردات

۱۰ طباطبایی، سیدعلی (۱۳۸۸). «بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن». فصلنامه مطالعات سیاسی، ش ۵، ص ۲۰.

Naray, O. (2008). Commercial Diplomacy: A Conceptual Overview. World Conference of TPOs The Hague The Netherlands.

۳۰ موسوی شقایب، سیدمسعود و همکاران (۱۳۹۵). «دیپلماسی اقتصادی و قدرت یابی چین در عرصه جهانی». فصلنامه مطالعات اقتصاد سیاسی بین الملل، سال اول، شماره ۲، ص ۴۵.

۴۰ طباطبایی، سیدعلی (۱۳۸۸). «بایسته‌های دیپلماسی اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در عصر جهانی شدن». فصلنامه مطالعات سیاسی، ش ۵، ص ۱۷.

۵۰ کاتلر، فیلیپ و آرمسترانگ، گری (۱۳۸۹). اصول بازاریابی. علی پارسائیان، جلد اول، تهران: ادبیستان.

۶۰ بابایی زکلیکی، محمدعلی (۱۳۸۷). بازاریابی بین المللی. چاپ ششم، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).

۷. آیت‌الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷). بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی. قابل بازیابی در پیوند زیر: <http://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=39272>

۸. وضعیت تجارت جمهوری اسلامی ایران در نه ماهه سال ۱۳۹۷ قابل بازیابی: http://farsi.tpo.ir/uploads/amalkard_9_mahe_97.pdf

<https://www.eghtesadonline.com/n/1bTS۹۰>

<https://www.yjc.ir/fa/news/5063633.۱۰>

<https://www.eghtesadonline.com/n/1FZ1.۱۱>

<http://moqavemati.net/63246.۱۲>

۱۳. تحلیل بازار کشور پاکستان برای ورود کالاهای ایرانی (۱۳۹۳)، سازمان توسعه تجارت. قابل بازیابی: http://import-export.ir/13/Pakistan_6.pdf استفاده از مطالب با ذکر منبع آزاد است.

و قاچاق کالاهای خارجی به داخل کشور ختم شده است. بنابراین، دیپلماسی اقتصادی باید بستر صادرات کالاهای مرغوب و با کیفیت داخلی در بازارهای مصرف کشورهای دیگر به ویژه همسایگان را فراهم کند. پاکستان به عنوان پرجمعیت‌ترین همسایه ایران، فرصت مناسبی برای صادرات کالاهای تولید داخل است. چرا که قربت‌های فرهنگی، اجتماعی و مذهبی؛ شباهت در تقاضای کالا و خدمات و کاهش هزینه‌های حمل و نقل که سبب رقابت پذیری کالاهای ایرانی می‌شود، مزیت تجارت با کشور پاکستان است. تجار و بازرگانان ایرانی باید از این فرصت استفاده کنند و نفوذ کالاهای ایرانی در بازار پاکستان را افزایش دهند. برای تقویت این مناسبات، راهکارهایی همچون: تشکیل کنسرسیوم‌های صادراتی، اصلاح شیوه‌های تجارت و برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی - کالاهای ایرانی در جهت افزایش میزان صادرات به پاکستان تا سقف حدود ۱ میلیارد دلار ارائه شد که رسیدن به این مهم، همت مسئولان تجاری و دیپلماسی اقتصادی پویایی را می‌طلبد.

منبع



علی رضاقلی مطرح کرد؛ عالی نسب، مصدق و داستان وطن پرستی یک صنعتگر بزرگ



به دست ایشان و بچه های مدرسه ای هم دوره ای ایشان دادند تا از مسیرهای پر جمعیت بروند و اعلام کنند که به جای کبریت روسی کبریت ایرانی بخرید و این گونه نشان دهند که وطن دوستی جایگاه بلندی دارد. من با آقای عالی نسب حشر و نشر نداشتم که از ایشان بپرسم وطن دوستی را از کجا گرفتید؟ این بخاطر علائق عمیق شما نسبت به جامعه ی مسلمانان هست یا اینکه مرزی به عنوان ایران دارد؟ ولیکن به هر صورت وطن دوستی و علاقه به ایران ایشان مشهود بود. او برای این کار سرمایه گذاری کرد که نمونه اش مؤسسه ی دین و اقتصاد است.

نویسنده جامعه شناسی نخبه کشی گفت: ایرانی ها از زمان میرزا تقی خان امیرکبیر می خواستند کارخانه ی سماورسازی را ایجاد کنند. این کارخانه تا زمان مصدق متوقف بود. در زمان مصدق آقای عالی نسب آن را به سامان رساند. ولی وقفه ای بلند در ایجاد این صنعت افتاد که ناشی از ناامنی به وجود آمده در اقتصاد ایران بود. چیزی که به صورت مادرزادی در اقتصاد ایران وجود دارد. در این باره توضیح داده ام که اقتصاد در ایران غارتی است و نه رقابتی. ایرانی ها از زمان میرزا تقی خان امیرکبیر می خواستند کارخانه ی سماورسازی را ایجاد کنند. این کارخانه تا زمان مصدق متوقف بود. در زمان مصدق آقای عالی نسب آن را به سامان رساند. ولی وقفه ای بلند در ایجاد این صنعت افتاد که ناشی از ناامنی به وجود آمده در اقتصاد ایران بود. چیزی که به صورت مادرزادی در اقتصاد ایران وجود دارد. در این باره توضیح داده ام که اقتصاد در ایران غارتی است و نه رقابتی.

دکتر رضاقلی گفت: وصف رقابتی در قانونمندی شکل می گیرد. اگر قانونمندی به هم بخورد و حقوق مالکیت اعتباری نباشد باعث پیدایی رانت های غیر مولد و توزیع شدن آن ها می شود. هر کسی برای دست یابی به آن ها به ابزارهای خود متوسل می شود. در هر صورت ایشان با ساخت چراغ های خوراک پزی و سماور و نظیر آن به عرصه صنعت ورود پیدا کرد. مصدق به او گفت دستگاه های نفت سوزی درست کن تا درخت ها را نسوزانند و بتوانیم نفت بفروشیم.

وی گفت: عالی نسب می توانست هر جایی سرمایه گذاری کند؛ به دلیل اینکه تجربه اش را داشت و ذوقش را امتحان کرده بود که آدم موفق هست. به توصیه ی دوستان خود آقای طالقانی و دیگران کارخانه های کارتن سازی درست کردند به دلیل اینکه فقط یک کارخانه ی کارتن سازی وجود داشت که آن هم در انحصار یک یهودی بود. ایشان کارخانه ی کارتن سازی را تأسیس کرد. کارخانه دچار آتش سوزی شد و و باز دوباره آن را ساماندهی کرد. مصدق به او گفت دستگاه های نفت سوزی درست کن تا درخت ها را نسوزانند و بتوانیم

دکتر علی رضاقلی که در مراسم بزرگداشت مرحوم عالی نسب در مؤسسه دین و اقتصاد سخن می گفت، عالی نسب را نمونه یک انسان وطن دوست توصیف کرد و گفت: در میان صفات آقای عالی نسب وطن دوستی او کمتر مورد توجه قرار گرفته است. ما تعبیر دیگری را هم به نام «وطن پرستی» به کار می بریم. عنوانی که برای این سخنرانی گذاشته ام از شعر بلند مرحوم اخوان ثالث است که این گونه شروع می شود: «ز پوچ جهان هیچ اگر دوست دارم / تو را ای کهن بوم و بر دوست دارم». در واقع به وصف وطن دوست اشاره می کند.

زمانی که ایشان در تبریز کارخانه ی کبریت توکلی را تأسیس کردند روی تابلویی نوشتند «حب الوطن من الایمان». تابلو را با چند جعبه کبریت دست بچه ها دادند و مسیر را تعیین کردند که از جای شلوغی بروند. در مسیر مدرسه کبریت و تابلو دست می گرفتند و به مدرسه می رفتند و در راه برگشتن کبریت و این تابلو را همراه داشتند تا نشان دهند که وطن دوستی جایگاه بلندی دارد

به گزارش جماران، وی با اشاره به این که تمام کشورهای برای وطن دوستی سرمایه گذاری های جدی می کنند، گفت: در دوران طفولیت ایشان زمانی که در تبریز کارخانه ی کبریت توکلی تأسیس شد مادر ایشان روی پرچمی نوشتند «حب الوطن من الایمان» و



سطوره‌های ایران قبل از اسلام، اسطوره‌های عقلانی و خرمندانه و دست ساز هستند و جنبه‌های آموزشی بسیار مهمی به آن‌ها واگذار شده است. با خواندن آن‌ها شما آموزش وطن پرستی ببینید.

این پژوهشگر توسعه ادامه داد: شما هر روزه مجبور هستید انتخاب کنید. برای انتخاب کردن باید رویدادهای بیرونی را معنی کنید. برای معنی کردن رویدادهای بیرونی باید باورهای در ذهنتان باشد. با باورهایی که در ذهنتان هست رویدادها را تفسیر و معنی و انتخاب می کنید و بعد در راستاهای آن‌ها حرکت می کنید. در اینجا شما یک فرایند مستمر معناسازی و تشکیل یک نظام معنایی دارید که به بیرون الصاق می کنید و در داخل آن زندگی کنید و برای آن تلاش می کنید. در آنجا به شما می گویند که چه کارهایی را انتخاب کنید یا نکنید و چه ویژگی هایی را چگونه تفسیر کنید، چگونه ملتی باشید، چگونه از خودتان انتقاد کنید، در کجا نارسایی ببینید و در کجا کار درست را ببینید. همه این‌ها باید در مجموعه‌ای فرآوری شوند و زمانی که فرآوری شدند به شما اجازه‌ی تصمیم گیری می دهند. شما باید تصمیم سهل و آسان و ارزان بگیرید. تصمیم گیری کل توقعاتی را که در ذهن آدم هست اکنون می کند و در آخر به چیزی تبدیل می شود. باید این کار را به راحتی انجام دهید. زمانی می توانید به راحتی انجام دهید که نظام معنایی که در ذهن شما شکل گرفته باشد چیزی که می‌توانیم به شکلی به آن جهان بینی بگوییم، وجود داشته باشد. در واقع یک نظام معنایی هست که کل هستی را با روابط زیر مجموعه‌اش تعریف می کند و شما می‌توانید جایگاه خودتان را در آن تعریف کنید و به راحتی در چارچوب قواعد آن تصمیم بگیرید. در چارچوب این نظام معنایی خداوند در بالا هست با ویژگی هایی که می‌شناسیم بعد عناصر دیگر کنار خداوند هستند. قبل از اسلام اهورامزدا با فرشتگان مورد نظر هستند و وظیفه‌ی افراد این است که به نیکی کمک کنند با اهریمن و دوستانش به ستیز باشند و تلاش کنند تا نیکی را مستقر کنند.

اسطوره‌های ایران قصه نیستند بلکه تمام آن‌ها آموزش هایی هستند که تا طرف های مقابل با این آموزش‌ها بزرگ شوند و کشور را همان گونه که می‌باید نگه دارند.

دکتر رضا قلی ادامه داد: در این نظام معنایی باید توجه کنید که چه چیزی در اولویت قرار گرفته است و بعد از خدا چه چیزی معنی پیدا می کند. اسطوره‌های ایران قصه نیستند بلکه تمام آن‌ها آموزش هایی هستند که تا طرف های مقابل با این آموزش‌ها بزرگ شوند و کشور را همان گونه که می‌باید نگه دارند. در بعد از اسلام نظام معنایی آرام آرام شکل های متفاوتی به خود گرفت. بعد از اسلام دچار اعراب شدیم. وطن پرستی به معنای اینکه دور جایی را خط بکشیم و در آنجا بتوانیم از خودمان و منافع مان دفاع کنیم، به حاشیه رفت. از نظر جامعه شناسی این که بفهمیم وطن کجاست دفاع کردن از آن را خیلی راحت تر و کم مشکل تر می کند. اما در این دوره ما با پدیده نظام های توتالیتر مواجه می شویم. در نظام توتالیتر تمام رفتارهای شما تحت کنترل قرار می گیرد. به تمام آن‌ها باید پاسخگو باشید و افعال از پنج عمل خارج نیست. هیچ چیزی از قاعده خارج نمی شود. آنجا که کسی با عنوان روحانی و صاحب دستگاه نظری عهده دار اداره‌ی جامعه می شود با هر مشکلی روبرو شود یک خدشه‌ی

نفت بفروشیم. عالی نسب می توانست هر جایی سرمایه گذاری کند؛ به دلیل اینکه تجربه‌اش را داشت و ذوقش را امتحان کرده بود که آدم موفق هست. به توصیه‌ی دوستان خود آقای طالقانی و دیگران کارخانه‌های کارتن سازی درست کردند به دلیل اینکه فقط یک کارخانه‌ی کارتن سازی وجود داشت که آن هم در انحصار یک یهودی بود. ایشان کارخانه‌ی کارتن سازی را تأسیس کرد. کارخانه دچار آتش سوزی شد و و باز دوباره آن را ساماندهی کرد.

دکتر رضا قلی با تأکید بر این که عالی نسب نمونه یک انسان وطن دوست و وطن پرست بود، گفت: وجه وطن پرستی او از شئون دیگرش کمتر نبود. اما ما به این مسئله کم توجه می کنیم. در بنرها و نوشته‌های درباره او وطن پرستی و وطن دوستی اش بعد از تدین و ایمان می آید یا اصلاً نمی آید. این ناشی از چیزی هست که اکنون در نزد ایرانیان مغفول مانده است. هزار سال تاریخ بعد از اسلام دست ایلات بود. معمولاً ایلات نمی توانند آدم‌های وطن پرستی باشند؛ به دلیل اینکه آدم‌های ایلی تربیت می کنند.

وی گفت: مردم باید حکومت را مشروع بدانند تا برای آن سرمایه گذاری کنند. مشروعیت دولت با هزینه‌ی اجرا رابطه‌ی عکس دارد. اگر مردم دولت را مشروع ندانند دولت نمی‌تواند خودش را اداره کند. هزار سال نابسامانی را تا دوره‌ی مشروطه داریم. از زمان مشروطه خیلی سعی می‌شود تا ایران دوستی تقویت شود. در دهه‌های اخیر جایگاه وطن و وطن دوستی تضعیف می‌شود. اما زمانی که به قسمت قبل از اسلام و اسطوره‌ها برگردید متوجه می‌شوید آموزش هایی به افراد داده می‌شود و سببل هایی ساختند تا جایگاه ایران دوستی را تقویت کنند. «چو ایران نباشد تن من مباد/ بدین بوم و بر، زنده یک تن نباد». در این دوره دین با اسطوره‌ها، خرافات همپوشانند و کنار یکدیگر هستند. انسان‌ها با این مجموعه یکسری از مشکلات اجتماعی خود را حل می‌کنند. در این بین، خرافات ممکن است به شکل های مختلف و منفی داشته باشد ولی اسطوره‌های ایران قبل از اسلام، اسطوره‌های عقلانی و خرمندانه و دست ساز هستند و جنبه‌های آموزشی بسیار مهمی به آن‌ها واگذار شده است. با خواندن آن‌ها شما آموزش وطن پرستی ببینید.

مشروعیت به او وارد می‌شود. اما اگر ملی باشد محدوده‌اش مشخص‌تر و کوچک‌تر هست و شما دچار مشکل مشروعیت دائم نمی‌شوید.

در نظام اسطوره‌ای قبل از اسلام بعد از خداوند شاید مهمترین عنصری که وجود دارد این است که از مرزهای کشور بتوانیم دفاع کنیم. به پهلوانان از جمله رستم اوصافی تخصیص داده شده که تقریباً تجسم تمام صفات و فضایل اکتسابی و ذاتی‌ای هست که افراد باید برای زندگی در محیطی به نام ایران به عنوان سمبل داشته باشند؛ بدین معنا که باید هنرمند باشند. در دعا‌های اسطوره‌ای هست که: «همیشه هنرمند بادا تنت». هنر به معنای اوصاف نیکو هست. «هو» بهتر صفت‌ها؛ «نر» نریشن. حیوان‌های نرینه اوصاف برازنده‌ی خاص خود را داشتند. این البته مربوط به جامعه‌ی مرد سالار می‌شود

وی گفت: در نظام اسطوره‌ای قبل از اسلام بعد از خداوند شاید مهمترین عنصری که وجود دارد این است که از مرزهای کشور بتوانیم دفاع کنیم. به پهلوانان از جمله رستم اوصافی تخصیص داده شده که تقریباً تجسم تمام صفات و فضایل اکتسابی و ذاتی‌ای هست که افراد باید برای زندگی در محیطی به نام ایران به عنوان سمبل داشته باشند؛ بدین معنا که باید هنرمند باشند. در دعا‌های اسطوره‌ای هست که: «همیشه هنرمند بادا تنت». هنر به معنای اوصاف نیکو هست. «هو» که سر هنر آمده به معنای نیک و خوبی است. نر هم به معنای صفت نرینه یعنی یک چیز قابل توجه و بهترین صفت هاست. هنر در مجموع به معنای فضائل اکتسابی است. دانش، ورزش، هنر، رزم و عدالت خواهی و فروتنی و دفاع از کشور و وطن دوستی همه هنر است.

دکتر رضا قلی ادامه داد: بخش اسطوره‌ای ایران یک نظام معنایی متفاوت از نظام معنایی موجود دارد. دفاع از مرزها و وطن پرستی یکسری اوصاف ذاتی دارد که به مرور زمان تضعیف شده و ایرانیان فراموش کردند که بدون وطن پرستی نمی‌توانند وطن را نگه دارند. این از ذهن‌ها به حاشیه رفته است. کشوری که بدون دوست داشتن افرادش و اینکه این دوستی در روابط و کنش‌های متقابل تجلی پیدا کند امکان سرپا بودن ندارد. یک نفر یا یک گروه نمی‌تواند کشور را سرپا کنند و آموزش‌های لازمی باید برای سرپا

کردن کشور وجود داشته باشد.

وی افزود: در یک سوم شاهنامه که پنجاه هزار بیت هست تقریباً اسطوره‌ها حضور دارند. از کیومرث شروع می‌شود. شما به اوصافی که می‌گویم برخورد می‌کنید. تمام صفات اخلاقی مثبت به اضافی و وطن پرستی می‌شود. «چو ایران نباشد تن من مبادا» در اوج دوست داشتن ایران هست که ایران را سر بلند می‌خواهد و مردم هم باید با نام بلند زندگی کنند این ویژگی‌ها در شاهنامه تکرار می‌شود.

احتمال می‌دهم این نظام معنایی کنار آنچه که حکومت‌ها را تشکیل دادند توانست هخامنشیان و پارت‌ها و ساسانیان را سامان دهد. من باور نمی‌کنم بدون یک چنین نظام معنایی و بدون وطن پرستی حکومت کشور بتواند تا مصر و دریای مرمره برود و عظمتی برای خود درست کند. به مرور که این‌ها ویژگی‌ها فروکش می‌کرد کشور هم آرام آرام از دست می‌رفت. ملاحظه می‌کنید که دیگر ناحیه‌ی قفقاز نیست؛ فرات و دجله با سر منشأ آن در اختیار ایران بود ولی اکنون نیست؛ جیحون با تمام ذخایرش در اختیار ایران بود ولی اکنون نیست؛ بخش هرات در اختیار ایران بود ولی اکنون نیست. زمانی که این‌ها بودند و کشور سرپا بود نوع آموزش‌ها فرق می‌کرد. آدم‌هایی تربیت می‌کردند که وقتی بیرون می‌رفتند ورزیده و اهل نبرد می‌شدند. زنان‌هایشان مانند گردآفرید بودند و مردانشان سهراب و رستم و... بودند.

این مفسر شاهنامه ادامه داد: احتمال می‌دهم این نظام معنایی کنار آنچه که حکومت‌ها را تشکیل دادند توانست هخامنشیان و پارت‌ها و ساسانیان را سامان دهد. من باور نمی‌کنم بدون یک چنین نظام معنایی و بدون وطن پرستی حکومت کشور بتواند تا مصر و دریای مرمره برود و عظمتی برای خود درست کند. به مرور که این‌ها ویژگی‌ها فروکش می‌کرد کشور هم آرام آرام از دست می‌رفت. ملاحظه می‌کنید که دیگر ناحیه‌ی قفقاز نیست؛ فرات و دجله با سر منشأ آن در اختیار ایران بود ولی اکنون نیست؛ جیحون با تمام ذخایرش در اختیار ایران بود ولی اکنون نیست؛ بخش هرات در اختیار ایران بود ولی اکنون نیست. زمانی که این‌ها بودند و کشور سرپا بود نوع آموزش‌ها فرق می‌کرد. آدم‌هایی تربیت می‌کردند که وقتی بیرون می‌رفتند ورزیده و اهل نبرد می‌شدند. زنان‌هایشان مانند گردآفرید بودند و مردانشان سهراب و رستم و... بودند.

وی گفت: اکنون با نگاهی که می‌گویم دوباره شاهنامه را باز کنید و به تک‌تک این اوصاف نگاه کنید. چند اوصاف را برای شما خواهم گفت. چند شب پیش به جایی رفتم که مراسم بیژن و منیژه را روایت می‌کردند. داستان را هنری تنظیم کرده بودند. به نظرم هیچکدام به کنه مطلب پی نبرده بودند که طراحی داستان بیژن و منیژه به چه دلیل است و بر چه صفاتی متمرکز شده است؟ اول داستان از جایی شروع می‌شود که چهار نفر کشاورز به کیخسرو می‌گویند اینجا بخش کشاورزی‌ای هست که امنیت خودش را از دست داده و گرازها اجازه نمی‌دهند ما کار کنیم. پهلوان‌ها را می‌فرستند تا گرازها را دور کنند و امنیت را به منطقه برگردانند. اولین آموزشی که داده می‌شود اینکه امنیت اقتصاد به عهده‌ی دولت است. دولت می‌تواند اقتصاد را ناامن یا امن کند.

بیش از پنجاه درصد محتوای مورد نظر اقتصاددانان نهادگرای جدید که نوبل بردند در شاهنامه وجود دارد. اگر این‌ها را از شاهنامه حذف کنید، شاهنامه فرو می‌ریزد و همین مفاهیم اصلی را از تئوری‌های نهادگرا بیرون بکشید به هم می‌ریزد.

وی با تأکید بر این که اگر دولت اقتصاد را ناامن کرد توقع مالیات، رفاه، افزایش درآمد نداشته باشد، گفت: بیش از پنجاه درصد محتوای مورد نظر اقتصاددانان نهادگرای جدید که نوبل بردند در شاهنامه وجود دارد. اگر این‌ها را از شاهنامه حذف کنید، شاهنامه فرو می‌ریزد و همین مفاهیم اصلی را از تئوری‌های نهادگرا بیرون بکشید به هم می‌ریزد. برخی از مفاهیم اصلی هستند. اگر مفهوم اصلی را از جایگاه خود بردارید مابقی فرو می‌ریزند.

این صاحب نظر توسعه با تأکید بر این که در مسائل اجتماعی هم برخی از مفاهیم اصلی هستند، گفت: مفاهیم اصلی ممکن است پنج یا ده مورد باشند. حقوق مالکیت کارآمد یک اصطلاح کوچک هست ولیکن اگر در عرصه‌ی اقتصاد و اجتماعی وجود نداشته باشد اقتصاد سروپا نمی‌شود. با توجه به این‌ها آدم‌هایی که در آموزش‌های اسطوره‌ای برای نگهداری ایران تربیت شدند انصافاً ایران را نگه داشتند. بیژن به آنجا می‌رود و توسط دشمن اسیر می‌شود. رستم را صدا می‌کند تا او را از زندان بیرون بیاورد. نامه‌ای که برای رستم می‌فرستند: «یکی

نامه بنوشت پر مهر و داد/ ز گردان ز گرگینه میلاد داد؛ «درویش ده از ما فراوان به مهر/ بگویش که بی تو مبادا سپهر»؛ «که ای پهلوان زاده‌ی پر هنر/ ز گردان کیوان برآورده سر» اسطوره تجسم آموزش یافته نیروهاست که ما مردها بناست مانند این اسطوره‌ها باشیم. این را به عنوان الگو دستساز می‌سازند تا از آن تبعیت کنیم. می‌گویند «تویی از نیاکان مرا یادگار/ همیشه کمر بسته‌ی کارزار» در میدان مبارزه برای سر بلندی ایران و مردم همیشه در میانه هستی.

خانم لمتون به ایرانی‌ها توصیه دارد و من متأسفم که او به ما توصیه می‌کند و آن اینکه اگر می‌خواهید بدانید پاسخ‌هایی که به مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی در قرن نوزدهم و بیستم می‌دهید چه هست حتماً باید از ابتدای سلجوقیان بخوانید. آنچه که آن‌ها برای ما چارچوب بندی کردند تقریباً برای شما باقی ماند و در تصمیم‌گیری‌های بعدی تأثیر گذاشت.

دکتر رضا قلی گفت: من از زندگی آقای عالی نسب هم، همین را می‌فهمم. «دل شاه ایران و پشت کیان/ به فریاد هر کس کمر بر میان» اوصافی که برای رستم وصف کرده این است که دائم کمر بسته و آماده هست برای اینکه به هر کسی کمک کند. «سر پهلوانان و لشکر پناه/ به نزدیک شاهان تو را دستگاه»؛ «هر آن بند کز دست تو بسته شد/ گشایندگان را جگر خسته شد»؛ «تو را ایزد این زور پیلان که داد/ دل شیر و فرهنگ و فرخ نژاد»؛ «بدان داد تادست فریاد خواه/ بگیری بر آری ز تاریک چاه» بی‌جهت پهلوان نشدی بلکه برای دفاع از مملکت و عدالت و... پهلوان شده‌ای. «گشاینده‌ی بند بسته تویی/ کیان را سپهر خجسته تویی» رستم از زابل به نزد کیخسرو می‌آید که برای پیدا کردن بیژن دستور بگیرد. «جهان دار خسرو گرفتش به بر/ که ای پشت مردی و جان هنر» مردمی با این اوصاف برای نگه داشتن کشور لازم هست. به ما آموزش می‌دهد. «به خورشید مانند همی کار تو/ به هر جای مردی و کردار تو» گرگینه میلاد در مرز اعدام و عفو بود و از رستم کمک می‌خواست. به رستم پیامی فرستاد. «فرستاد نزد رستم پیام/ که ای فرخ نیک نام»؛ «درخت بزرگی و گنج وفا/ در رادمردی و بند بلا» کسی نمی‌تواند یکی از اوصاف اخلاقی را باز کند یا به دوش بکشد. به او گفت به من کمک کن و مرا نجات بده.

رستم به او پیغام می‌فرستد اگر بیژن را پیدا کردم تو را می‌بخشم ولی اگر بیژن را پیدا نکردم تو باید بخاطر کاری که انجام دادی مجازات بشی. رستم برای او می‌نویسد: «تو نشنیدی آن داستان پلنگ/ به آن ژرف دریا که زد با نهنگ؟»؛ «که گر بر خرد چیره گردد هوا/ نباید ز چنگ هوا کس را»

رضا قلی با تأکید بر این که بچه‌ها را با این اشعار آموزش دهید، گفت: البته شرایطی که برای مقبولیت یک نظام فکری لازم هست باید وجود داشته باشد. «خرمند کارد هوا را به زیر/ بود داستانش چو شیر دلیر»؛ «اگر بیژن از بند بیابد رهای/ به فرمان دادار کیهان خدای»؛ «رها گشتی از بند و رستی به جان/ ز تو دور شد کینه‌ی پهلوان»؛ «و گر جز بر این گونه گردد سپهر/ ز جان و تن خویش بردار مهر».

وی افزود: بحثی در بین نهادگراهای جدید هست که می‌گویند شدت و کيفر در اجرای قانون تأثیر می‌گذارد. اگر هزینه‌ی اجرای قانون زیاد باشد ممکن است صرفه در مقیاس نکند و قانون اجرا نشود. اگر می‌خواهید قانون اجرا شود شدت و کيفر هم لازم است. اگر بنا شد هزار میلیارد بردارم و هیچ کسی ایراد نگیرد بقیه هم دنبال این گونه کارها می‌روند. اگر می‌خواهید کسی دنبال این کارها روند باید شدت و کيفر را بالا ببرید و مال مردم را از آن‌ها بگیرید نه اینکه مال مردم را از جیب دیگری بردارید.

هزار سال زندگی ایلات در تضعیف جهان‌بینی و وطنی ایران بی‌تأثیر نبوده است. از بعد سلجوقیان و غزنویان تا مشروطه که آن‌ها مسلط شدند برای آموزش ایران دوستی جایگاه رفیعی وجود ندارد.

رضا قلی با بیان این که ایران دوستی در نزد ایرانیان ضعیف شده است، گفت: دلایل تاریخی، اجتماعی و اقتصادی زیادی دارد که ورود نمی‌کنم. در قبل از اسلام وطن دوستی بسیار قوی بود. سبیل آن آموزش‌هایی هست که من گوشه‌ای را برای شما خواندم. تقریباً پانزده هزار بیت شاهنامه در این خصوص آموزش است. تحولات عظیمی در تاریخ بلند ما رخ داده و تا اینجا رسیده است. هزار سال زندگی ایلات در تضعیف جهان‌بینی و وطنی ایران بی‌تأثیر نبوده است. از بعد سلجوقیان و غزنویان تا مشروطه که آن‌ها مسلط شدند برای آموزش ایران دوستی جایگاه رفیعی وجود ندارد. این جایگاه از زمان مشروطه به وجود آمد. زمان قبل انقلاب ایرانی‌ها از ایران دوستی پشیمان شدند و تصمیم گرفتند وارد نظام فکری دیگری شوند. من امیدوار بودم بتوانیم این‌ها را به هم گره بزنیم و یک کشور آباد و اقتصاد مستقل و جایگاه رفیعی برای ایران تعریف کنیم ولی نکردیم.

وی افزود: خانم لمتون به ایرانی‌ها توصیه دارد و من متأسفم که او به ما توصیه می‌کند و آن اینکه اگر می‌خواهید بدانید پاسخ‌هایی که به مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی در قرن نوزدهم و بیستم می‌دهید چه هست حتماً باید از ابتدای سلجوقیان بخوانید. آنچه که آن‌ها برای ما چارچوب بندی کردند تقریباً برای شما باقی ماند و در تصمیم‌گیری‌های بعدی تأثیر گذاشت.

رضا قلی گفت: اگر من وزیر علوم بودم حتماً یک کتاب دوست صفحه‌ای برای ایران شناسی از نظر جغرافیایی، سیاسی، اقتصادی، تاریخ تحول فکری تدوین و اجبار می‌کردم تمام رشته‌ها خوانده شود. تا از ابتدا کشور خود را بشناسند و بدانند کاستی‌ها کجاست و برای آن کوشش کنند. غرضم از بحثی که مطرح کردم این بود تا عزیزان به این بخش ایران دوستی توجه کنند.

وی با تأکید بر این که آقای عالی نسب ایران دوست خیلی خوبی بود و تمام کوشش و زحمت خود را برای ارتقاء ایران گذاشت، گفت: من نتوانستم با ایشان صحبت کنم که منشأ ایران دوستی شما از کجا سرچشمه گرفته که علاقمند شده‌اید؟ عوامل مذهبی نمی‌تواند بدون دخالت باشد. شما می‌دانید در اسلام به طور وسیع درباره‌ی کوشش و از خود گذشتگی صحبت شده ولیکن مرزبندی با ایران و ایران دوستی و ملت‌گرایی همیشه مورد تعارض واقع شده، قبل از انقلاب نمونه‌اش را دیدیم. من می‌خواستم دغدغه‌ی شما را بیدار کنم تا به بخش ایران دوستی و وطن دوستی و تلاش ایشان در این زمینه باشید. از نظر شخص خودم ضرورتاً به نظر نمی‌آید که این موضوع دچار تعارضی با دینداری باشد. شخصاً می‌توانم برای آن استدلال کنم.

دستگاه های اجرایی چطور از قانون فرار می کنند؟



علی حیدری، کارشناس تامین اجتماعی

حذف خزانه داری کل، حذف ذی حسابی ها، رفع انحصار و عدم تمرکز حساب های دولتی در بانک ملی ایران، خصوصی سازی بی قاعده و ... انجام داد، در عمل دستگاه های اجرایی وابسته به وصولی ها و درآمدهایی شدند که یا حاصل "تفوی قانون" و "فرار از قانون" است (مجموعه های هیات امنایی، مجموعه های شبه دولتی، مجموعه های نظام صنفی که هم منابع از اعضاء دریافت می کنند و هم از مصرف کننده خدمت و ...) و یا حاصل "تقص قانون" و "تخلف" است (حق الکشف، کالاهای متروکه و قاچاق، اختلاس و ارتشاء، سهم الشرکه سازمانها و کارکنان از جرائم و متفرعات وصولی از بدحسابان و). دستگاه های اجرایی به سبب ارتزاق از این منابع، به آنها معتاد شده اند و طبیعی است که اقدام اساسی و بنیادی برای ریشه کن کردن این تخلفات انجام نمی دهند و به جای "علت" به سراغ "معلول" می روند و از جیب "معلول" و یا "مردم" ارتزاق می کنند.

این در حالی است که براساس اصول کنترل داخلی و به منظور حفظ انتظام مالی، باید رابطه مستقیم مالی دستگاه مجری و متولی امور اجرایی را با موضوع فعالیت (مردم عادی و یا متخلفین) قطع کرد و کلیه وصولی های دستگاههای اجرایی به عنوان حقوق دولتی و یا اموال عمومی، به حساب خزانه ریخته شود و این دستگاه های اجرایی برای انجام مصارف اداری و ... مورد نیاز خود، در قالب قانون بودجه کل کشور و از

ر در ادوار گذشته بویژه سالهای اخیر عده ای در دولت، مجلس و ... برای شانه خالی کردن از اختصاص بودجه به حوزه رفاه و تامین اجتماعی و برای توجیه عدم توجه کافی به وجه اجتماعی در فرایند توسعه، بر این موضوع پای می فشارند که هدف از حکومت در جمهوری اسلامی نیل به اقتصاد و رفاه نیست و برای توجیه این مدعای خود به افول رویکرد "دولت رفاه" در اروپا و آمریکا تمسک می جویند. البته این مدعا با اصول متعدد قانون اساسی به ویژه اصول ۳، ۲۱، ۲۸، ۲۹، ۳۱ و ۴۲ مغایرت و مبادینت آشکار دارد و در آموزه های تمدن اسلامی - ایرانی نیز جایگاهی ندارد. کما اینکه در منشور گام دوم انقلاب نیز آمده است "اگر چه اقتصاد هدف نیست ولی راه و ابزار رسیدن به هدف است".

جای تاسف است که غالب قوانین و مقررات مرتبط با تکوین رویکردهای رفاه و تامین اجتماعی کشور مربوط به دهه پنجاه است و در آن ایام، قوانینی وضع شده است که دولت و کارفرما را ملزم به استیفای حقوق کارگران و کارکنان ساخته، کما اینکه در آن زمان حق بیمه سهم کارفرما به ۲۰٪ افزایش یافت و ضریب حق بیمه پیمان به میزانی که معادل ۲۷٪ می شده، وضع و منظور گردید و حتی قانون معدن مربوط به دهه ۳۰، بهره بردار معدن را ملزم به ساخت مدرسه و درمانگاه و ... در منطقه استخراج معدن ساخته ولیکن در حال حاضر نسل اول و دوم انقلاب که به ثروت و مکنّت رسیده اند و یا مناصب را اشغال نموده اند، مقوله رفاه و تامین اجتماعی را بر نمی تابند.

این نکته از آنجا اهمیت می یابد که با توجه به تضعیف خزانه داری کل، ذی حسابی ها، رفع انحصار و عدم تمرکز حساب های دولتی و نیز با اختصاصی سازی وصولی ها و درآمدهای دستگاههای اجرایی که پیشتر به حساب خزانه واریز می گردید و در قالب قانون برنامه و بودجه و قوانین محاسبات عمومی و مقررات مالی و معاملاتی دولت هزینه می شد، در عمل بدنه دولت ایران، سال هاست به "دولت ارتزاقی" که از "تفوی قانون" و "تقص قانون" و فرار از قانون ارتزاق می کند، تبدیل شده است.

با اقداماتی که دولت قبل در حذف و تضعیف سازمان برنامه و بودجه،



با توجه به تضعیف خزانه داری کل، ذی حسابی ها، رفع انحصار و عدم تمرکز حساب های دولتی و نیز با اختصاصی سازی وصولی ها و درآمدهای دستگاههای اجرایی که پیشتر به حساب خزانه واریز می گردید و در قالب قانون برنامه و بودجه و قوانین محاسبات عمومی و مقررات مالی و معاملاتی دولت هزینه می شد، در عمل بدنه دولت ایران، سال هاست به دولت ارتزاقی که از انفی قانون و نقض قانون و فرار از قانون ارتزاق می کند، تبدیل شده است.

حاکمیت مشمول خمس است.

با توجه به سهم دولت در اقتصاد و با عنایت به اینکه دو سوم بودجه کل کشور مربوط به شرکتها و موسسات دولتی انتفاعی است بنابراین بخش قابل توجهی از بودجه کل کشور مشمول خمس می شود و باید ۲۰٪ آن صرف فقرا و نیازمندان شود. در ارتباط با معادن (که نفت و گاز و ... را نیز شامل می شود)، گنج و مال حلال مخلوط به حرام (در خصوص مبالغ حاصل از کشف جرائمی نظیر اختلاس، ارتشاء و...) نیز می توان بخش قابل توجهی از وصولی دولت و نیز مبالغ واریزی به حساب صندوق توسعه ملی را مشمول پرداخت خمس دانست. از این منظر که دولت بایستی حداقل ۲۰٪ از آنها صرف نیازمندان و فقرا نماید.

به این ترتیب از مجموع ۱۷ تریلیون ریال بودجه کشور، بایستی حدود ۳/۵ تریلیون ریال آن صرف حوزه رفاه و تامین اجتماعی (امور امدادی، حمایتی و بیمه ای) شود و صرف رفع فقر و ایجاد عدالت اجتماعی گردد. حتی اگر بخواهیم از بودجه عمومی دولت اغماض کنیم و آنرا مشمول خمس ندانیم قطعاً حدود ۱۲/۵ تریلیون ریال مربوط به شرکتها و موسسات انتفاعی دولت مشمول خمس می باشد و به بیان دیگر بودجه اختصاصی از سوی دولت برای بخش رفاه و تامین اجتماعی کشور بایستی بیش از این ارقام موجود باشد بویژه آنکه ارقام مندرج در بودجه عواید حاصل از بهره برداری از مال و ثروت و دارایی در اختیار دولت است و اصل ارزش مال، ثروت و دارایی در اختیار دولت که مشمول خمس قرار دارد بیش از ارقام مندرج در بودجه سالانه است.

بطور مثال براساس برآوردهای انجام شده در حال حاضر "ثروت خفته" دولت یعنی اموال غیر منقول و داراییهای سرمایه ای غیر مولد که تاکنون از طریق دستگاههای اجرایی فهرست شده است (که این رقم احتمالاً شامل ثروت در اختیار سایر قوا و مجموعه های فراقوه ای نیست) حدود ۱۸۰ تریلیون ریال است که اگر بخواهیم خمس آنرا حساب کنیم، رقم قابل توجهی خواهد شد که با ارقام و اعتبارات تخصیصی از سوی دولت برای حوزه رفاه و تامین اجتماعی فاصله بسیار زیادی دارد.

بر همین اساس به نظر می رسد لازم است همانطور که "صندوق توسعه ملی" در کشور تاسیس شده است و بخشی از عواید حاصل از نفت و میعانات و ... به حساب مزبور واریز می شود بایستی یک "صندوق رفاه ملی" یا "صندوق تکافل اجتماعی" هم به موازات آن ایجاد شود و

طریق موافقتنامه اجرایی بودجه و خزانه داری کل و ذی حسابی ها، اعتبارات مورد نیاز را دریافت و هزینه کنند.

تداوم و تعمیق این روند موجب می شود که مدیران و بدنه عملیاتی دستگاه های اجرایی تمایل مکتوم و باطنی به تداوم تخلف و نقض قانون پیدا کنند چرا که تنها در صورت نقض قانون و تخلف و ... می توانند به منابع غیرشمول، درآمد اختصاصی و وصولی های خارج از نظام بودجه ریزی دولتی، ذی حسابی و خزانه داری کل دست یابند نظیر بحث تخلف

فروشی و تراکم فروشی شهرداری ها. فارغ از این پدیده "دولت ارتزاقی" و با فرض پذیرش آن، چنانچه کلیت دولت و حاکمیت را در جمهوری اسلامی یک "فرد" تلقی کنیم که باید مومن و مقید به موازین اسلامی باشد و حتی اگر وظایف دولت و حاکمیت را در قبال فقرا و نیازمندان و ... نادیده بگیریم (با وجود وظایف ذاتی دولت ها و اصول قانون اساسی و آموزه های دینی و ملی) باید بپرسیم که چرا دولت خمس نمی دهد و چرا این "دولت ارتزاقی" بموجب احکام اسلامی، خمس مال خود را به فقرا و نیازمندان اختصاص نمی دهد.

بطور مثال کالاهای قاچاق و متروکه و یا منابع حاصل از کشف جرم هایی نظیر اختلاس و ارتشاء که تحویل ستاد اجرایی می شود و یا عواید حاصل از پرونده های مفتوحه در محاکم قضایی و یا سپرده های شاکیان و ... از جمله مصادیقی است که می تواند ارتزاق از نقض قانون تلقی شود. نتیجه آنکه دولت (قوه مجریه) تلاش می کند برای جلوگیری از قاچاق یا فرار گمرکی، ولی عواید حاصل از آن از دست دولت خارج می شود و در اختیار ستاد اجرایی قرار می گیرد و قس علیهذا.

براساس اجماع علما و مراجع خمس بر ۷ چیز تعلق می گیرد که براساس غالب آنها، دولت مشمول پرداخت خمس می شود و اگر آن را نپردازد "تارک خمس" محسوب می شود: منفعت کسب، معدن، گنج، مال حلال مخلوط به حرام، جواهر حاصل از غوص، غنیمت جنگی، زمینی که کافر ذمی از مسلمان می خرد و ... که حتی در یک تفسیر مضیق از این احکام و متناظر سازی آن بخش قابل توجهی از بودجه دولت (اعم از بودجه عمومی و بودجه شرکتها و موسسات انتفاعی) و ثروت خفته (پنهان) در اختیار دولت و

دولت خمس از منابع و عواید در اختیار خود را در آن واریز نماید و ذخیره صندوق مزبور صرف رفع فقر و محرومیت و تقویت نظام تامین اجتماعی (امدادی، حمایتی و بیمه ای) شود.

علاوه بر منابعی که دولت به حساب "صندوق رفاه ملی" واریز می نماید، می توان با وضع مالیات های اجتماعی بر فعالیت ها و کالاهای آسیب رسان به کیفیت زندگی مردم (معیشت، سلامت، بنیان خانواده و ...) منابع حاصل از مالیات های اجتماعی را در صندوق مزبور واریز و منابع آنرا صرف ارائه خدمات امدادی، حمایتی و بیمه ای به اقشار و گروه های هدف نمود و همچنین در خصوص یارانه های اجتماعی نیز می توان بهمین منوال عمل کرد.

ایده ایجاد صندوق رفاه ملی (تکافل اجتماعی) که بصورت کلی بشرح فوق تبیین گردید را می توان بصورت پیش نویس حکم قانونی زیر تشریح نمود:

تبصره الحاقی: در جهت زمینه سازی تحقق تکافل اجتماعی همگانی، نیل به کفاف و حیات طیبه و ایجاد رفاه عمومی و تضمین حداقل کیفیت زندگی برای آحاد جامعه بطور اعم و اقشار گروه های هدف (نیازمند، آسیب پذیر، مددجو و توان خواه) بطور اخص و بمنظور فراهم سازی زمینه تعالی اخلاقی و تکامل معنوی و رشد فضائل افراد، خانواده ها و جامعه و در راستای شکل دهی اقتصاد عدالت بنیان و مبتنی بر دسترسی و برخورداری عادلانه افراد از منابع دولتی و عمومی، دولت مکلف است حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ ابلاغ این قانون، با ایجاد "صندوق رفاه ملی (تکافل اجتماعی)" اقدامات زیر را به عمل آورد:

الف- تجميع و تمرکز منابع "صندوق رفاه ملی (تکافل اجتماعی)" مشتمل بر:

معادل ۲۰٪ مبالغ واریزی دولت به حساب صندوق توسعه ملی (موضوع بند ح ماده ۸۴ قانون برنامه ششم توسعه)

سهام الشرکه یارانه های اجتماعی از مجموع منابع حاصل از هدفمندسازی یارانه ها

کلیه منابع حاصل از قطع یارانه افراد برخوردار

منابع حاصل از وضع تعرفه و عوارض بر فعالیتها و کالاهای آسیب رسان به کیفیت

زندگی مردم و اشتغال ملی از جمله افزایش تعرفه واردات کلیه کالاهای وارداتی دارای مشابه داخلی که تولید داخل آنها کفایت نیاز مصرفی مردم را می نماید به میزان ۲۰٪ ارزش کالای وارداتی

منابع حاصل از وضع مالیات اجتماعی بر مصرف بنزین از طریق افزایش ۵٪ به قیمت بنزین مصرفی بر مصارف اینترنتی از طریق افزایش ۵٪ نسبت به قیمت هر بسته اینترنتی از استفاده کنندگان خدمات مخابراتی و خدمات ارزش افزوده، بر تراکنش های بانکی از طریق اخذ مبلغ ۱۰۰ ریال به ازای هر تراکنش بانکی از طرفین تبادل بانکی ۲۰٪ افزایش حق الثبت طلاق و ازدواج دوم به بعد.

کلیه اعتبارات مربوط به کمک دولت به بنیادها، نهادها و دستگاههای اجرایی فعال در حوزه های امداد اجتماعی، حمایتی و بیمه های اجتماعی که در قالب مساعدت و حمایت از مجموعه های مزبور و افراد تحت پوشش آنها توسط دولت و یا از محل منابع عمومی و دولتی اختصاص می یابد.

ب- مدیریت و ساماندهی مصارف صندوق رفاه ملی (تکافل اجتماعی) از طریق:

شکل دهی پرونده الکترونیک رفاه اجتماعی / حساب اجتماعی / شناسه (کد) اجتماعی برای هر یک از خانواده ها (سرپرست خانواده) و تجميع اطلاعات کلیه دریافتی ها و خدمات و مزایای اعطایی به هر خانوار در حوزه های امدادی، حمایتی و بیمه ای، اشتغال عمومی و حمایتی و ... استحقاق سنجی و انجام آزمون و تعیین نوع و میزان نیازمندی خانواده ها برای برخورداری از خدمات رایگان، خدمات یارانه ای و ... در حوزه های امدادی، حمایتی و بیمه ای (بیمه پایه). استحقاق بخشی، ارجاع و یا صدور مجوز ارائه خدمات و اعطای مزایای حمایتی و بیمه ای به خانواده ها و افراد تحت تکفل سرپرست خانوار.

ج- منابع "صندوق رفاه ملی (تکافل اجتماعی)" ابتدا صرف ایجاد فراگیری و تعمیم کامل پوشش بیمه بازنشستگی سطح پایه به آحاد جامعه خواهد گردید و بر این اساس از ابتدای مهر ماه ۱۳۹۹ بیمه اجتماعی بازنشستگی با ترتیبات زیر اجباری خواهد شد به نحوی که تا پایان سال ۱۳۹۹ ضریب نفوذ بیمه بازنشستگی به صد در صد و اجدین شرایط برسد:

افراد مشمول قوانین مدیریت خدمات کشوری، کار و تامین اجتماعی، نیروهای مسلح و کلیه کارمندان دستگاههای اجرایی که دارای صندوق بیمه ای اجتماعی خاص می باشند، تحت پوشش سازمان یا صندوق بیمه اجتماعی مربوطه قرار خواهند داشت.

افراد که در حداقل شرایط دارای دستمزد، یا تمکن مالی، یا توان درآمدی و یا دریافتی های غیرمزدی معادل حداقل دستمزد مصوب قانون کار می باشند حسب مورد از طریق بیمه اجباری، بیمه اختیاری، بیمه حرف و مشاغل آزاد و نظایر آن تحت پوشش سازمان تامین اجتماعی قرار می گیرند و کلیه موانع و شروط بیمه شدن این قبیل افراد نظیر داشتن حداقل یکماه سابقه، داشتن جواز کسب و ... حذف می گردد.

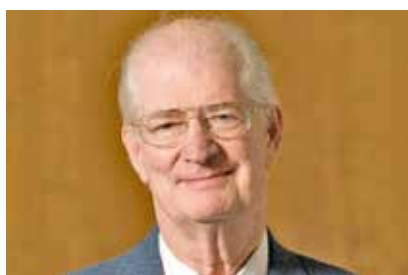
افراد که دارای دستمزد و یا تمکن مالی و یا توان درآمدی و یا دریافتی های غیرمزدی کمتر از حداقل دستمزد مصوب قانون کار می باشند، تحت پوشش صندوق بیمه کشاورزان، روستائیان و عشایر قرار می گیرند.

تبصره: براساس استحقاق سنجی و آزمون و انجام شده وفق بند "ب" این تبصره و حسب تشخیص وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از صفر تا ۱۰۰ درصد حق بیمه متعلقه اقشار نیازمند، توانخواه و مددجو بر عهده دولت خواهد بود که هر ماهه محاسبه و بحساب سازمان یا صندوق بیمه گر اجتماعی مربوطه واریز خواهد شد.

د- آئین نامه نحوه تشکیل "صندوق رفاه ملی (تکافل اجتماعی)"، مدیریت و ساماندهی منابع و مصارف آن، تقسیم کار بین اجزاء و عناصر ذیمدخل و حدود وظایف و اختیارات هر یک، حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب این قانون با پیشنهاد مشترک وزارتین تعاون، کار و رفاه اجتماعی و امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه کشور به تصویب هیات وزیران می رسد.



تتها نوع مالیات که کارایی را کاهش نمی‌دهد، چیست؟



در حالی که مردم باید مالکیت ارزشی را داشته باشند که خودشان تولید می‌کنند، ارزش‌های اقتصادی بر خاسته از زمین (که عمدتاً شامل منابع و فرصت‌های طبیعی می‌شود) باید متعلق به تمام افراد جامعه باشد.

استفاده‌شد. بسیاری از اقتصاددان‌ها از زمان اسمیت و ریکاردو به این سو هم این ادعا را داشته‌اند که مالیات بستن بر ارزش زمین، برخلاف بسیاری از مالیات‌های دیگر، ایجاد ناکارآمدی اقتصادی نمی‌کند.

نام هرمان دالی دائماً با صفت‌های عالی و توصیف‌های اغراق‌آمیز همراه می‌شود. بسیاری او را بهترین اقتصاددان دنیا می‌دانند و بسیاری دیگر او را انسانی بی‌علم حساب می‌کنند که حرف‌هایش خیانتی به اقتصاد است. توصیفی بسیار مشهور درباره او در ادبیات اقتصادی آمریکای رواج

هرمان دالی می‌گوید مالیات بر منابع طبیعی کارایی را بالا هم می‌برد زمانی که نام هرمان ادوارد دالی را جست‌وجو کنید اولین چیزی که به چشمتان می‌خورد، اقتصاد محیط زیستی و مکتب جرجیستی است. به همین دلیل است که مطالعه بیشتر درباره مکتب جرجیسم یک ایدئولوژی اقتصادی است که به خاطر نظرات اقتصاددانان و اصلاح‌طلب معروف آمریکایی، هنری جرج، به این نام شهرت پیدا کرده‌است. طبق آموزه‌های این مکتب، در حالی که مردم باید مالکیت ارزشی را داشته باشند که خودشان تولید می‌کنند، ارزش‌های اقتصادی بر خاسته از زمین (که عمدتاً شامل منابع و فرصت‌های طبیعی می‌شود) باید متعلق به تمام افراد جامعه باشد. گفتمان جرجیستی به دنبال راه حلی برای مسائل اجتماعی و زیست‌بومی است و مبنای آن هم حقوق زمین و امور مالی عمومی است و سعی دارد که کارایی اقتصادی را با عدالت اجتماعی ترکیب کند.

مکتب جرجیسم عمدتاً درباره رانت اقتصادی ایجاد شده توسط انحصارهای طبیعی، آلودگی و کنترل اندازه‌های مختلف است که این مسئله شامل عنوان مالکیت منابع طبیعی و دیگر امتیازهای بر خاسته از آن (یعنی مالکیت معنوی) است. هر نوع منبع طبیعی که به شکلی ذاتی در سمت عرضه با محدودیت روبه‌رو است، می‌تواند رانت اقتصادی ایجاد کند. مثال بسیار برجسته و کلاسیک این مسئله، «انحصار زمین» است. انحصار زمین یعنی برداشت رانت زمین از فضاهای شهری ارزشمند. جرجیست‌ها می‌گویند که مالیات بستن بر رانت اقتصادی عملی عادلانه، کارآمد و عدالت‌زا است.

اگر از عمده اقتصاددانان جرجیست پرسیم که چه سیاست اقتصادی‌ای را پیشنهاد می‌دهند، آن‌ها در پاسخ احتمالاً چنین جوابی بدهند: مالیات بر اساس ارزش زمین. جرجیست‌ها می‌گویند که درآمدهای ناشی از مالیات ارزش زمین را می‌توان به منظور کاهش یا حذف مالیات‌های موجود (مثلاً مالیات بر درآمد یا تجارت یا خرید) استفاده کرد. به نظر جرجیست‌ها باقی این مالیات‌ها هم نامنصفانه هستند و هم کارایی اقتصادی را کاهش می‌دهند. برخی از اقتصاددانان جرجیست دافع بازگرداندن مازاد درآمد عمومی به خود مردم هستند. سازوکاری هم که برای این مسئله پیشنهاد می‌دهند، ایجاد حداقل درآمد برای تمام افراد یک جامعه است.

این نگاه ویژه به مسئله زمین دست کم از زمان دیوید ریکاردو کاملاً در معرض دید قرار گرفت و این ریکاردو بود که برای اولین بار از عبارت رانت، به معنای اجاره بهای زمین، استفاده کرد و آن را در معرض دید اقتصادی قرار داد و از همان زمان بود که کلمه رانت به عنوان عبارتی پرکاربرد

ادامه در صفحه ۳۶



صندوق بین‌المللی پول و چشم‌انداز اقتصادی ایران

رضا پدیدار

در گزارش جدید صندوق بین‌المللی پول، نرخ رشد اقتصاد ایران در سال آینده میلادی نیز صفر درصد پیش‌بینی شده که در قیاس با پیش‌بینی اعلام شده در گزارش پیشین ۰.۲ واحد درصد کاهش یافته است

واثر گذار را به رابطه غیرمستقیم و غیرمفید مبدل می‌سازد. بیان دلایل وجود این گونه مغایرت‌ها با توجه به شاخص‌های اقتصادی ملموس که از سوی بانک مرکزی ارائه می‌شود می‌تواند حضور فعالان اقتصادی به‌ویژه در بخش خصوصی اقتصاد را تقویت کند چرا که در ادامه حیات و مسیر فعالیت خود دچار سردرگمی یا ابهام نخواهند شد. سازمان‌های اقتصادی و رسمی کشور مسئول هستند تا به محض انتشار و ورود اطلاعات ناموزون و غیر معقول، از طریق رسانه‌های رسمی وارد عمل شوند و به شفاف‌سازی اطلاعات آماری پایه‌ای اقتصاد کشور بپردازند. این کمترین وظیفه‌ای است که نهادهای مسئول در مقابل مردم و سازمان‌های مسئول در برنامه‌های زیربنایی اقتصادی کشور دارند. بدنیست بدانید که صندوق بین‌المللی پول تراز حساب جاری ایران در سال گذشته میلادی را معادل ۴۰۱ درصد تولید ناخالص داخلی تخمین زده و پیش‌بینی کرده در امسال و آینده میلادی این رقم به ترتیب به منفی ۲۰۷ و منفی ۳۰۴ درصد برسد. در شرایطی که کشور در صدد تامین مالی بنگاه‌های اقتصادی ایران و بازار سرمایه با ویرکرد جایگاه، چالش‌ها و راهکارهاست، ضرورت دارد با نگاهی به نظام تامین مالی در اقتصاد ایران و سایر

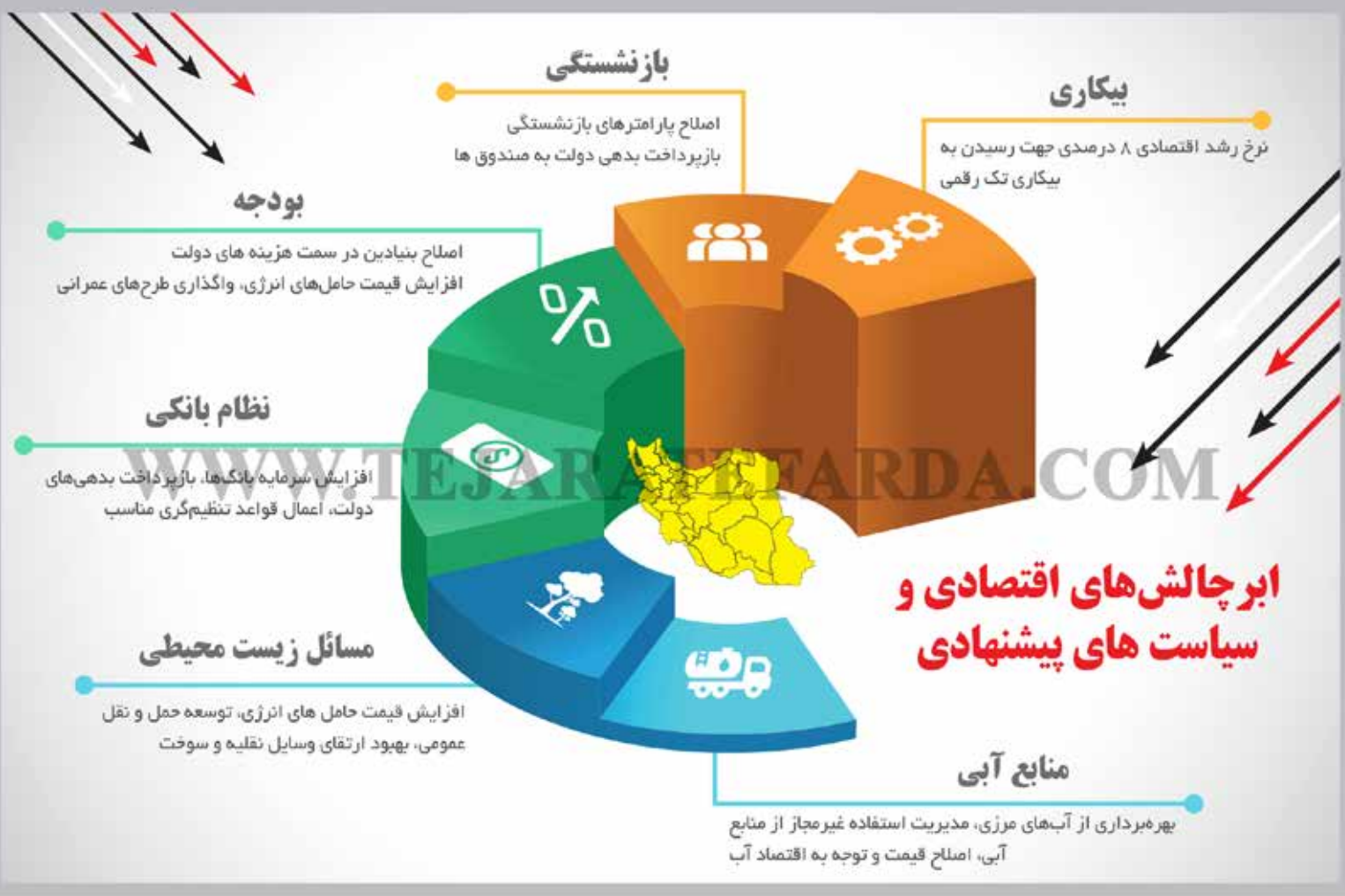
صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی اش از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ایران در امسال میلادی را ۳۵.۸ درصد نسبت به گزارش پیشین خود کاهش داده است. این نهاد بین‌المللی در گزارش جدید خود که در ماه گذشته میلادی منتشر شد نرخ تولید ناخالص داخلی واقعی ایران در امسال میلادی را منفی ۹.۵ درصد پیش‌بینی کرده که این رقم در مقایسه با پیش‌بینی قبلی ۳۵.۵ واحد درصد کاهش دارد. در صورت تحقق این پیش‌بینی، اقتصاد ایران در امسال میلادی بدترین سال خود را در سال‌های پس از جنگ تحمیلی سپری خواهد کرد. در دور پیشین تحریم‌ها نیز اقتصاد ایران شرایط دشواری را تجربه کرد، اما پایین‌ترین نرخ رشدی که برای اقتصاد ایران ثبت شد، مربوط به ۷ سال پیش بود که در آن سال اقتصاد ایران ۷.۷ درصد نسبت به سال قبل از آن کوچک‌تر شده بود. بدنیست بدانید که این نهاد بین‌المللی دلیل تعدیل قابل توجه پیش‌بینی خود در زمینه نرخ رشد تولید ناخالص داخلی ایران را تأثیرات ناشی از تشدید تحریم‌های امریکا عنوان کرده است.

در این باره صاحب‌نظران داخلی سکوت کرده و سهم واقعی این تأثیرات را در اقتصاد ملی ایران ارزیابی یا اعلام نظر کارشناسی نکرده‌اند، این در حالی است که در مقابل ارائه و تفسیر این گونه گزارش‌های رسمی بین‌المللی، لازم است مقامات، استادان و صاحب‌نظران اقتصادی به قول معروف وارد گود شوند و تحلیل‌ها و تفسیرهای ارائه‌شده را در زبانی دقیق کارشناسی و اقتصادی قرار دهند. در این زمینه لازم به توضیح است که تأثیر عوامل دیگری مانند خودتحریمی داخلی نیز دست کم از تحریم‌های خارجی ندارد و به‌طور غیرمستقیم به عنوان عوامل بازدارنده موجب کاهش نرخ رشد ناخالص داخلی ایران شده و حتی تأثیرات شدیدتری از تحریم‌های بین‌المللی دارد. علاوه بر این در گزارش جدید صندوق بین‌المللی پول، نرخ رشد اقتصاد ایران در سال آینده میلادی نیز صفر درصد پیش‌بینی شده که در قیاس با پیش‌بینی اعلام شده در گزارش پیشین ۰.۲ واحد درصد کاهش یافته است.

این صندوق همچنین نرخ تورم در ایران را برای امسال میلادی معادل ۳۵.۷ درصد پیش‌بینی کرده که در مقایسه با رقم آن در سال گذشته میلادی ۵.۲ واحد درصد افزایش نشان می‌دهد. با این حال صندوق بین‌المللی پول پیش‌بینی کرده نرخ تورم در سال آینده میلادی کاهش یابد و به ۳۱ درصد برسد. این در شرایطی است که آمارهای داخلی تفاوت فاحشی با این گزارش دارد اما در ۲ هفته‌ای که از انتشار این گزارش می‌گذرد، شاهد هیچ‌گونه واکنشی از سوی مقامات مسئول در وزارت امور اقتصادی و دارایی و نیز بانک مرکزی نبوده‌ایم. سکوت مقامات ایرانی یا ناشی از یک سیاست اقتصادی، اجرایی است یا می‌تواند مشغله شدید فکری برای رفع مسائل و مشکلات داخلی تلقی شود. به هر حال تداوم این گزارش‌ها و انعکاس مستقیم و غیرمستقیم آنها در محافل حرفه‌ای یا رسانه‌های کشور می‌تواند اثرات سوء و زیانباری را برای اقتصاد ایران رقم بزند؛ به عنوان مثال نرخ بیکاری ایران در سال گذشته میلادی نیز از سوی صندوق بین‌المللی پول ۱۴.۵ درصد اعلام شده و این نهاد بین‌المللی پیش‌بینی کرده بود نرخ بیکاری در امسال و آینده میلادی به ترتیب به ۱۶.۸ و ۱۷.۴ درصد افزایش یابد، این در شرایطی است که رئیس‌جمهوری در آخرین اظهار نظر خود نرخ بیکاری در امسال را ۱۰.۵ درصد و در سال آینده کمتر از آن اعلام کرده است.

این مغایرت‌های فاحش آماری نهادهای مسئولان داخلی با نهادهای بین‌المللی صاحب نفوذ و اثر گذار می‌تواند بر جریان اعتمادسازی بین مردم و مسئولان خدشه وارد آورد که به نوبه خود رابطه مستقیم

ادامه در صفحه ۳۶



اینفوگرافیک: آرشین میرسعیدی

اقتصاد خصوصی

نهادهای دولتی و شبه‌دولتی ایران، چه سهمی از ۱۰۰ شرکت بزرگ ایرانی دارند؟



*منبع داده: براساس گزارش «امیرالواری خصوصی‌ها» روزنامه شرق / بعضی از شرکت‌ها به صورت مشارکتی اداره می‌شوند.
**خصوصی که از ترکیب دو کلمه «خصوصی» و «دولتی» به وجود آمده پس از شروع روند خصوصی‌سازی در ایران وارد ادبیات رسانه‌ها شده‌است.
خصوصی به معنی تسلط دولت یا سازمان‌های وابسته به دولت، یا نهادهای حکومتی بر شرکت‌ها، کارخانه‌ها و در کل بنگاه‌های بزرگ اقتصادی است که خصوصی‌سازی شده‌اند.



موفقیت اتحادیه اوراسیا در گرو تقویت تغییر جهت در مقاصد صادراتی

اتحادیه اقتصادی اوراسیا چند سال اخیر توسط ۵ کشور روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، بلاروس و ارمنستان تأسیس شد، این اتحادیه حدود ۷۵۰ میلیارد دلار در سال مبادلات تجاری دارد. با توجه به بازار حدود ۱۹۰ میلیون نفری، عضویت در این اتحادیه برای مبادلات تجاری فرصت مناسبی به شمار می‌رود.

اتحادیه اقتصادی اوراسیا چند سال اخیر توسط ۵ کشور روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، بلاروس و ارمنستان تأسیس شد، این اتحادیه حدود ۷۵۰ میلیارد دلار در سال مبادلات تجاری دارد. با توجه به بازار حدود ۱۹۰ میلیون نفری، عضویت در این اتحادیه برای مبادلات تجاری فرصت مناسبی به شمار می‌رود.

همین شرح حال است. بنابر آمار رسمی اعلام شده توسط گمرک ایران در ۶ ماه ابتدایی امسال به رغم رشد نزدیک به ۲۲/۵ درصد وزنی در صادرات (غیر نفتی) کشور نسبت به مدت مشابه سال ۹۷ شاهد کاهش حدود ۱۰/۵ درصدی در ارزش کالاهای صادراتی در قیاس با بازه زمان مشابه بوده ایم. در خصوص واردات نیز رشد ۰/۴۱ درصد وزنی و کاهش ۵/۵ درصد ارزشی نسبت به نیمه ابتدایی ۹۷، وضعیت مشابه و البته با اختلاف بیشتری را نشان می‌دهد. صادرات ۲۰/۹۴۸ میلیارد دلاری سال ۹۸ در برابر ۲۱/۲۲۱ میلیارد دلار واردات خود نشان از تراز تجاری منفی ۲۷۳ میلیون دلار و پیشی گرفتن واردات به رغم لحاظ کردن آمار میعانات گازی در محاسبات مربوط به صادرات است.

از سوی دیگر حجم کالای صادراتی و وارداتی و قیاس با ارزش آنها نشان می‌دهد در نیمه ابتدایی ۹۸ برای واردات هر تن کالا مبلغ ۱،۲۸۱ دلار از کشور خارج و به ازای صادرات هر تن کالا ۲۹۹ دلار درآمد برای کشور ایجاد شده است. این تفاوت ارزشی واردات نسبت به صادرات می‌تواند هشدار باشد بر تداوم صادرات با ارزش افزوده کمتر (و به نوعی کالاهای فرآوری نشده) در برابر واردات با ارزش افزوده بیشتر و به اصطلاح خام فروشی. بحثی که نه فقط در حوزه کالاهای پتروشیمی که حتی در حوزه مواد غذایی (کشاورزی) نیز قابل بررسی و تأمل است. موضوعی که بر هدف گذاری صادرات در حوزه بازار و کالا با تکیه بر ارزش افزوده و نه صرفاً هدف گذاری رشد عددی، تأکید می‌کند. در حوزه واردات کالاهای اساسی نیز بنابر اعلام وزارت صمت در ۵ ماه ابتدایی سال ۹۷ به رغم عدم واردات گندم، واردات برنج و روغن خام به ترتیب ۹۷/۲ درصد و ۲۳۹/۷ درصد رشد به لحاظ ارزشی داشته و شکر نیز با واردات ۱۷۳/۹ میلیون یورویی برای ۵/۵ هزار تن روبه‌رو بوده است.

در واردات سایر حوزه‌ها نیز بنابر اذعان مقامات همچنان بین ۸۰ تا ۸۵ درصد واردات را همچون گذشته کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای بخش تولید به خود اختصاص داده است. از سوی دیگر شرایط حاصل از تحریم و برخی موانع منجر به قیمت تمام شده بالا در صادرات سبب شد تا برخی آمارهای صادراتی ما جایه‌جا شود. در نیمه نخست سال جاری چین، عراق، ترکیه، امارات متحده عربی و افغانستان به ترتیب با بازگشایی حدود ۲۴، ۲۲، ۱۲، ۱۱ و ۵ درصد اصلی‌ترین مقاصد صادراتی کشور بودند. در این میان عدم حضور هند که پس از حذف جمهوری کره به دلیل کاهش و سپس توقف صادرات میعانات گازی به کره جنوبی وارد فهرست ۵ مقصد اول صادراتی شده بود و ورود ترکیه به

وقتی یک فعال اقتصادی از رویکرد فردای سیاست‌گذار بی‌خبر و طول عمر سیاست‌اتخاذ شده از سوی دولت برای او نامشخص باشد، بدون شک نمی‌تواند تصمیم درستی حتی برای آینده کوتاه‌مدت خود بگیرد و اگر چنین کند آینده خود را به بخت و اقبال سپرده است. و حوزه تجارت خارجی که در زمین بازی جهانی پیاده می‌شود نسبت به این وضعیت از حساسیت بیشتری برخوردار است.

اقتصاد ایران روزهای پرفراز و نشیبی را می‌گذراند. اگرچه فراز و فرود این بخش به تبعیت از کل وقایع نه تنها بخشی از تاریخ، که اتفاقی مکرر در دوره معاصر ایران است. تحریم‌های جدید در کنار برخی مشکلات زیرساختی و مزمن، موانع سختی در برابر رشد اقتصادی کشور ایجاد کرده و حوزه بازرگانی نیز از این موانع در امان نیست.

این روزها تمام جریان تجارت و چرخه بازرگانی کشور تحت تأثیر فشار خارجی ناشی از تحریم و عدم ثبات در مدیریت داخلی است. نه تأمین مالی درستی برای تولید امکان پذیر است، نه نظام لجستیک فراگیر و قابل برنامه‌ریزی در هر مسیری مهیا است و نه امکان برگشت سرمایه (برگشت ارز) به راحتی فراهم است. آمار گویای



این فهرست قابل توجه است. این تغییرات نتیجه اولویت بندی کشور در روان سازی و تسهیل صادرات به کشورهای همسایه به ویژه عراق و ترکیه و به خصوص افزایش پنج برابری صادرات ایران به ترکیه در قیاس با مدت مشابه سال قبل است. با این حال صادرات ایران به امارات متحده عربی ۵۶ درصد و به افغانستان ۳۵ درصد کاهش را شاهد بوده است. همچنین در نیمه نخست سال جاری پنج کشور چین، امارات، ترکیه، هند و آلمان عمده ترین مبادی وارداتی کشور بودند. این تغییرات خواسته و ناخواسته سبب شد تا در نیمه ابتدایی سال، در مراکز هدف مناسبات تجاری تجدید نظر شود. شوک های ناشی از تحریم های یکجانبه ایالات متحده از یکسو و مدیریت سیال مبتنی بر تصمیمات مقطعی و نتیجه آن تصمیمات خلق الساعه از سوی دیگر، موانعی بر سر راه تجارت خارجی کشور محسوب می شوند. مدیریت سختگیرانه به خصوص در حوزه صادرات سبب شد بسیاری از فعالان اقتصادی به حضور در چرخه تجارت تمایل نداشته و ترجیح دهند تا رسیدن به شرایط ثبات (حداقل نسبی) فعالیت های اقتصادی خود را به حداقل ممکن برسانند. تحلیل ساختار تجارت خارجی و بررسی نشانه ها با توجه به تغییر شرایط اقتصادی کشور نشان می دهد در ۶ ماه دوم نیز شرایط مناسبی برای این حوزه رقم نخواهد خورد. بعید است ساختار دیوانسالار پیچیده و تصمیمات خلق الساعه در کنار موانع خارجی در این بازه زمانی نیز رفع و رجوع شود و حتی در این صورت نیز اثراتش در سال های بعد معلوم می شود. در تحلیل عامل موثر نرخ ارز بر

تجارت نیز می توان گفت اگر چه در نیمه ابتدایی امسال نوسانات حداقلی و در محدوده را شاهد بودیم اما این مساله با تمسک به مدیریت سختگیرانه از جمله سرکوب تقاضا همراه بود.

نتیجه عوامل ذکر شده به این معنی است که در حال حاضر تحلیل تجارت خارجی با توجه به شرایط فعلی در حد شناخت عوامل علت و معلولی است و ارائه راهکار در دو بخش کوتاه مدت، جهت عبور از وضعیت فعلی و بلندمدت جهت اصلاح ساختاری و بنیادین اقتصادی نیازمند تامل فراوان است. در بخش ابتدایی یعنی، «راهکار کوتاه مدت» دو نقطه مبهم وجود دارد. یکی اینکه مشخص نیست شرایط فعلی تا چه زمان ادامه می یابد و دوم اینکه عمل آتی سیاست خارجی با توجه به گستردگی عوامل تاثیر گذار در برخی موارد قابل پیش بینی نبوده و امکان تعریف عکس العمل متناسب با آن را محدود یا غیر قابل برنامه ریزی می کند. در ارائه «راهکار بلندمدت» نیز بیش از هر چیز نیازمند عزم جدی و فراگیر هستیم. آنچه بارها در سخنان کارشناسان، فعالان اقتصادی و اقتصاددانان به «اصلاحات اقتصادی» نامیده می شود.

از سوی دیگر سطح مقاومت پذیری اقتصاد و اثرپذیری از شوک های بیرونی مانند تحریم باید سنجیده و نقاط حساس و به تبع آن میزان آسیب پذیری مشخص شود. از آنجا که تجارت خارجی خود حلقه پسین «تولید» است، این اثرپذیری در خصوص سایر شاخص های اقتصادی نیز ثابت است. اگر مقرر باشد ارزش افزوده قابل تولید بر موج تورم سوار باشد و از همین موج کسب هویت و درآمد کند نه ارزش کالا و خدمات و قیمت های تمام شده واضح می شود و نه مفهومی مانند «بهره وری سرمایه» قابل اتکا خواهد بود. از آن سواثرات جانبی این متغیرها مانند رکود و کاهش جریان نقدینگی می تواند به تسلسل باطل در سیاست گذاری منجر شود.

جدول ۱- تصویری از تولید و تجارت کشورهای عضو اتحادیه اقتصادی اوراسیا در سال ۲۰۱۸

نام کشور	جمعیت (میلیون نفر)	GDP (میلیارد دلار)	نرخ تورم (درصد)	نرخ بیکاری (درصد)	صادرات به جهان (میلیارد دلار)	واردات از جهان (میلیارد دلار)	صادرات به ایران (میلیون دلار)	واردات از ایران (میلیون دلار)	تراز تجاری با ایران (میلیون دلار)
روسیه	۱۴۴	۱۶۳۰.۷	۲.۹	۴.۸	۴۴۹.۳	۲۳۸.۲	۱۲۰.۷۸	۵۳۳.۱	۶۷۵
بلاروس	۹.۵	۵۹.۶	۴.۹	۰.۸	۲۳.۵	۲۸.۲	۳۲.۶	۱۲.۶	۲۰
قزاقستان	۱۸.۵	۱۷۰.۵	۶.۰	۵.۰	۶۱.۰	۳۲.۵	۴۲۶.۸	۸۹.۵	۳۳۷
ارمنستان	۳	۱۲.۴	۲.۵	۱۸.۱	۲.۴	۴.۸	۹۴.۲	۲۶۹.۳	-۱۷۵
قرقیزستان	۶.۴	۸.۱	۱.۵	۶.۸	۱.۷	۴.۸	۱۳.۹	۱۳.۷	۰.۲
جمع کل	۱۸۱.۳	۱۸۸۱.۳	-	-	۵۴۷.۸	۳۱۸.۵	۱۷۷۵.۳	۹۱۸.۲	۸۵۷

پیامد سیاست‌های اقتصاد کلان



پویاجیل عاملی

بنابراین هر گونه دخل و تصرفی خارج از چارچوب بازار بر قیمت و جوه وام دادنی هر چند به نام ایجاد رونق در بازار مسکن و کمک به خانه دار شدن انجام شود، اما ایجادکننده حباب و رونق غیر پایدار در بازار است. بنابراین برای آنکه جلوی رونق‌های کاذب گرفته شود، باید از مداخله در ساز و کارهای بازار مالی و خلق اعتباراتی فارغ از چارچوب بازار جلوگیری کرد. در عین حال که دولت باید راه را برای تعمیق بازار مالی پشتیبان بازار مسکن و نقش آفرینان متنوع باز کند. بنابراین به جای مداخله مستقیم، نقشی هدایتگر را برای تکوین و تعمیق بازار مالی باید بر عهده گیرد و از قیمت‌گذاری در بازار مالی پرهیز کند. همچنان که در ابتدا نیز بیان شد،

ادامه در صفحه ۳۶

چگونه می‌توان رونق را به بازار مسکن برگرداند؟ این سوالی است که بسیاری از کارشناسان و سیاست‌گذاران پس از آرامش در بازار که از تابستان بر این بازار سایه افکند از خود می‌پرسند. اما آیا این سوال مناسبی برای شکل دادن به استراتژی حوزه مسکن است؟ به نظر می‌رسد رونق‌های اخیر که در دهه ۱۳۹۰، در بازار مسکن نمود یافت، از آن دست رونق‌هایی نبود که مختص این بازار باشد. به عبارت دیگر، ریسک‌های کلی که اقتصاد ایران را زیر ضرب گرفت و همه بازارها را دستخوش جهش‌های قیمتی کرد، در بازار مسکن نیز همین نقش را ایفا کرد. از این لحاظ رونقی که مختص خود بازار مسکن باشد و موجب شود تا قیمت نسبی مسکن تغییر کند، رخ نداده است. هر چند به نظر می‌رسد جهش قیمتی سال ۹۸-۹۷ باعث گران شدن نسبی قیمت مسکن شده باشد، اما می‌توان پیش‌بینی کرد که این اضافه‌ارزش نیز در طول زمان تعدیل شود.

بنابراین باید تاکید کرد که بازار مسکن و مستغلات در دهه گذشته دچار رونق‌های خاص این بازار نشده است، در حالی که برای اینکه بازار مسکن بتواند به‌عنوان یک صنعت پیشران عمل کند، لازم است تا رونقی پایدار و تدریجی را تجربه کند. از این رو، سوالی که می‌تواند استراتژی موثری را برای این بازار سامان دهد، این است که چگونه می‌توان در بازار مسکن رونقی پایدار و محکم و بدون تنش را شاهد بود که هم عرضه‌کننده اشتیاق سرمایه‌گذاری داشته باشد و هم تقاضاکننده دست از خرید نشود؟ به عبارت دیگر چگونه می‌توان از سیکل‌های تجاری عمیق اجتناب کرد، در عین حال که تولید در بازار متوقف نشود؟

اما برای پاسخ به این پرسش‌ها ابتدا باید بدانیم علت سیکل‌های عمیق در بازار مسکن چیست؟ چرا وقتی رونق ایجاد می‌شود، قیمت مسکن جهش‌وار افزایش می‌یابد و رکود برای چندین سال تداوم می‌یابد؟ چرا الگوی پله‌ای در قیمت اسمی مسکن مشاهده می‌شود؟ این پرسش‌ها هر کدام موضوع تحقیقات گسترده است، اما می‌توان خطوط کلی پاسخ‌ها را ترسیم کرد.

برای داشتن رونق پایدار در بازار مستغلات نیاز است تا یک بازار مالی عمیق دو طرف عرضه و تقاضای بازار را حمایت کند. این بازار مالی عمیق باید به شکل طبیعی تکوین یافته باشد و مورد مداخله تصمیم‌های دولتی قرار نگیرد. به عبارت بهتر، نرخ‌ها در این بازار مالی تحت تاثیر رویه‌های اداری و رانت‌زایی نباشد. هر گونه شکل‌دهی اعتبارات ارزان قیمت فارغ از ساختار بازار، از آن جا که موقتی است، تنها موجب رونق مقطعی در بازار می‌شود. عرضه‌کننده وام باید بتواند از اقساط بازگشتی، وام‌های بعدی را سامان دهد، در حالی که اعتبارات ارزان قیمت دارای چنین خصیصه‌ای نیست و نتیجه آن خواهد شد که این اعتبارات به دلیل موقت بودن، رشد پایداری را ایجاد نمی‌کند.



سهم کلی سفر و گردشگری در تولید ناخالص داخلی کشور

چقدر از توریست خارجی در آمد کسب کردیم؟

قطعا حدس می زنید پر درآمدترین کشورهای توریست پذیر دنیا در صنعت گردشگری در کدام قاره قرار دارند! با ما همراه باشید تا این کشورها را به ترتیب بالاترین میزان درآمدشان به شما معرفی کنیم.

صنعت گردشگری روز به روز در حال گسترش و پیشرفت است. این نکته‌ی مهمی است که سازمان جهانی گردشگری ملل متحد در سال ۲۰۱۸ منتشر کرد.

این گزارش در نمایی کلی از گردشگری بین المللی در سال ۲۰۱۷، افزایش ۷ درصدی ورود گردشگران خارجی نسبت به سال ۲۰۱۶ را اعلام کرد. این رقم بیشترین میزان افزایش سالانه‌ی ورود گردشگران از زمان بحران اقتصادی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ بوده است.

پر درآمدترین کشورهای توریست پذیر در صنعت گردشگری

علی رغم این که آمریکا در فهرست کشورهای که میزبان بیشترین تعداد گردشگران هستند رتبه‌ی سوم را به خود اختصاص داده است، بیشترین درآمد را از این صنعت در میان کشورها به دست می آورد. در سال ۲۰۱۷ این رقم ۲۱۱ میلیارد دلار آمریکا تخمین زده شده بود که نشان می دهد آمریکا از هر گردشگر خارجی ۲۷۳۹ دلار آمریکا درآمد کسب می کند.

در جایگاه دوم این لیست اسپانیا قرار دارد. این کشور از ورود گردشگران ۶۸ میلیارد دلار درآمد کسب می کند. این رقم نشان می دهد میزان درآمد اسپانیا از هر کدام از ۸۲ میلیون گردشگر خارجی که به این کشور سفر می کنند ۸۳۱ دلار است.

فرانسه ۵ میلیون گردشگر بیشتر از اسپانیا دریافت کرد با این حال درآمد کمتری نسبت به اسپانیا به دست آورد. درآمد فرانسه از گردشگری بین المللی ۶۱ میلیارد دلار آمریکا و ۸ میلیارد دلار کمتر از اسپانیا بود. این کشور از هر کدام از گردشگران ۶۹۸ دلار درآمد کسب می کند.

درآمد آمریکا بر اساس مدت زمانی که گردشگران خارجی در این کشور به سر می برند محاسبه می شود در حالی که گردشگرانی که به فرانسه و اسپانیا سفر می کنند اغلب گردشگرانی از اروپای غربی هستند که برای تعطیلات آخر هفته به این دو کشور سفر می کنند.

جالب است بدانید که کانادا نسبت به ایالات متحده آمریکا درآمد بسیار کمتری از هر گردشگر به دست می آورد. کانادا از هر کدام از ۲۰ میلیون گردشگری که به این کشور سفر می کنند ۹۷۷ دلار آمریکا به دست می آورد.

برندگان اروپایی در فهرست پر درآمدترین کشورهای توریست پذیر

بریتانیا میزبان کمتر از نصف تعداد گردشگرانی است که فرانسه و اسپانیا دریافت می کنند. اما گردشگرانی که به بریتانیا سفر می کنند دو برابر آنچه در فرانسه خرج می کنند در بریتانیا هزینه می کنند. هر گردشگر ۱۳۶۰ دلار آمریکا در بریتانیا پول خرج می کند. این مبلغ مشابه متوسط هزینه‌ی هر گردشگری

پر درآمدترین کشورهای توریستی جهان

در این گزارش علاوه بر تعداد ورود گردشگران خارجی به هر کشور، درآمد سالانه‌ی هر کدام از این کشورها از صنعت گردشگری هم ذکر شده است. گردشگری بین المللی ۱۳۴۰ میلیارد دلار آمریکا به اقتصاد جهانی کمک می کند.

بیشترین درآمد از صنعت گردشگری بین المللی به جیب اروپا می رود. این قاره ۳۹ درصد از سود گردشگری را نصیب خود کرده است. البته سهم اروپا از این سود تعجبی ندارد زیرا ۵۲ درصد از تعداد گردشگران خارجی به این قاره سفر می کنند.

با این حال قاره‌ی آسیا و اقیانوس آرام ۲۴ درصد از تعداد گردشگران خارجی را به خود اختصاص داده است و از سود گردشگری بین المللی ۲۹ درصد نصیب این قاره شده است. در سال ۲۰۱۷ قاره‌ی آمریکا میزبان ۱۶ درصد از تعداد گردشگران بین المللی بوده که از سود گردشگری بین المللی ۲۴ درصد را از آن خود کرده است.



به ایسلند است.

علی‌رغم این که متوسط مدت اقامت گردشگران خارجی در ایسلند کوتاه‌تر از اقامت آن‌ها در بریتانیا است، هزینه سفر، غذا و اقامتگاه در ایسلند بسیار بالاتر است.

در سال ۲۰۱۷ درآمد لوکزامبورگ از هر گردشگر نسبت به دیگر کشورهای اروپایی بالاتر و در حدود ۴۳۲۲ دلار آمریکا بوده است. تعداد گردشگرانی که به لوکزامبورگ سفر می‌کنند بسیار کم‌تر از دیگر کشورهای اروپایی است.

هر سال تنها ۵/۱ میلیون گردشگر خارجی به این کشور کوچک سفر می‌کنند اما درآمد لوکزامبورگ از صنعت گردشگری یک درآمد عالی محسوب می‌شود؛ زیرا به ازای هر کدام از ۵۸۰,۰۰۰ نفر جمعیت این کشور ۷۸۰ دلار آمریکا درآمد کسب خواهد شد.

در انتهای دیگر این طیف، اگر به دنبال یک سفر ارزان به اروپا هستید، ترکیه همان جایی است که باید بروید. این کشور که رتبه ۸ لیست پر بازدیدترین کشورهای توریستی را به خود اختصاص داده است، به ازای هر گردشگر ۵۹۷ دلار آمریکا درآمد دارد.

طبق آمار سازمان جهانی گردشگری ملل متحد، اروپای شرقی و اروپای مرکزی جزو بخش‌هایی از اروپا بوده‌اند که گردشگران کم‌ترین هزینه را در آن‌ها داشته‌اند. این کشورها شامل جمهوری چک، لهستان، مجارستان و فدراسیون روسیه هستند. در این مناطق، متوسط هزینه‌های هر گردشگر ۴۴۷ دلار آمریکا بوده است.

ببرهای آسیایی در فهرست پر درآمدترین کشورهای توریست‌پذیر

در جنوب شرقی آسیا، تایلند با ۳۵ میلیون گردشگر خارجی در سال ۲۰۱۷ محبوب‌ترین کشور آسیایی برای گردشگران بین‌المللی به‌شمار می‌رود. این کشور به‌طور متوسط به ازای هر گردشگر درآمد بالاتری نسبت به دیگر کشورهای منطقه داشته است. تایلند به ازای هر گردشگر ۱۶۲۴ دلار آمریکا درآمد کسب کرده است.

سنگاپور که کشوری گران برای گردشگران محسوب می‌شود به‌طور متوسط به ازای هر گردشگر ۱۴۱۷ دلار آمریکا درآمد دارد. البته متوسط مدت اقامت گردشگران در سنگاپور کوتاه‌تر از تایلند است. لائوس نسبت به دیگر کشورهای منطقه رتبه‌ی پائین‌تری دارد و به ازای هر گردشگر ۱۹۸ دلار آمریکا درآمد دارد.

ویتنام کشور همسایه‌ی لائوس، از نظر افزایش تعداد گردشگر رتبه‌ی خوبی در میان کشورهای همسایه به‌دست آورده است. در سال ۲۰۱۷ هر گردشگر به‌طور متوسط ۶۸۵ دلار آمریکا در این کشور هزینه کرده است.

در بین کشورهای شمال شرقی آسیا، چین میزبان بیشترین تعداد گردشگران بوده است. در سال ۲۰۱۷ نزدیک به ۳۳ میلیون گردشگر خارجی از این کشور بازدید کردند. با این وجود هر گردشگر به‌طور متوسط ۵۳۶ دلار آمریکا در این کشور هزینه کرده است.

علی‌رغم این که تعداد گردشگرانی که از ژاپن بازدید کرده‌اند نسبت به چین بسیار کم‌تر است، این کشور ۲ میلیارد دلار آمریکا بیشتر از چین درآمد داشته است. هر گردشگری که به ژاپن سفر کرده است به‌طور متوسط ۱۱۸۶ دلار آمریکا در این کشور هزینه کرده است.

هنگ‌کنگ ۱ میلیون گردشگر کم‌تر از چین دارد اما متوسط هزینه‌های هر گردشگر در هنگ‌کنگ ۱۱۹۴ دلار آمریکا بوده است.

استرالیا چه جایگاهی در فهرست پر درآمدترین کشورهای توریست‌پذیر دارد؟

در سال ۲۰۱۷ استرالیا بیشترین درآمد را از صنعت گردشگری به‌دست آورد. متوسط هزینه‌های هر کدام ۸/۸ میلیون نفر گردشگری که به استرالیا سفر کرد، ۴۷۳۴ دلار آمریکا بوده است. این رقم بیشتر از درآمد لیختنشتاین، آمریکا و امارات متحده‌ی عربی به‌شمار می‌رود.

علی‌رغم این که هزینه‌ی سفر به نیوزلند مشابه هزینه‌ی سفر به استرالیا است، نیوزلند در همان سال به ازای هر گردشگر خارجی ۲۸۹۳ دلار آمریکا درآمد داشته است. علت این امر مدت کوتاه‌تر اقامت گردشگران در نیوزلند است.

فهرست پر درآمدترین کشورهای جهان در صنعت گردشگری

ایالات متحده آمریکا:	۲۹۹ میلیارد دلار آمریکا
اسپانیا:	۹۶ میلیارد دلار
فرانسه:	۸۶ میلیارد دلار
تایلند:	۸۱ میلیارد دلار
انگلستان:	۷۲ میلیارد دلار
ایتالیا:	۶۲ میلیارد دلار
استرالیا:	۵۹ میلیارد دلار
آلمان:	۵۷ میلیارد دلار
مکائو (چین):	۵۱ میلیارد دلار
ژاپن:	۴۸ میلیارد دلار

پیامد سیاست‌های اقتصاد کلان...

ریسک‌های کلی اقتصاد ایران و تورم‌های افسار گسیخته نیز عامل دیگری است که موجب می‌شود تا بازار دارایی‌ها از جمله بازار مسکن، برای جبران تورم دچار رونق‌هایی شود که قیمت نسبی مسکن حفظ شود. در این چارچوب، هر گونه سیاستی که منجر به مهار تورم شود، می‌تواند از جهش‌های پله‌گونه در بازار مستغلات جلوگیری کند. این در حالی است که پیش از این طرح‌هایی برای رونق در بازار مسکن خود موجب رشد پایه پولی و تورم بود. به معنای دیگر، طرح‌هایی که برای خانه دار شدن در نظر گرفته می‌شد خود موتوری برای اعوجاج در اقتصاد و بازار مسکن بود و مشکل همچنان به قوت خود باقی بود.

ثبات مالی در اقتصاد کلان خود موجب می‌شود تا تقاضای بورس بازانه در بازار مستغلات کمتر شود و سیکل‌های تجاری این بازار متعادل شود. بنابراین گام‌هایی که کسری را در سیستم مالی برطرف سازد، از جمله اصلاح نظام بانکی قادر است اثرات مطلوب و بلندمدتی بر بازار مسکن بگذارد. از سوی دیگر، باید به این موضوع اشاره کرد که رابطه میان بازار مسکن و رشد اقتصادی، رابطه‌ای دو طرفه است. از یکسو، رونق در بازار مسکن می‌تواند رشد اقتصادی به همراه آورد و از سوی دیگر وقتی اقتصاد روندی صعودی به خود بگیرد، موجب می‌شود تا بازار مسکن نیز رونق گیرد. این امر برای پایداری رونق در بازار مسکن کلیدی است و متأسفانه از ابتدای دهه ۹۰ به دلیل آنکه درآمد سرانه، رشدی را تجربه نکرده، عملاً این اثر متوقف شده است.

بنابراین برای داشتن چارچوب سیاست‌گذاری در حوزه مسکن می‌توان عنوان کرد که اولاً در یابیم رونق‌های اخیر، رونق‌هایی بوده در قیمت‌های اسمی و به واسطه ریسک‌های کلی اقتصاد و ثانیاً باید از رونق‌های کاذب و مقطعی که موجب اعوجاج در محیط اقتصاد کلان می‌شود پرهیز کرد. ثالثاً در عین ثبات پولی و مالی، با تعمیق بازار وجوه وام‌دانی پشتیبان بازار مسکن بدون دستکاری قیمت‌ها در آن به رونق پایدار در آن کمک کنیم و در نهایت در یابیم که بدون رشد واقعی اقتصاد کلان، نمی‌توان انتظار داشت تا یک بازار همواره رونق را تجربه کند.

/روزنامه دنیای اقتصاد

تنها نوع مالیات که کارایی را...

صندوق بین‌المللی

پول و چشم‌انداز...

کشورهای جهان، ساختار بازار سرمایه در اقتصاد ایران را مورد مطالعه جدی قرار داد تا تنفس بنگاه‌های کوچک و متوسط که می‌توانند سقف ۸۰ درصد از اقتصاد کشور را اداره کنند مختل نشود.

امروزه روش‌های تامین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایران در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، شرایطی را ایجاد کرده که ضرورت دارد ضعف‌های مقرراتی، نهادی، ساختاری و اجرایی بازار سرمایه شناسایی و از ناهمگرایی مقرراتی و استانداردهای روز بازار سرمایه جلوگیری شود. در نهایت باید گفت تحلیل گزارش صندوق بین‌المللی پول فرصت‌طلایی برای طرح پیشنهادهای اصلاحی و معرفی ابزارهای مالی جدید برای حل مشکلات دست به گریبان بخش خصوصی است که می‌تواند در قالب بسته‌های سیاستی حمایتی به‌ویژه برای شرکت‌های کوچک و متوسط ارائه شود و شرایط ناموزون ارائه‌شده از سوی صندوق را مرتفع و نقطه امید را برای فعالان حوزه‌های گوناگون اقتصاد تقویت کند.

منبع: روزنامه گسترش صمت

دارد که می‌گوید اگر علم اقتصاد را به کلیسای واتیکان تشبیه کنیم، هرمان دالی بزرگ‌ترین کافر دنیا به حساب می‌آید. البته دالی به دلیل فعالیت‌هایی که برای تبدیل کردن زمین به جایی بهتر برای زیستن کرد جوایز مشهوری چون جایزه «معیشت صحیح» را دریافت کرد. دهه‌ها است که دالی محبوب تعداد بسیار زیادی از دانشجویان و سیاست‌گذاران اقتصادی است که نظرات او را گره‌گشای بسیاری از مشکلات امروزه جهان می‌دانند.

برای شناخت بخشی از تجربه دالی که به دیدگاه‌های او کمک کرد کافی است نگاهی به سال ۱۹۶۷ کرد، یعنی زمانی که او استاد دانشگاهی در برزیل بود. چند ماه از سفر او به برزیل نگذشته بود که یک درگیری سیاسی منجر به تعطیلی دانشگاه شد و دالی کاری نداشت جز خواندن کتاب و فکر کردن به این منطقه ضعیف که افزایش جمعیتش به منابع طبیعی لطمه زده بود. برای این که با او بیشتر آشنا شویم کافی است این تجربه را از قلم خود او بخوانیم:

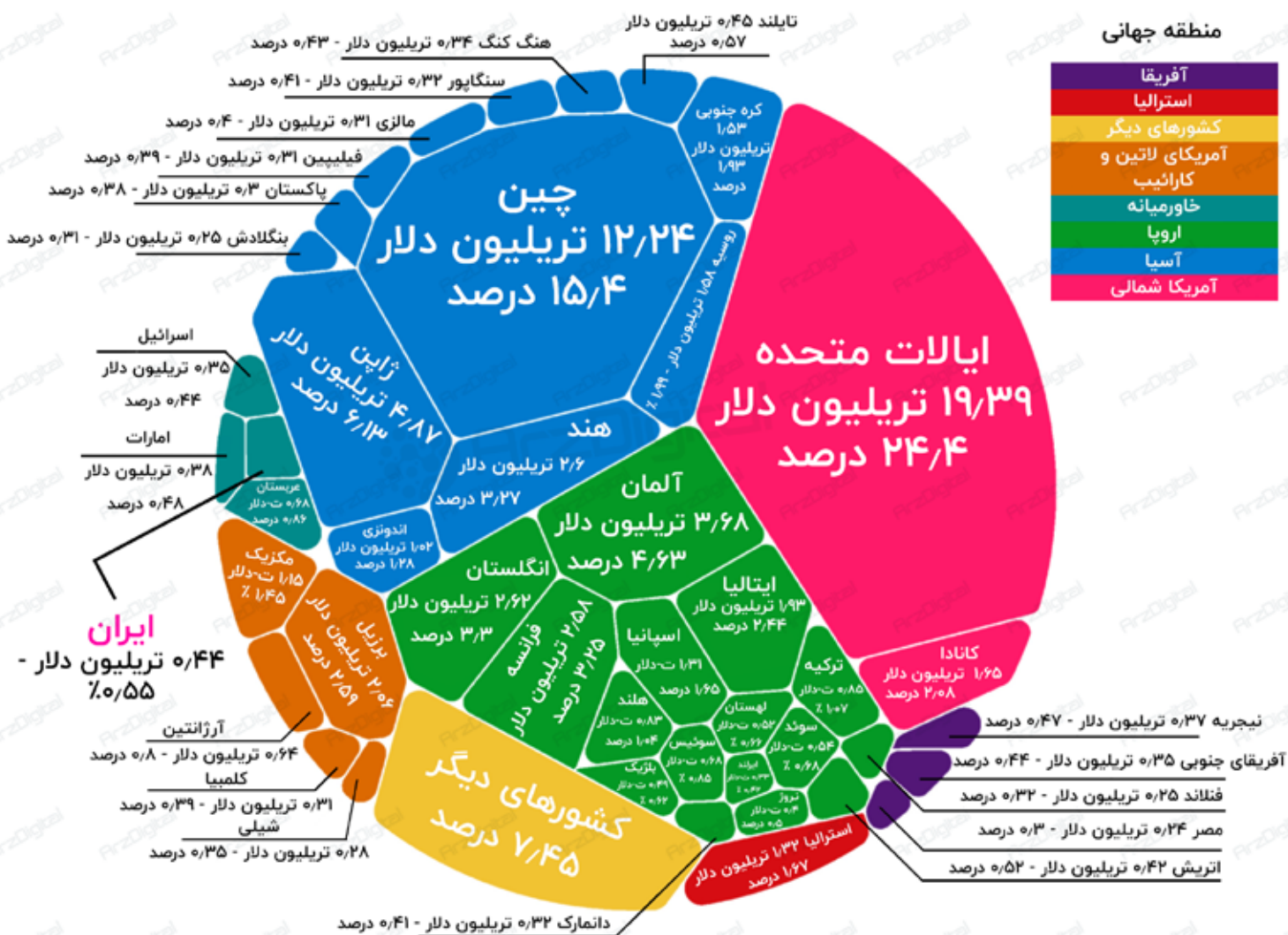
«وقتی بنشینید و تصویری از کلیت اقتصاد به عنوان زیرمجموعه یک زیست‌بوم بزرگ‌تر رسم کنید، تقریباً نیمی از راه را رفته‌اید. به همین خاطر هم هست که مردم تمایلی به انجام این کار ندارند، زیرا دقیقاً در همین لحظه متوجه می‌شوید که به دلیل وجود محدودیت‌های گوناگون نمی‌توانید تا ابد به رشد خود ادامه دهید. اقتصاد نسبت به یک نظام بزرگ‌تر تنها تا حدی می‌تواند بهینه عمل کند و شما نمی‌توانید از این حد بیشتر رشد کنید. پس وقتی رشد اقتصادی متوقف شد چه باید کنیم؟ واقعاً چه باید کنیم؟ این پرسشی بسیار حساس است که ما را تهدید می‌کند.»

دالی به زبانی بسیار ساده به ما فهمانده بود که همان‌طور که افزایش جمعیت به طبیعت فشار می‌آورد، افزایش ابعاد اقتصادی که همان رشد باشد هم به طبیعت فشار وارد می‌کند.

/آینده نگر

ر

اقتصاد ۸۰ تریلیون دلاری جهانی در یک نگاه



خود ضروری است و باید مدیران به قوانین روز آشنایی کامل داشته باشند.

وی همچنین گفت: یکی دیگر از رویکردهای قوه قضائیه و سازمان بازرسی کشور پیگیری موضوع شفاف سازی در دستگاه های اجرایی کشور است.

وی با اشاره به ضرورت ترویج فرهنگ پرداخت مالیات در کشور گفت: ۱۰۰ هزار میلیارد تومان فرامالیات، در کشور داریم.

حجت الاسلام درویشیان علت فرارهای مالیاتی را عدم شفافیت در فعالیت های اقتصادی عنوان کرد و گفت: باید فعالیت ها شفاف باشد.

وی سپس افزود: مناقشات سیاسی نباید در خدمت رسانی به مردم مانع ایجاد کند. امروز همه مردم و مسئولان باید برای آبادانی و توسعه کشور تلاش کنند.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور:

۱۰۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی داریم /

بر خورد با دانه درشت‌ها

رئیس سازمان بازرسی کل کشور با اشاره به ضرورت ترویج فرهنگ پرداخت مالیات در کشور گفت: ۱۰ هزار میلیارد تومان فرار مالیاتی در کشور داریم.

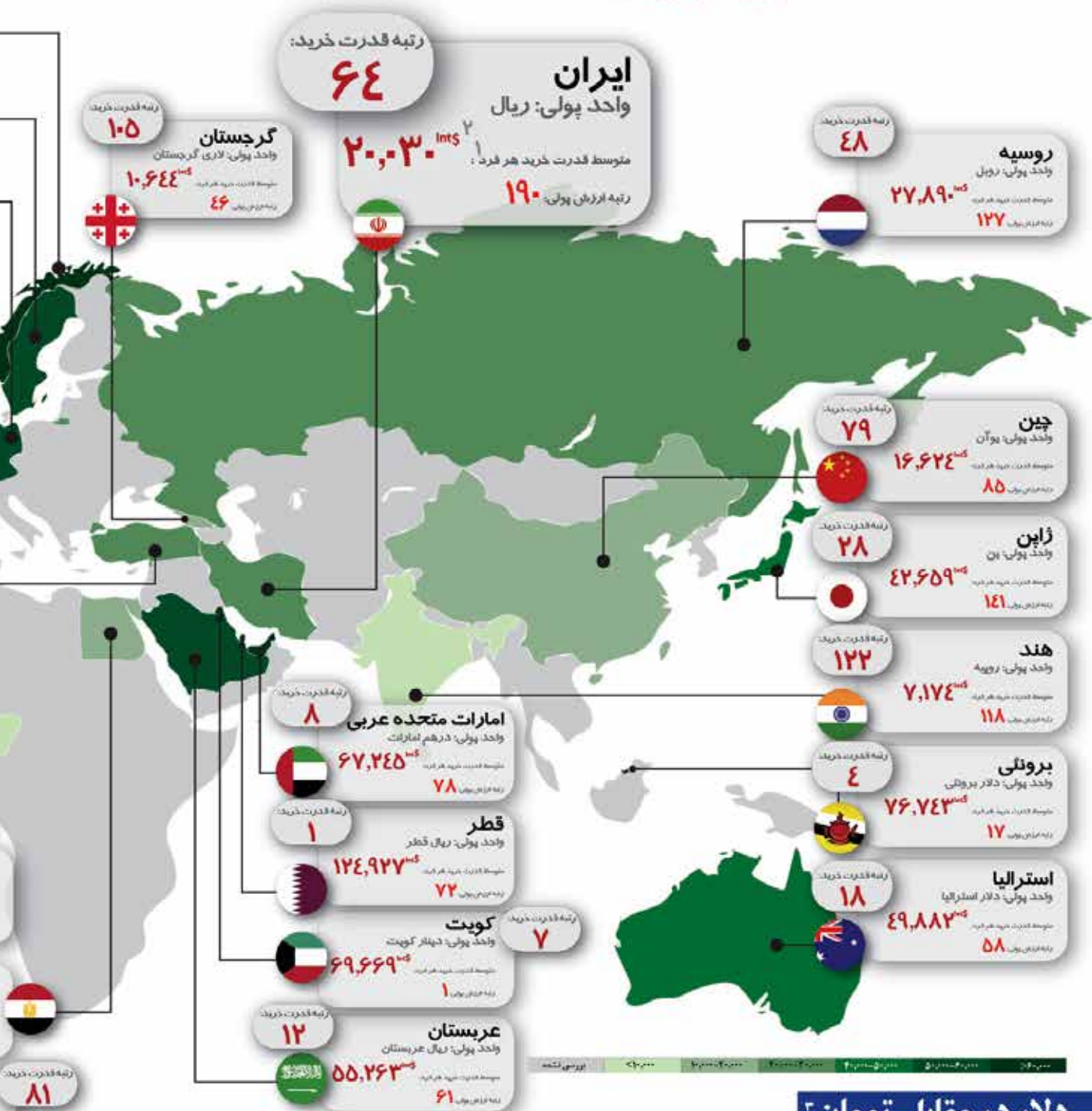
به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام والمسلمین حسن درویشیان با بیان اینکه قوه قضائیه در کنار جدیت در مبارزه با فساد، شناسایی پست‌های فساد رانیز در سرفروحه برنامه های خود قرار داده است، گفت: بدون ملاحظه جبهه سیاسی و وابسته بودن به اشخاص خاص، با دانه درشت ها بر خورد می شود.

حجت الاسلام درویشیان با اشاره به برنامه های قوه قضاییه در امر مبارزه با فساد گفت: باید با فساد به طور ساختاری، جدی و به صورت ریشه ای برخورد شود.

وی با تاکید بر اینکه کار آفرینان سربازان جبهه اقتصادی هستند، گفت: قوه قضائیه از این قشر حمایت و پشتیبانی می‌کند.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور با اشاره به اینکه داشتن وظیفه نظارتی از سوی تمام مسئولین یکی از رویکردهای ما است، گفت: آشنایی مدیران دستگاه‌های مختلف با وظایف حوزه مأموریت

قدرت واقعی پول‌های دنیا چقدر است؟



دلار در مقابل تومان

برخلاف تصور عموم، شاخص سنجش ارزش یک ارز نسبت به ارز دیگر، نه «خرش برابری» آن بلکه «برابری قدرت خرید» است. برابری قدرت خرید نوعی شاخص اقتصادی است که به‌عنوان تکنیکی برای تعیین ارزش پول‌های مختلف بکار می‌رود و نوعی نرخ مبادله تلقی می‌شود که برابر با نسبت هزینه‌های دو سبد کالای یکسان، در دو جامعه بر حسب ارزهای ملی است. به زبان ساده اگر ۱ دلار آمریکا معادل ۴۲۰۰ تومان باشد، این به معنای ارزش بیش از ۴ هزار برابری دلار نسبت به تومان نیست. طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۸، خرش برابری خریده دلار آمریکا نسبت به تومان ۱۰۲۵ است. درواقع برای خرید یک سبد کالا مشابه، یک ایرانی حدود ۱۰۰۰ تومان و یک آمریکایی ۱ دلار باید پرداخت کند.

اگر فرض کنیم که مصرف‌کننده در کشور ایران، ۱۰ هزار تومان و در کشور آمریکا ۱۴ دلار بابت خرید یک پاکت سیگار پرداخت کند، نسبت ۱۰ هزار تومان به ۱۴ دلار برابر ۷۱۴ خواهد بود که از تقسیم نرخ تومان به دلار (۲۲۰۰) و نرخ برابری قدرت خرید دلار نسبت به تومان (۱۰۲۵) فاصله دارد. بنابراین سیگار در ایران با هر معیاری ارزان‌تر از آمریکا است اما نوشابه در ایران با قیمت ۳ هزار تومان در مقایسه با نوشابه آمریکا با قیمت ۲۳۴ دلار، با توجه به

نرخ برابری قدرت خرید دلار نسبت به تومان گران‌تر محسوب می‌شود. درست است که مهم‌ترین شاخص برای مقایسه ارزش ارزها، برابری قدرت خرید است ولی این شاخص نیز، صرفاً ارزش واحد پول‌ها را با یکدیگر مقایسه می‌کند. برابری قدرت خرید به تنهایی نمی‌تواند توضیح دهد که هر فرد صرف نظر از ارزش واحد پولی کشورش، چند واحد پول به دست می‌آورد و درواقع چقدر رفاه اقتصادی دارد. بنابراین صرف قدرت‌مند بودن یک ارز، مزیت محسوب نمی‌شود و برای سنجش رفاه اقتصادی از شاخص همراه تولید ناخالص داخلی بر پایه برابری قدرت خریده کمک گرفته می‌شود تا متوسط رفاه هر شهروند در دنیا مشخص شود. طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۱۷، سرانه تولید ناخالص داخلی بر پایه برابری قدرت خرید، برای هر آمریکایی و ایرانی به ترتیب ۵۹,۴۹۵ و ۳۰,۰۳۰ دلار (بین‌المللی) در سال است. با توجه به همراه تولید ناخالص داخلی بر پایه برابری قدرت خریده و با صرف‌نظر از سایر فاکتورهای اقتصادی می‌توان گفت اگر یک ایرانی و آمریکایی یک سازه، کاری مشابه را انجام دهند یا در آمدشان فرد آمریکایی حدود ۳ برابر جنس بیشتری می‌تواند خرید کند.



نرخ برابری دلار به تومان بر اساس دستور بانک مرکزی در حال حاضر ۴۲۰۰ است.

واحد دلار ۱۰۲۵ برابر قدرتمندتر از تومان است و نه ۴۲۰۰ برابر.

اگر سیگار ملک ارزش گذاری ارزشها باشد، دلار ۷۱۴ برابر قدرتمندتر از تومان است.

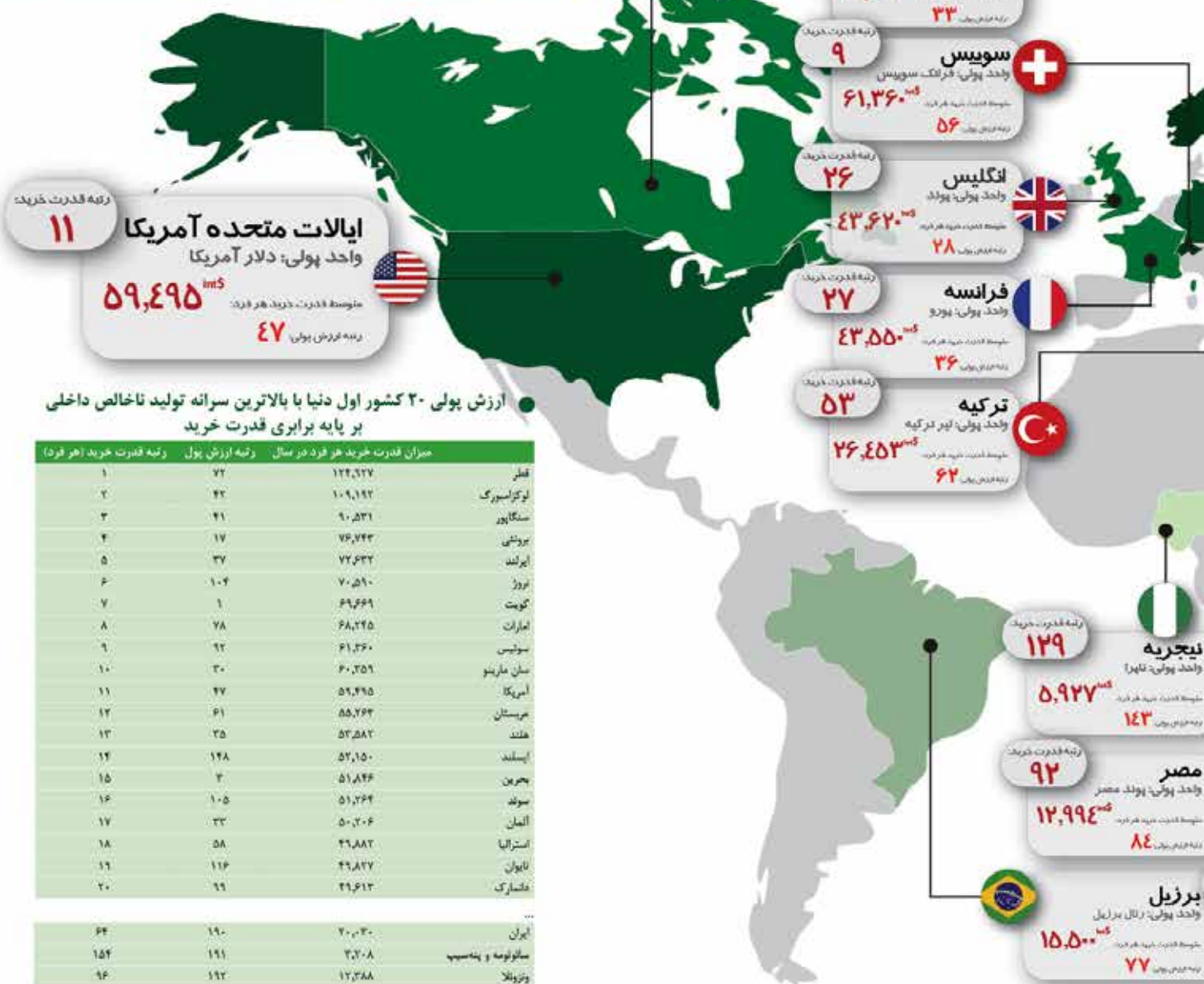
مهم ترین شاخص برای مقایسه ارزش پول ها، برابری قدرت خرید است.

صرف قدرتمند بودن یک ارز، مزیت محسوب نمی شود.

سرنانه تولید ناخالص داخلی بر پایه برابری قدرت خرید، مهم ترین شاخص رفاه است.

قدرت خرید ایرانی ها یک سوم آمریکایی ها است و در رتبه ۶۴ دنیا قرار دارد.

شاه کلید افزایش رفاه اقتصادی در یک کشور، افزایش تولید (خدمات و کالا) است.



ارزش پولی ۲۰ کشور اول دنیا با بالاترین سرنانه تولید ناخالص داخلی
بر پایه برابری قدرت خرید

میزان قدرت خرید هر فرد در سال	رتبه ارزش پول	رتبه قدرت خرید (هر فرد)	کشور
۱۲۲,۵۱۷	۷۲	۱	قطر
۱۰۹,۱۹۲	۴۲	۲	لوتکزامبورگ
۹۰,۵۳۱	۴۱	۳	سنگاپور
۷۶,۷۴۳	۱۷	۴	برونئی
۷۲,۶۴۲	۳۷	۵	ایرلند
۷۰,۵۱۰	۱۰۴	۶	نروژ
۶۹,۶۶۹	۱	۷	کویت
۶۸,۲۲۵	۷۸	۸	امارات
۶۱,۳۶۰	۹۲	۹	سوئیس
۶۰,۳۵۹	۳۰	۱۰	سلان مارینو
۵۹,۴۹۵	۴۷	۱۱	آمریکا
۵۵,۷۶۲	۶۱	۱۲	جرمنی
۵۳,۵۸۲	۳۵	۱۳	هلند
۵۲,۱۵۰	۱۲۸	۱۴	ایسلند
۵۱,۸۴۶	۴	۱۵	بحرین
۵۱,۲۶۴	۱۰۵	۱۶	سوئد
۵۰,۲۰۶	۳۳	۱۷	آلمان
۴۹,۸۸۲	۵۸	۱۸	استرالیا
۴۹,۸۲۷	۱۱۶	۱۹	ناپول
۴۹,۶۱۳	۹۹	۲۰	فنلاند
...	...	...	...
۲,۰۳۰	۱۹۰	۶۴	ایران
۲,۲۰۸	۱۹۱	۱۵۲	مکزیک و هندوستان
۲,۳۸۸	۱۹۲	۱۶۴	رومانی

توضیحات
۱. GDP (PPP) per Capita: سرنانه تولید ناخالص داخلی بر پایه برابری قدرت خرید (تقریباً مساوی با درآمد هر فرد ملی یکسال)
۲. دلار بین المللی: پولی فرضی بر پایه برابری قدرت خرید و معانی برای مقایسه ارز کشورهای مختلف
۳. برای ساده سازی محاسبات در متن از تومان به جای ریال استفاده شده است
۴. قیمت ارز یک کشور بر حسب ارز کشور دیگر
۵. بر اساس قیمت سیگار مارلبورو در بازار نیویورک (۲۰۱۸)
۶. بر اساس قیمت نوشابه ۲ لیتری کوکاکولا در بازار نیویورک (۲۰۱۸)
منابع استخراج داده ها:
۱. گزارش صندوق بین المللی پول در سال ۲۰۱۷
۲. گزارش سازمان همکاری و توسعه اقتصادی در سال ۲۰۱۷

ده اقدام اساسی برای نجات اقتصاد

رهبر انقلاب در آستانه آغاز سال ۱۴۰۰، اقتصاد را به اقدام سال: اقتصاد مقاومتی، تقدیم نمود. تاکید بر گذشتن از مسیرهای وابستگی به اقتصاد جهانی و حرکت به سمت اقتصاد داخلی را برای نجات کشور برشمردند که این ابتکار ملی یک بیدار کننده در درون جامعه است.

دانش بنیان شدن بخش های مهم و حساس اقتصادی



چگونگی از انبساط منابع مالی پس از برجام



زنده کردن تولید داخلی



شناسایی و تمرکز بر فعالیتها و زمینه های اقتصادی مزیت دار کشور



پس رهبری از واردات تضعیف کننده تولید داخلی



شرط انتقال فناوری در معاملات خارجی



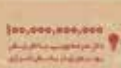
احیای بخش های اقتصادی که قبلاً در آنها سرمایه گذاری شده



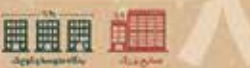
مبارزه جدی با فساد ویژه خواری و قاپاق در کشور



ارتقای بهره وری انرژی



کاهش هزینه های نگاه های متوسط و کوچک



چین

جنگ تجاری میان آمریکا و چین، که همچنان ادامه دارد، و تحریم های واشینگتن علیه بزرگترین شرکای تجاری چین، دومین اقتصاد بزرگ دنیا را وادار به برداشتن گام هایی در جهت کاهش وابستگی به دلار کرده است.

چین به جای آن که فوراً دلار آمریکا را کنار بگذارد، ابتدا تلاش می کند تا ارز خود، یعنی یوان، را به عنوان یک ارز مرجع در تبادلات جهانی مطرح کند.

پس از تحریم های دیگری نیز برای تقویت این ارز و داشته که از جمله آن ها افزایش ذخایر طلا، اشیای لوکس و خرید نفت به یوان، و استفاده از این ارز در تجارت با شرکای بین المللی اش است.



هند

تحریم های اقتصادی آمریکا علیه شرکای تجاری و نظامی هند، این کشور را با درگیر مواجه کرده و دهلی نورا وادار نموده تا از زیر فشار اقتصادی واشینگتن خارج شود.

با توجه به این که هند سومین کشور و اقتصاد بزرگ دنیا با احتساب «برابری قدرت خرید» محسوب می شود، اقدام این کشور به کنار گذاشتن دلار، می تواند نقش این ارز در تجارت جهانی را به طور قابل ملاحظه ای کاهش دهد.

حذف دلار از مبادلات اقتصادی



روسیه

با وجود آن که بسیاری از کارشناسان آمریکایی ترامپ را طرفدار روسیه می دانند و حتی سیاستمداران این کشور پوتین را به دخالت در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۶ آمریکا و کمک به روی کار آمدن ترامپ متهم می کردند، اما روابط میان واشینگتن و مسکو طی دو سال اخیر نه تنها بهبود پیدا کرده، بلکه بدتر از گذشته شده است.

علاوه بر دشمنی های حواری و داخلی در آمریکا، رقابت تسلیحاتی میان این کشور و روسیه نیز یکی از مهم ترین دلایل اقدام واشینگتن به تحریم خریداران تسلیحات نظامی از مسکو بوده است.

وزیر اقتصاد روسیه سال ۲۰۱۸ گفت که این کشور باید سهام خود در آمریکا را با دارایی های امن تری مانند روبل، یورو و فلزات گرانبها از جمله طلا جایگزین کند.



ترکیه

ترکیه به عنوان یکی از متحدان آمریکا در ناتو، طی دو سال اخیر شاهد تنش های عمیقی با دولت ترامپ بوده است که منشأ اصلی آن ها کودتای نافرجام سال ۲۰۱۶ علیه دولت اردوگان بود.

ایران



«تحریم ها تهران را وادار به یافتن جایگزین های برای دلار به منظور روشن دریافت درآمدهای حاصل از صادرات نفت کرده است»

ایران با هند توافق کرده است که هزینه نفت را با استفاده از روبیه از دهلی نورا دریافت کند. این کشور همچنین درباره تبادل کالا با عراق نیز مذاکره و توافق کرده است. تهران و بغداد با توجه به مشکلات بانکی بر اثر تحریم های اقتصادی آمریکا، بر سر استفاده از دینار عراق در تراکنش های دوجانبه به منظور کاهش وابستگی به دلار نیز به توافق رسیده اند. ایران به عنوان یکی از بزرگترین صادرکنندگان نفت دنیا، با برخی دیگر از خریداران نفت خود، از جمله چین و حتی اتحادیه اروپا نیز درباره کنار گذاشتن دلار در تراکنش های مربوط به نفت اتفاق نظر دارد.



گروه کارخانجات طوس فدک

اولین تولید کننده انواع سمپاش های،
پشت تراکتوری و موتوری، توربین زراعی
و توربین باغی (تحت لیسانس اروپا) با
۳۵ سال سابقه در ایران میباشد.

طوس فدک

TOOS FADAK

طوس فدک حافظ دست رنج کشاورز

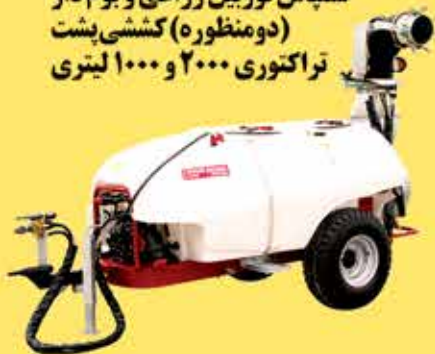
سمپاش دو منظوره کششی پشت تراکتوری
توربین باغی و زراعی بوم دار
۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ لیتری



سمپاش ۸۰۰ لیتری زراعی سوار شونده
پشت تراکتوری توربینی و بوم دار
(دو منظوره)



سمپاش توربین زراعی و بوم دار
(دو منظوره) کششی پشت
تراکتوری ۱۰۰۰ و ۲۰۰۰ لیتری



سمپاش موتوری چرخ دار
۱۰۰ و ۲۰۰ لیتری



سمپاش سوار شونده بوم دار
۴۰۰، ۶۰۰ و ۸۰۰ لیتری
با بوم های ۸، ۱۰، ۱۲، ۱۴ و ۱۶ متری



سمپاش زنبه ای



بیلر بسته بنده علوفه
طرح کلاس با کارایی مطمئن



طوس فدک

TOOS FADAK

محصولات گروه کارخانجات طوس فدک
با ضمانت و خدمات پس از فروش در خدمت کشاورزان عزیز

آدرس دفتر مرکزی: مشهد خیابان جمهوری اسلامی (بلوار فرودگاه) نبش جمهوری اسلامی ۱۷ پلاک ۳۶۵
آدرس کارخانه: مشهد کیلومتر ۲۳ جاده قوچان، ابتدای شهرک صنعتی فناوری های برتر

Nilooofar Nilooofar



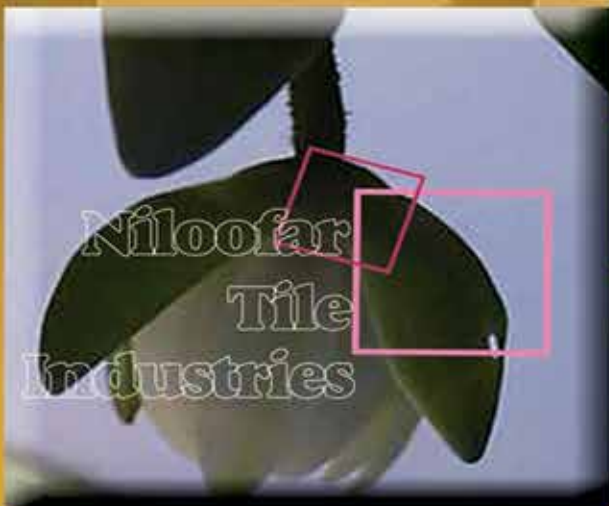
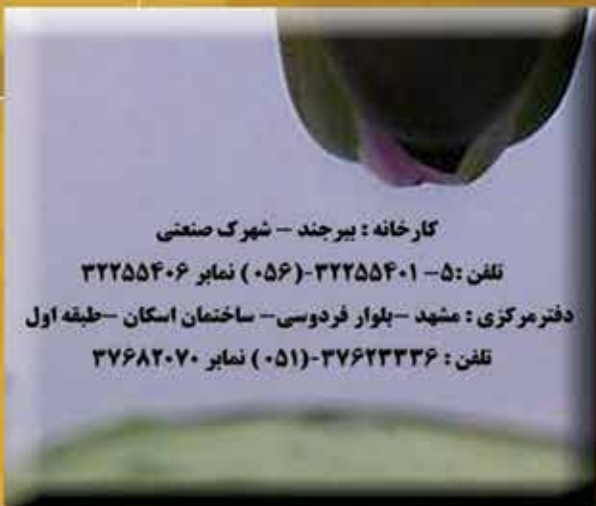
Nilooofar Tile Industries

صنایع کاشی نیلوفر

نیلوفر

کاشی
صنایع

لعل نیلوفر زحاک آمد



کارخانه : بیرجند - شهرک صنعتی

تلفن : ۵- ۳۲۲۵۵۴۰۱ - (۰۵۶) نمابر ۳۲۲۵۵۴۰۶

دفتر مرکزی : مشهد - بلوار فردوسی - ساختمان اسکان - طبقه اول

تلفن : ۳۷۶۲۳۳۳۶ - (۰۵۱) نمابر ۳۷۶۸۲۰۷۰

Nilooofar
Tile
Industries